



مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری

ISSN: 2645-4424

فصلنامه مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری
سال چهارم، شماره ۲ (پیاپی: ۱۹)، تابستان ۱۴۰۱، جلد دو

مقایسه تطبیقی نظریات شهرسازی پیرامون موضوع مسکن اجتماعی با
تأکید ویژه بر نظریه اصالت بخشی و ساختاری
ساناز سعیدی مفرد، میلاد بهالگردی

فراتحلیلی بر رابطه شاخص‌های کالبدی با اجتماع‌پذیری در فضاهای
آموزشی ایران
مینارضائی، کوروش افضلی، سجاد رنجبر همقاوندی

طراحی شهری با رویکرد افزایش تاب‌آوری کالبدی در مقابل زلزله: نمونه
موردی: محله لب آب واقع در منطقه ۸ شیراز
ندارفعی، حمیدرضا شاهینی فر، مهرانوش مفیدی، هادی عبدالعظیمی

ارائه راهکارهای تأمین منابع درآمدهای پایدار شهری: مطالعه موردی:
شهرداری مهاباد
عبدالناصر رسولی

بررسی حس مکان در بناهای تاریخی دوره قاجار؛ نمونه موردی مدرسه و
آب انبار سردار محله آخوند
محمد بهزادپور، نرگس الفتی، مهدی امامعلی زاده

واکاوی و بررسی طراحی مجموعه‌های تفریحی و اقامتگاهی با رویکرد
تقویت حس سرزندگی اجتماعی: مورد مطالعه: روستای بند ارومیه
شفق عیاررضایی

نقش نما و جداره‌ها در منظر شهری با تأکید بر زیبایی‌شناسی محیط
محمدمسعود غیابی



نشریه

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری، کوچه شهید سبحانی، پلاک ۲۸، واحد ۴
کد پستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵
www.UDSJ.ir
Shij.journals@gmail.com
۰۲۶ ۳۴۴۵۳۱۳۱ / ۰۲۱ ۴۳۸۵۷۱۳۴

جای

انتشارات هنر و علوم دانشگاهی، تلفن: ۰۲۱ ۳۳۸۴۰۷۹۲
نشانی: تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸، پلاک ۲۹۳

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: میلاد فتحی

زیر نظر شورای سردبیری
مدیر اجرایی: منیژه ملائی

اعضای شورای علمی و داوری تحریریه: (به ترتیب حروف الفبا)

- دکتر میترا عظیمی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر وحیده ابراهیم‌نیا، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر حسن اسماعیل‌زاده، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر رحیم حیدری چپانه، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
- دکتر ابوالفضل قنبری، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
- دکتر وحید بیگدلی‌راد، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین
- دکتر محمد فرخ‌زاد، عضو هیئت علمی دانشگاه گلستان
- دکتر بهمن صحنه، عضو هیئت علمی دانشگاه گلستان
- دکتر بهرام ایمانی، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی
- دکتر حبیب‌اله فصیحی، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی

فراخوان پذیرش مقاله:

نشریه «مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری» توسط موسسه مطبوعاتی مطالعات کاربردی شپاک و با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات علمی در زمینه برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری و به طور عام شهرسازی، می‌پردازد. از این‌رو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران دعوت می‌شود با ارسال مقالات علمی خود از طریق وبسایت نشریه به نشانی www.UDSJ.ir در پربارتر کردن این نشریه، ما را یاری نمایند. برای ارسال مقاله کافی است تا در وبسایت ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید.

محورها و موضوعات پذیرش مقاله:

- | | |
|-------------------------------|---|
| - برنامه‌ریزی شهری | - اخلاق حرفه‌ای، آموزش و پژوهش در |
| - شهرسازی ایرانی و اسلامی | - شهرسازی |
| - شهرسازی و توسعه پایدار | - آسیب‌های شهری و سکونتگاه‌های |
| - مدیریت شهری و اقتصاد شهری | - غیررسمی |
| - مبانی نظری و تاریخ شهرسازی | - شهرسازی و پایداری اجتماعی و فرهنگی |
| - ارتباط دوسویه معماری و | - نقش محیط زیست و اقلیم در توسعه شهری |
| - شهرسازی | - مدیریت بحران و پدافند غیرعامل در |
| - مرمت و احیا بافت‌های تاریخی | - شهرسازی |
| - شهری | - جامعه‌شناسی شهری و گردشگری شهری |
| - شهرسازی و مطالعات طراحی | - مدیریت دانش و مطالعات میان رشته‌ای در |
| - شهری | - شهرسازی |

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	مقایسه تطبیقی نظریات شهرسازی پیرامون موضوع مسکن اجتماعی با تأکید ویژه بر نظریه اصالت بخشی و ساختاری ساناز سعیدی مفرد، میلاد بهالگردی
۱۳	فراتحلیلی بر رابطه شاخص‌های کالبدی با اجتماع‌پذیری در فضاهای آموزشی ایران مینارضائی، کوروش افضلی، سجاد رنجبر همقاوندی
۲۳	طراحی شهری با رویکرد افزایش تاب‌آوری کالبدی در مقابل زلزله؛ نمونه موردی: محله لب آب واقع در منطقه ۸ شیراز ندا رفیعی، حمیدرضا شاهینی فر، مهرانوش مفیدی، هادی عبدالعظیمی
۳۵	ارائه راهکارهای تأمین منابع درآمدهای پایدار شهری؛ مطالعه موردی: شهرداری مهاباد عبدالناصر رسولی
۴۷	بررسی حس مکان در بناهای تاریخی دوره قاجار؛ نمونه موردی مدرسه و آب‌انبار سردار محله آخوند محمد بهزادپور، نرگس الفتی، مهدی امامعلی زاده
۵۷	واکاوی و بررسی طراحی مجموعه‌های تفریحی و اقامتگاهی با رویکرد تقویت حس سرزندگی اجتماعی؛ مورد مطالعه: روستای بند ارومیه شفق عیاررضایی
۶۷	نقش نما و جداره‌ها در منظر شهری با تأکید بر زیبایی‌شناسی محیط محمدمسعود غیایی

مقایسه تطبیقی نظریات شهرسازی پیرامون موضوع مسکن اجتماعی با تأکید ویژه بر نظریه اصالت بخشی و ساختاری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

کد مقاله: ۳۰۲۳۱

ساناز سعیدی مفرد^{۱*}، میلاد بهالگردی^۲

چکیده

باگذشت زمان و افزایش جمعیت و رکود اقتصادی در سراسر دنیا مسکن به موضوعی مهم و مشکل اساسی برای اکثریت کشورهای دنیا تبدیل شده است. در این میان بیشتر اقشار ضعیف و متوسط جهت تأمین مسکن مناسب و درخور با مشکل مواجه شده‌اند ازاین‌رو دولت‌ها تلاش‌هایی جهت تأمین مسکن انجام داده‌اند. هدف این پژوهش بررسی پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه مسکن اقشار کم‌درآمد و مسکن اجتماعی و تحلیل محتوا این پژوهش‌ها با استفاده از نرم‌افزار Maxqda است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات به‌صورت اسنادی که از طریق آن سیاست‌های مورد استفاده کیفی بررسی می‌شود. در این مقاله برای دستیابی به سیاست‌ها و شاخص‌ها و نظریات تعداد ۱۵ مقاله داخلی و ۳ رساله داخلی دکتری و ۱۱ مقاله لاتین مورد تحلیل قرار گرفته‌اند که در این میان تعداد ۳۹ نظریه با فراوانی ۴۰، ۴۶ شاخص با فراوانی ۶۵ و ۴۳ سیاست با فراوانی ۸۵ استفاده شده است. در گام آخر باتوجه به نظریات مستخرج شده از این پژوهش‌ها در نهایت دو نظریه اصالت بخشی روث گلس و نظریه ساختاری آنتونی گیدنز جهت مقایسه تطبیقی انتخاب شد که این دو نظریه به لحاظ تئوری از جنس ماهوی اما از دیدگاه گونه‌شناسی آر کی بوجی نظریه اصالت بخشی درون برنامه‌ریزی و نظریه ساختاری بیرون برنامه‌ریزی است.

واژگان کلیدی: مسکن اجتماعی، مسکن اقشار کم‌درآمد، نظریه اصالت بخشی، نظریه ساختاری، مقایسه تطبیقی

۱- استادیار گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) Saeedi.s@mshdiau.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ایران.

۱- مقدمه

دستیابی به مسکن مناسب و ارزان یکی از اصلی‌ترین نیازهای بشر در طول تاریخ بوده است. در بسیاری از کشورهای دنیا، دولت موظف است تا برای همه اقشار جامعه مسکن تهیه کند. این موضوع در کشور عزیزمان ایران در دوره‌های مختلف پس از انقلاب طرح‌هایی جهت تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد تهیه و اجرا شد. یکی از سیاست‌هایی که در جهان موردتوجه قرار گرفت، مسکن اجتماعی است. مفهوم مسکن اجتماعی که بعضاً با عناوین دیگری چون مسکن دولتی یا مسکن قابل استطاعت هم شناخته می‌شود، در کشورهای صنعتی شده اروپایی در ابتدای قرن بیستم ظهور کرد (Lund, 2011; 48). مسکن اجتماعی دارای تاریخچه‌ای نسبتاً طولانی در اروپای غربی است که به‌رغم گوناگونی فراوان در تجارب عملی، مفاهیم پایه‌ای آن بر اساس فلسفه و ریشه‌هایی مشترک شکل گرفته است. مسکن اجتماعی در ابتدا تنها راه حلی ساده برای برآوردن نیاز مسکن اقشار آسیب‌پذیر و محروم نبود، بلکه درعین‌حال ابزار مناسبی برای مواجه شدن با مسائل اجتماعی و اقتصادی جامعه مدرن آن روزگار اروپا به‌حساب می‌آمد (Malpass, 2008: 3). تفاوت مفهومی مهم مسکن اجتماعی با سایر انواع مسکن در بازار مسکن این است که بازار مسکن بر اساس تقاضای مؤثر شکل می‌گیرد اما مسکن اجتماعی بر اساس نیاز به مسکن مطرح می‌شود (مالکی، ۱۴۰۰: ۲).

سوابق تاریخی قوی برای بحث «مسکن اجتماعی» وجود دارد که خود دولت‌ها از قوی‌ترین حامیان آن بوده‌اند. در بیشتر تاریخ، در استرالیا و جاهای دیگر، مسکن اجتماعی در ارتباط با توسعه صنعتی، بهداشت و تأمین زندگی خانگی برای خانواده‌های طبقه کارگر تصور شده است. (Martin, 2018; 303). در سطح بین‌المللی، مسکن اجتماعی به‌عنوان ابزاری برای بسیاری از آرمان‌های سیاست عمومی، از جمله توسعه شهری برنامه‌ریزی شده، ثبات اقتصادی، محله‌های فراگیر و اخیراً در اروپا برای رسیدگی به نگرانی‌های مربوط به کارایی انرژی و شمول اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است (Flangan, 2019: 23). مفهوم مسکن اجتماعی در شکل فعلی‌اش بعد از انقلاب صنعتی و در زمانه مدرن شکل گرفته و تاکنون هم ادامه یافته است. این نوع از مسکن در طول زمان و در کشورهای مختلف شکل‌ها و ابعاد گوناگونی به خود دیده و موفقیت‌ها و شکست‌های متعددی را تجربه کرده است. امروزه بعد از گذشت دهه‌ها از آغاز تجربه مسکن اجتماعی نه تنها نیاز به مسکن کمتر نشده بلکه روزبه‌روز بیشتر هم می‌شود (مالکی، ۱۴۰۰: ۳). در کشور عزیزمان ایران طرح مسکن مهر گونه‌ای از مسکن اجتماعی می‌باشد. طرح مسکن مهر، طرحی است که در سال ۱۳۸۶ با اهداف ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضای مسکن با حذف قیمت زمین، تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد و بی‌بضاعت، کنترل و جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت زمین و مسکن، رونق بخشی به تولید مسکن و افزایش حجم تولید مسکن، کاهش هزینه‌های مسکن اجاره‌بها، رهن و خرید از سید هزینه خانوار، تأمین نیازهای انباشتی و آتی مسکن و برقراری عدالت در دسترسی به مسکن مناسب و به تبع آن، کاهش فقر و تأمین مسکن جوانان مطرح شد (پرهیزکار و شاهدی، ۱۳۸۹: ۴۶). این پژوهش بر آن است تا با مطالعه پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه مسکن اجتماعی و مسکن اقشار کم‌درآمد با کمک نرم‌افزار Maxqda شاخص‌ها، سیاست‌ها و نظریات استفاده شده در این پژوهش‌ها را شناسایی و استخراج کرده تا بتوان علاوه بر تحلیل کیفی پژوهش‌ها صورت گرفته در این حوزه، دو نظریه که در حوزه مسکن اقشار کم‌درآمد و مسکن اجتماعی تأثیرگذار هستند را مقایسه نمود.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مسکن اجتماعی

مسکن اجتماعی به‌طور کلی به‌عنوان یک اصطلاح متنوع و پرازش در نظر گرفته می‌شود. هیچ تلاشی برای یافتن یک تعریف مشترک در جامعه مسکن گسترده‌تر مورد تأیید عمومی قرار نگرفته است. در عوض، تعاریف و توصیفات متعددی وجود دارد که برخی از آنها برای تناسب با یک مطالعه موردی محدود ساخته شده‌اند (Hansson, 2019: 53). مسکن اجتماعی در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته جهان طی سه تا چهار دهه اخیر دستخوش تغییرات عمیقی شده است. این شامل پیدایش خود مقوله مسکن اجتماعی می‌شود تا منعکس‌کننده این واقعیت باشد که مسکن عمومی تحت مدیریت دولتی هم اکنون در کنار مسکن ارائه شده توسط بخش غیرانتفاعی وجود دارد - و به طور فزاینده‌ای در حال تبدیل شدن به آن است (Pawson et al, 2020). با این حال، احتمالاً مهم‌تر، تغییر در وضعیت و عملکرد مسکن اجتماعی در مقایسه با سایر انواع تصدی در این دوره بوده است. صرف‌نظر از اینکه چه کسی آن را مدیریت می‌کند، مسکن اجتماعی تحت یک فرایند کاملاً مستند ماندگاری قرار گرفته است (Malpass, 2004; Angel, 2021).

تعریف مسکن اجتماعی در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت است. علی‌رغم این تفاوت مؤلفه‌های اشتراکی نیز در تعریف مسکن اجتماعی وجود دارد که آن را از دیگر انواع مسکن متمایز می‌سازد. به‌طور کلی مسکن اجتماعی نوعی از مالکیت مسکن است که در آن مالک دولت‌های ملی - محلی و یا سازمان‌های غیرانتفاعی هستند که مسکن موردنظر را به‌صورت استیجاری در اختیار گروه‌های هدف سیاست‌گذار قرار می‌دهند (مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۹۳: ۱). به‌عبارت دیگر مسکن اجتماعی به واحدهایی اطلاق می‌شود که سطح زیر بنای مفید آنها ۵۰ مترمربع بوده و به‌صورت انبوه ساخته می‌شوند این واحدها به‌صورت اجاره‌به‌شرط تملیک در اختیار بهره‌برداران قرار می‌گیرد. منابع احداث واحدهای فوق، از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم از

سوی سازندگان و کمک‌های اعتباری دولت و تسهیلات بانکی تأمین می‌شود (عربی نژاد، ۱۳۷۳: ۹۳). در جدول شماره ۱ مفاهیم و تعاریف مختلف ارائه شده است:

جدول شماره ۱ - تعاریف و مفاهیم مسکن اجتماعی (مأخذ: نگارنده)

[illegible]

۳- روش شناسی پژوهش

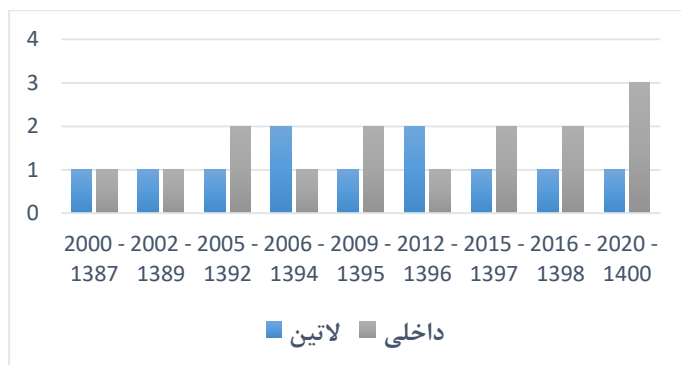
در مطالعه حاضر ماهیت پژوهشی کیفی و روش توصیفی-تحلیلی دارد که در راستای تحلیل متون که بر پایه تحلیل اسناد موجود که از طریق آن سیاست‌ها، شاخص‌ها و نظریات مورد استفاده کیفی بررسی می‌شود انجام شده است نوع تحقیق کاربردی است و هدف از آن بررسی و تحلیل محتوا مطالعات انجام شده در زمینه مسکن اقشار کم درآمد و مسکن اجتماعی و نیز نظریات مرتبط با این مبحث است. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از پایگاه‌های ایراندک، نورمگز، مگ ایران، Sid، پرتال جامع علوم انسانی، سایت دانشگاه تربیت مدرس، Google Scholar، Proquest، taylorfrancis و dart-europe استفاده شده است. در زمینه مسکن اجتماعی و مسکن اقشار کم درآمد ۲۶ مقاله داخلی، ۲۱ مقاله لاتین و ۱۰ رساله داخلی یافت شد که برخی از این منابع به دلیل عدم دسترسی به این منابع و همچنین عدم اشاره به نظریه و سیاست و شاخص‌های مرتبط حذف شدند و جهت تحلیل این پژوهش‌ها از نرم افزار MAXQDA استفاده شده است. در این نرم افزار ابتدا تمامی منابع به ۳ دسته مقاله داخلی، مقاله لاتین و رساله داخلی تقسیم شده است و سپس در نرم افزار کدگذاری شدند. برای این کار ۳ کد اصلی شاخص سیاست و نظریه در نظر گرفته شده است و در قسمت نظریات، نظریه‌ها به ۴ دسته تقسیم شدند و سپس کدگذاری صورت گرفت و در نهایت خروجی‌های لازم گرفته شد.

جدول شماره ۲ - تعداد منابع بررسی شده (مأخذ: نگارنده)

نوع منبع	تعداد
مقاله داخلی	۱۵
مقاله لاتین	۱۱
رساله داخلی	۳
مجموع	۲۹

۴- تحلیل یافته‌ها

نقش مسکن اجتماعی در اسکان خانوارهای کم‌درآمد و آسیب‌پذیر کم‌کم در لیست اولویت‌های دولت‌ها، پایین آمد تا زمانی که کمبود عددی مسکن ملی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی در اکثر کشورهای اروپایی و آمریکایی مرتفع شد. در اکثر کشورها، مقامات محلی نقش اصلی را بر عهده گرفتند چه به شکل ساخت مستقیم خانه و یا چه به شکل فراهم‌آوردن شرایطی که دیگران هم بتوانند در این امر مشارکت کنند. بنابراین باتوجه به برخی از تفاوت‌های اساسی که بین نظام مسکن کشورهای درحال توسعه و کشورهای اروپایی مشاهده می‌شود، بررسی مفهوم مسکن اجتماعی و سایر معانی انضمامی آن، بدان گونه که در کشورهای درحال توسعه مصداق داشته باشد امری بسیار مهم است. همان گونه که دیده می‌شود (در جدول ۳) ۱۵ منبع فارسی و ۱۱ منبع لاتین در راستای تعریفی از معنای مسکن اجتماعی ارائه شده است که در آن یکسری از اطلاعات لازمه مورد بررسی قرار گرفته است همچنین سعی شده است از جدیدترین منابع در دسترس مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان موضوع این پژوهش را به‌خوبی بررسی و تحلیل نمود.



نمودار شماره ۳ - مقایسه سال پژوهش داخلی و لاتین (مأخذ: نگارنده)

جدول شماره ۵ - دسته‌بندی پژوهش‌ها (مأخذ: نگارنده)

ردیف	دسته‌بندی	نام پژوهش	تعداد شاخص، سیاست و نظریه
۱	رساله دکتری	بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر تقاضای مسکن اجتماعی و ارائه الگوی بهینه آن در شهر یاسوج	۱۲
۲	رساله دکتری	ارزیابی مسکن گروه‌های درآمدی و ارائه برنامه تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد	۹
۳	رساله دکتری	الگوی تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد (مطالعه موردی شهر کرج)	۷۲
۴	مقاله خارجی	A LIFE STYLE THEORIES APPROACH FOR AFFORDABLE HOUSING RESEARCH IN SAUDI ARABIA	۱
۵	مقاله خارجی	How to Apply the Capability Approach to Housing Policy Concepts Theories and Challenges	۱
۶	مقاله خارجی	Lowincome Housing in Chinese Cities Policies and Practices	۳
۷	مقاله خارجی	Low-Income Housing Policy	۶
۸	مقاله خارجی	Revolution in Social Housing in the Netherlands: Possible Effects of New Housing Policies	۲
۹	مقاله خارجی	Social Housing In Europe	۱
۱۰	مقاله خارجی	Socio-economic Issues in Socially Produced Low Income Housing Theory and Case study in Nigeria	۱
۱۱	مقاله خارجی	The Evolution of Low-Income Housing Policy, 1949to 1999	۷
۱۲	مقاله خارجی	The Impact of Housing on Community:A Review of Scholarly Theories and Empirical Research	۵
۱۳	مقاله خارجی	THEORIES OF URBAN POVERTY AND IMPLICATIONS FOR PUBLIC HOUSING POLICY	۲
۱۴	مقاله خارجی	Using Theory or Making Theory: Can there be Theories of Housing?	۲
۱۵	مقاله داخلی	شناسایی و تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه مسکن اجتماعی با تأکید بر آینده‌نگاری (موردشناسی شهر ایلام)	۷
۱۶	مقاله داخلی	ارزیابی رضایتمندی مسکن مهر بر اساس شاخص‌ها و اصول مسکن اجتماعی (موردپژوهی شهر جدید پرند، شهر جدید پردیس)	۸
۱۷	مقاله داخلی	ارزیابی مسکن گروه‌های درآمدی و ارائه برنامه تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد	۲
۱۸	مقاله داخلی	آسیب‌شناسی برنامه‌های پنجم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در زمینه تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد شهری	۴
۱۹	مقاله داخلی	بررسی تطبیقی تجارب مسکن اجتماعی در ایران و کشورهای دیگر	۷
۲۰	مقاله داخلی	تبیین گستره فقر شهری و شناسایی سکونتگاه‌های غیررسمی از منظر عدالت فضایی نمونه موردی نسیم‌شهر تهران	۷
۲۱	مقاله داخلی	تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر مسکن گروه‌های کم‌درآمد شهری مطالعه موردی شهر رشت	۶
۲۲	مقاله داخلی	تفاوت نظام مسکن در کشورهای درحال توسعه با تجارب اروپایی، با تأکید بر بازتعریف مفهوم و نقش مسکن اجتماعی در برآوردن نیاز مسکن اقشار کم‌درآمد	۱
۲۳	مقاله داخلی	راهکارهای طراحانه تحقق پایداری اجتماعی در مسکن گروه کم‌درآمد در شهر تهران	۸
۲۴	مقاله داخلی	سیر نظریات و رهیافت‌های برنامه‌ریزی مسکن	۷
۲۵	مقاله داخلی	مسکن اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد (نمونه موردی اسلام‌شهر)	۴
۲۶	مقاله داخلی	معیارهای مؤثر در سنجش پایداری اجتماعی مسکن	۵

۴-۱- شاخص، سیاست و نظریه

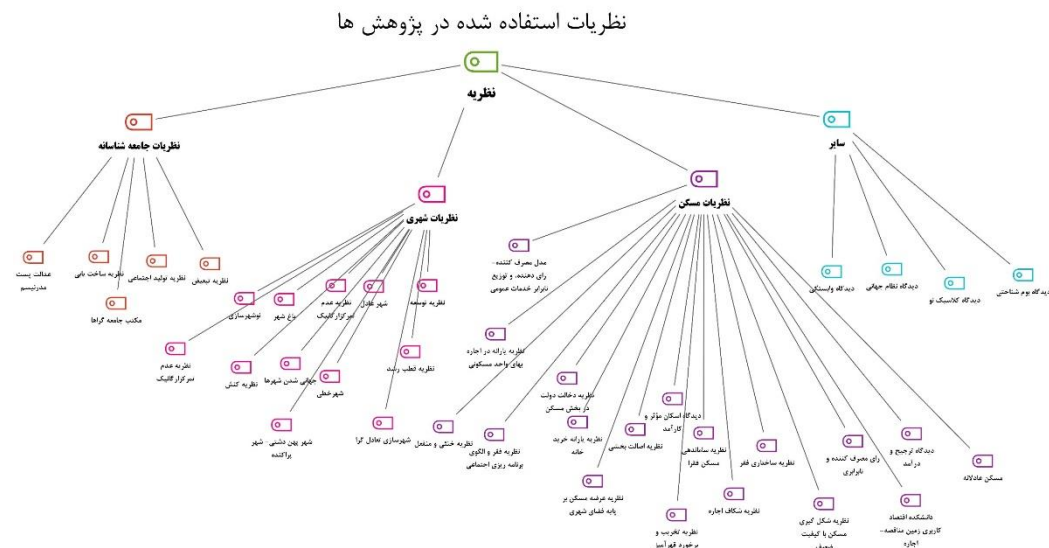
پیدایش مناطق با عملکرد مخلوطی که قشرهای پائین و متوسط جامعه در کنارهم ساکن بودند غیرقابل کنترل، در هم آمیخته و غیر قابل تحمل از نظر بهداشت، امنیت و سلامتی شناخته شد و به همین دلیل اولین قوانین ساختمانی تدوین برنامه‌ریزی باتوجه به نظریه‌هایی در ارتباط با مسکن شهری بعنوان واکنش نسبت به شهرهایی که به نظر خیلی زشت و ناترکیب بود و تمایل به نظم و شکل زیبا، رشد کرد. بر همین اساس استفاده از تکنیک های نظریه‌ها که در جدول ۶ مشاهده می‌شود سرو کار خواهد داشت که تعداد ۳۹ نظریه آورده شده است و مهم‌ترین آن، نظریه یارانه خرید خانه می‌باشد. همچنین پرداختن به شاخص‌های مسکن به عنوان کلیدی ترین ابزار برنامه‌ریزی و تشکیل دهنده، شالوده اصلی آن را می‌توان از حساس ترین مراحل برنامه‌ریزی دانست. برنامه‌ریزی مسکن جزئی از نظام برنامه‌ریزی شهری است که در آن ۴۶ شاخص که از جمله آن شاخص‌های عوامل کالبدی، امنیت، هویت مندی، عوامل اجتماعی فرهنگی، زیست محیطی و عوامل اقتصادی باتوجه به مطالعات منابع در جدول ۶ از مهم‌ترین شاخص‌ها محسوب میشود که برحسب موضوع در چارچوب برنامه‌ریزی مسکن مورد توجه قرار می‌گیرد. اگر بخواهیم سیاست‌های مسکن اجتماعی باتوجه به تضادهای مفهومی در دستور کار قرار بگیرد، می‌تواند تغییرات اساسی را در نظام‌های مسکن کشورها به وجود آورد. براین اساس سیاست مسکن اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در مبارزه با فقر، افزایش استطاعت‌پذیری مسکن در اقشار میانه و رفع معضلات شهری ایفا کند که این سیاست‌ها باتوجه به منابع مورد بررسی در این پژوهش شامل ۴۳ سیاست که سیاست‌های مسکن اجتماعی، سیاست اعطای کمک های مالی، کنترل قیمت و اجرا، سیاست ایجاد خانه های ارزان قیمت از با ارزش ترین ها می‌باشد (جدول ۶). بنابراین باتوجه به شرایط خاص هر کشور، آینده مسیری که سیاست‌های مسکن اجتماعی در کشورهای مختلف طی خواهد کرد، شرایط را متفاوت خواهد کرد. اما باتوجه به خصوصیتی که مسکن اجتماعی دارد، قطعاً در آینده، نظام مسکن در کشورهای درحال توسعه، آن چنان که شواهد دهه اخیر نشان می‌دهد می‌تواند نقش کلیدی و مهمی را ایفا کند.

جدول شماره ۶ - شاخص، سیاست و نظریه (مأخذ: نگارنده)

ردیف	نظریه	فراوانی ۴۰	شاخص	فراوانی ۶۵	سیاست	فراوانی ۸۵
۱	نظریه ساخت یابی	۱	محیط زیست	۱	سیاست اعطای کمک های مالی	۷
۲	نظریه تولید اجتماعی	۱	انصاف	۱	مسکن ملی	۱
۳	مسکن عادلانه	۱	هزینه	۱	کوپن مسکن	۲
۴	نظریه تبعیض	۱	تراکم خانوار در واحد مسکونی	۱	مسکن اجتماعی	۱۲
۵	رای مصرف کننده و نابرابری	۱	هزینه دسترسی به مسکن	۱	HOPE V	۱
۶	مدل مصرف کننده-رای دهنده، و توزیع نابرابر خدمات عمومی	۱	هزینه مسکن در سبد هزینه خانوار	۱	توسعه ساخت مسکن شخصی	۱
۷	دانشکده اقتصاد کاربری زمین مناقصه-اجاره	۱	نظم اجتماعی	۱	معافیت مالیاتی	۱
۸	نظریه قطب رشد	۱	ایجاد فضاهای باز و چندمنظوره برای کودکان	۱	کنترل قیمت و اجرا	۴
۹	نظریه توسعه	۱	عوامل کالبدی	۶	توانمند سازی	۳
۱۰	نظریه کنش	۱	عوامل اجتماعی فرهنگی	۳	اقتصاد برنامه ریزی شده مسکن	۳
۱۱	عدالت پست مدرنیسم	۱	عوامل اقتصادی	۳	تخریب و بازسازی	۱
۱۲	جهانی شدن شهرها	۱	عوامل کلان	۱	طرح زمین - خدمات	۱
۱۳	شهر عادل	۱	زیست محیطی	۳	مسکن انتخابی و یارانه ای	۲
۱۴	شهرسازی تعادل گرا	۱	عوامل مدیریتی - سیاسی	۲	نوسازی شهری	۳
۱۵	نظریه شکل گیری مسکن با کیفیت ضعیف	۱	انعطاف پذیری	۱	سیاست ایجاد خانه های ارزان قیمت	۴

ردیف	نظریه	فراوانی ۴۰	شاخص	فراوانی ۶۵	سیاست	فراوانی ۸۵
۱۶	نظریه عدم تمرکز گانیک	۱	آسایش فیزیکی و ایمنی	۲	سیاست توانمند سازی	۱
۱۷	شهر خطی	۱	ارتباط با طبیعت	۱	سیاست یارانه در اجاره بها	۱
۱۸	باغ شهر	۱	اجتماع پذیری در فضاهای عمومی	۱	سیاست حذف قیمت زمین از قیمت مسکن	۱
۱۹	ظریه عدم تمرکز گانیک	۱	خلوت	۱	شهرداریها و تامین مسکن کم درآمدها	۱
۲۰	شهر پهن دشتی - شهر پراکنده	۱	خدمات شهری	۱	سیاست کمک مسکن	۲
۲۱	نوشهر سازی	۱	امنیت	۴	سیاست عمران محلی	۱
۲۲	دیدگاه نظام جهانی	۱	ویژگیهای ساخت داخلی مسکن اجتماعی	۱	افزایش تقاضا برای تشویق خریداران و رونق بازار سرمایه	۱
۲۳	دیدگاه وابستگی	۱	عدالت اجتماعی	۱	برنامه های اول و دوم	۳
۲۴	دیدگاه کلاسیک نو	۱	فعالیت پذیری	۲	برنامه سوم عمرانی کشور	۲
۲۵	مکتب جامعه گراها	۱	هویت مندی	۳	برنامه چهارم عمرانی کشور	۲
۲۶	دیدگاه بوم شناختی	۱	برخور داری از استانداردهای حفاظتی و آشنشانی	۱	برنامه پنجم عمرانی کشور	۳
۲۷	نظریه ساماندهی مسکن فقرا	۱	برخور داری از استانداردهای ساختمانی	۱	سیاستهای زمین شهری	۱
۲۸	نظریه خنثی و منفعل	۱	یاز به تعمیرات اساسی	۱	سیاست اعتباری مسکن	۱
۲۹	نظریه تخریب و برخورد قهر آمیز	۱	فاصله تا نزدیک ترین شهر	۱	سیاست های مربوط به مسکن استیجاری	۱
۳۰	نظریه دخالت دولت در بخش مسکن	۱	حفاظت از ساختمانهای بسیار قدیمی	۱	سیاست معدود کردن تقاضا	۱
۳۱	نظریه یارانه در اجاره بهای واحد مسکونی	۱	دسترسی به زیرساختهای محلی	۱	پرداخت یارانه	۲
۳۲	نظریه یارانه خرید خانه	۲	کیفیت آب در دسترس	۱	برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور	۱
۳۳	نظریه عرضه مسکن بر پایه فضای شهری	۱	استفاده از انرژی خورشیدی	۱	برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی	۱
۳۴	دیدگاه اسکان مؤثر و کارآمد	۱	استفاده از آب باران (جمع آوری برای آبیاری)	۱	برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور	۱
۳۵	نظریه ساختاری فقر	۱	دسترسی به شبکه حمل و نقل عمومی	۱	طرح جامع مسکن	۱
۳۶	دیدگاه ترجیح و درآمد	۱	استفاده از عایق حرارتی	۱	برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور	۱
۳۷	نظریه اصالت بخشی	۱	دسترسی به تسهیلات رفاهی	۱	برنامه پنجم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور	۱
۳۸	نظریه شکاف اجاره	۱	دسترسی به آب گرم از طریق انرژی های تجدید شذنی (خورشیدی و...)	۱	بازسازی شهری	۱

ردیف	نظریه	فراوانی	شاخص	فراوانی	سیاست	فراوانی
		۴۰		۶۵		۸۵
۳۹	نظریه فقر و الگوی برنامه‌ریزی اجتماعی	۱	استفاده از تانک‌هایی برای جمع‌آوری آب‌های سطحی	۱	طرح شهرهای جدید	۱
۴۰	-	-	جهت‌گیری منازل	۱	سیاست انبوه‌سازی	۲
۴۱	-	-	دسترسی به (آی.سی. تی)	۱	سیاست کوچک‌سازی	۱
۴۲	-	-	دسترسی به راه آهن	۱	مالکیت خصوصی، یارانه ای مسکن	۱
۴۳	-	-	متوسط قیمت مسکن	۱	طرح مسکن مهر	۳
۴۴	-	-	جمعیتی	۱	-	-
۴۵	-	-	استفاده از کمک‌های مالی	۱	-	-
۴۶	-	-	مصرف انرژی در واحد مسکونی	۱	-	-



نمودار شماره ۴ - دسته‌بندی نظریات استفاده شده در پژوهش‌ها (مأخذ: نگارنده)

باتوجه به کدگذاری صورت گرفته در نرم افزار MAXQDA نظریات به ۴ دسته نظریات جامع شناسانه، نظریات شهری، نظریات مسکن و سایر نظریات دسته بندی شدند. در این میان پس از مطالعه در مورد نظریات مستخرج، یک نظریه از میان دسته بندی نظریات جامعه شناسانه و نظریه دیگر از دسته نظریات مربوط به مسکن انتخاب شده است. نظریه ساختاری به دلیل جامعیت و سرآمد بودن و نظریه اصالت بخشی به دلیل در ارتباط بودن با مسکن و محلات قدیمی و فرسوده و به گونه ای ارتباط این نظریه با جامعه جهت مقایسه با یکدیگر انتخاب شده اند.

۴-۲- معرفی نظریات اصالت بخشی

روث گلس، جامعه‌شناس بریتانیایی، اولین بار بود که از «اصالت بخشی» به معنای کنونی آن استفاده کرد. او در سال ۱۹۶۴ از آن برای توصیف هجوم افراد طبقه متوسط استفاده کرد که ساکنان کارگر طبقه پایین را در محله‌های شهری آواره کردند. نمونه او لندن و مناطق کارگری آن مانند اسلینگتون بود (Glass, 1964, 4).

نظریه اصالت بخشی به مفهوم بهبود کیفیت محیط مسکونی و ارتقای سکونت در محلات قدیمی شهر است این نظریه به تفاوت بین قیمت املاک در وضع موجود و قیمت املاک در شرایط مطلوب تأکید کرده و آن را نقطه عزیمت هرگونه مداخله نوسازی می‌داند. فرسودگی واحدها منجر به تنزل قیمت شده و این محلات را در بدترین شرایط اقتصادی - اجتماعی قرار داده و همگنی اجتماعی - اقتصادی را به هم می‌ریزد. ورود سوداگران زمین و ساختمان نتیجه غایی این فرایند است. در واقع، اصالت بخشی تغییر در محلات مسکونی است که در اصطلاح اقتصادی به معنی ارزش و هزینه خانه‌سازی محلات بالاتر است. این تغییر

مردم را برای سرمایه‌گذاری در خانه‌ها، مالکیت مشترک (مشاع)، آپارتمان‌سازی و تجارت‌ها تشویق می‌کند درحالی‌که گروه دیگر را وادار به ترک منطقه می‌کند (فلامکی، ۱۳۸۴، ۷۸).

۴-۳- معرفی نظریه ساختاری

در دهه ۱۹۷۰ آنتونی گیدنز نظریه ساختاری Structuration Theory را ارائه کرد. این نظریه و اصطلاح برخاسته از آن بیشتر به دنبال این مسئله بود که بتواند بر دوگانگی عاملیت و ساختار غلبه کند. سنت کارکردگرایی، از دورکیم تا پارسونز، جامعه را واقعیتی متکی‌به‌خود و غیر قابل تقلیل به افراد می‌داند. اگرچه کارکردگرایان بعدی واژه دورکیمی "واقعیت اجتماعی" را رها کردند، اما همچنان بر "ساختارها" به‌مثابه واقعیتی جمعی که باید در سطح اجتماعی تبیین شوند، تأکید داشتند. سنت دوم، سنت تفسیری یا هرمونوتیکی در جامعه‌شناسی و فلسفه است و می‌توان آن را در "فهم" وبر، آثار شوتش، گارفینکل و دیگران دنبال کرد. در این سنت بر فهم عاملیت و انگیزه‌های افراد تأکید می‌شود (جلایی‌پور؛ ۱۳۸۷، ۳۷۲).

۵- جمع بندی و نتیجه گیری

هدف از نظریه اصالت بخشی اشاره به شکاف میان اقشار متوسط و ضعیف با قشر مرفه و قوی است که طی آن اقشار قوی جایگزین اقشار متوسط و ضعیف در محلات باصالت شهر می‌شوند. هدف نظریه ساختاری تأکید بر جریان فعال زندگی اجتماعی است. در این قسمت به مقایسه این دو نظریه بر اساس خواستگاه نظریه، ابعاد محیطی دخیل، نقش استفاده‌کنندگان، عناصر کالبدی، پایه‌های معرفتی تئوری، ماهیت نظریه و از لحاظ فلسفی پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۷- نظریه اصالت بخشی (مأخذ: نگارنده)

نظریه اصالت بخشی																	
اصالت بخشی، فرآیندی است کالبدی، اجتماعی و فرهنگی (Hamnett & Williams, ۱۹۸۰: ۴۷۱) که باززنده سازی و توسعه مجدد واحد همسایگی در بخش مرکزی شهر را موجب می شود و در نتیجه آن قیمت املاک مسکونی افزایش می یابد. این فرآیند باعث روی آوردن افراد طبقه متوسط و مرفه به این مناطق می شود (Diappi & Bolchi, ۲۰۰۸: ۶). در حقیقت از این منظر «اصالت بخشی» فرآیندی است که در نواحی مرکزی شهرها به وقوع می پیوندد و از طریق آن، مسکن قدیمی و نیمه قدیمی خریداری شده، نوسازی و بهسازی شده و به وسیله طبقه متوسط و خانواده های ثروتمند اشغال و تصرف می گردد (رحنما، ۱۳۸۸: ۱۵).																	
فلسفی	موضوع تئوری		پایه های معرفتی تئوری			نقش عناصر کالبدی			نقش استفاده کنندگان	بعد محیطی مورد توجه		نظریه پرداز	خواستگاه نظریه	سال نظریه			
هنجاری	اثباتی	ماهوی	رویه ای	خردگرا	تجربه گرا	عمل گرا	جبرگرا	احتمال گرا	امکان گرا	کثرت گرا	تخیه گرا	کالبد	فعالیت	اجتماع	روث گلس	روم باستان و بریتانیا	۱۹۶۴
*		*		*		*		*		*		*		*			

جدول شماره ۸- نظریه ساختاری (مأخذ: نگارنده)

نظریه ساخت یابی																	
موضوع اصلی نظریه اجتماعی نه کنش فرد و تجربه او (فردگرایی روش شناختی) و نه کلیتهای اجتماعی، بلکه اعمال اجتماعی است. اعمال اجتماعی توسط عاملان انسانی که معرفت پذیرند، انجام می شود. عاملان انسانی را نمی توان به سادگی محصول فرهنگ و نیروهای طبقاتی پنداشت. آنها واجد قابلیت بازاندیشی در تعامل روزانه و دارای نوعی آگاهی ضمنی در مورد کنش خود هستند. اعمال اجتماعی خود به خودی و کاملاً ارادی هم نیستند، بلکه در راستای زمان و مکان نظم یافته اند. به عبارتی آنها قاعده مند و بازخوردی اند. در ایجاد اعمال اجتماعی که سازنده الگوهای قابل مشاهده اند و آنها نیز سازنده و شکل دهنده جامعه اند، کنشگران بر اساس خواص ساختاری عمل میکنند که این خواص ساختاری، ویژگی های نهادینه شده جوامع هستند. (رز، ۲۰۰۴: ۶-۷).																	
فلسفی	موضوع تئوری	پایه های معرفتی تئوری			نقش عناصر کالبدی		نقش استفاده کنندگان		بعد محیطی مورد توجه		نظریه پرداز	خواستگاه نظریه	سال نظریه				
هنجاری	اثباتی	ماهوی	رویه ای	خردگرا	تجربه گرا	عمل گرا	جبرگرا	احتمال گرا	امکان گرا	کثرت گرا	تخیه گرا	کالبد	فعالیت	اجتماع	آنتونی گیدنز	بریتانیا	دهه ۱۹۷۰
*		*		*		*		*		*		*		*			

همان‌طور که از جدول شماره ۶ و ۷ پیداست هر دو نظریه از لحاظ فلسفی و ماهیت و نقش استفاده‌کنندگان از یک جنس هستند و وجه تمایز این دو نظریه ابعاد محیطی دخیل، پایه‌های معرفتی نظریه و نقش عناصر کالبدی می‌باشد. در حوزه نظریه برنامه‌ریزی، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارند که هرکدام استدلال‌ها و پیشینه‌های علمی - فلسفی و گاه سیاسی - اجتماعی خود را دارند و این دیدگاه‌ها شباهت‌ها و تفاوت‌های زیادی دارند و به همین دلیل نمی‌توان این دیدگاه‌ها را تأیید یا رد کرد بنابراین می‌توان از گونه‌شناسی (Typology) کرد. همان‌طوری که فیلیپ آلمن دینگر به‌درستی مطرح می‌کند. «تئپولوژی‌ها به طور اکتشافی این امکان را برای دانشگاهیان و اهل عمل فراهم می‌کنند که حدود و ثغور اندیشه‌هایی را که بر یک‌رشته علمی اثر می‌گذارند، به تصویر بکشند و به همین جهت، برای درک حوزه نظری وسیعی مثل برنامه‌ریزی بسیار ضروری هستند» (آلمن دینگر، ۲۰۰۲: ۷۷). در ادامه به بررسی نظریات اصالت بخشی و ساختاری از لحاظ گونه‌شناسی نظریات اشاره شده است:

جدول شماره ۹- مقایسه نظریات بر اساس گونه‌بندی نظریات (مأخذ: نگارنده)

گونه‌بندی نظریه	نظریه اصالت بخشی	نظریه ساختاری
ایفتاشل	نظریه تحلیلی تبیینی	نظریه تحلیلی تجویزی
تایلور و کوک	نظریه فرایند برنامه‌ریزی	نظریه دولت
دیدگاه فالودی ۱۹۷۳	ماهوی	ماهوی
فریدمن	نظریه هنجاری	نظریه هنجاری
آلمندیکر	نظریه چارچوب ساز	نظریه چارچوب ساز
آر کی بوجی	نظریه درون برنامه ریزی	نظریه بیرون برنامه‌ریزی
دیدگاه مؤخر فالودی	برنامه‌ریزی موضوع محور	برنامه‌ریزی نظارت محور

هر دو نظریه بر اساس دیدگاه‌های فالودی ۱۹۷۳، فریدمن و آلمندیکر از یک جنس هستند و مشابه یکدیگر هستند. اما وجه تفاوت این دو نظریه بر اساس گونه‌بندی ایفتاشل، تایلور و کوک، آر کی بوجی و دیدگاه مؤخر فالودی است. بر اساس دیدگاه ایفتاشل نظریه تحلیلی تبیینی نظریه‌ای است که راجع به ماهیت برنامه‌ریزی‌ها در عالم واقع چه بوده است بحث می‌کند و نظریه تحلیلی تجویزی در مورد ویژگی‌های برنامه‌ریزی مطلوب و آرمانی بحث می‌کند بنابراین نظریه اصالت بخشی از نوع تحلیلی تبیینی و نظریه ساختاری از نوع تحلیلی تجویزی می‌باشد.

باتوجه به دیدگاه تایلور و کوک نظریه فرایند برنامه‌ریزی به نظریه‌ای اطلاق می‌شود که به نتایج تجربیات مربوط به شیوه‌های برنامه‌ریزی توسعه در مناطق عقب‌مانده می‌پردازد. بر اساس این دیدگاه نظریه دولت به نظریاتی گفته می‌شود که به بحث در مورد قدرت می‌پردازند. باتوجه به این گونه بندی نظریه اصالت بخشی از نوع نظریه‌های فرایند برنامه‌ریزی و نظریه ساختاری از جنس نظریه‌های دولت می‌باشد.

باتوجه به گونه‌شناسی پسامدرن و دیدگاه آر کی بوجی نظریه بیرون برنامه‌ریزی، در برگیرنده همه نظریاتی است که به مسائل به نحوی جنبی مانند ابعاد سیاسی، سازمانی و فرهنگی برنامه‌ریزی می‌پردازد. منظور از نظریه درون برنامه‌ریزی همان نظریه‌های جوهری فالودی است مانند نظریه درباره شهر، نظریه در باب اقتصاد و ... پس بنابراین باتوجه به جدول شماره ۹ نظریه اصالت بخشی نظریه درون برنامه‌ریزی و نظریه ساختاری نظریه بیرون برنامه‌ریزی هستند.

در نهایت بر اساس دیدگاه مؤخر فالودی منظور از برنامه‌ریزی موضوع محور مطالعه عمیق در یک موضوع و استخراج مستقیم کنش تجویزی (سیاست) از این مطالعه است. برنامه‌ریزی نظارت محور برنامه‌ریزی است که نگاه آن از زاویه کنترل محیط است و بررسی در میزان و نحوه کنترل لازم برای تاثیر گذاشتن بر رشد و توسعه فضای زندگی انسان‌هاست. باتوجه به مفاهیم این دو نوع برنامه‌ریزی، نظریه اصالت بخشی از نوع برنامه‌ریزی موضوع محور و نظریه ساختاری از نوع برنامه‌ریزی نظارت محور هستند.

منابع

۱. پرهیزکار، اکبر، ناصر شاهی، مروری بر طرح مسکن مهر در شهرهای زیر ۲۵۰۰ نفر، فصل نامه آبادی، ۱۳۸۹.
۲. توکلی نیا، جمیله، سعید ضرغامی، آسیب‌شناسی برنامه‌های پنجم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در زمینه تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد شهری، جغرافیا و مطالعات محیطی، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۷.
۳. جلالی‌پور، محمدرضا (۱۳۸۷)، چشم‌اندازهای جهانی آنتونی گیدنز، چاپ سوم، انتشارات طرح نو.
۴. حیدری، علی، رساله دکتری بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر تقاضای مسکن اجتماعی و ارائه الگوی بهینه آن در شهر یاسوج، دانشگاه اصفهان، گروه جغرافیا، ۱۳۸۷.
۵. زیاری، کرامت الله، فریاد پرهیز، حافظ مهد نژاد، حسن اشتری، ارزیابی مسکن گروه‌های درآمدی و ارائه برنامه تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۴، زمستان ۱۳۸۹.
۶. زیاری، سمیه، رساله دکتری الگوی تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد (مطالعه موردی شهر کرج)، پردیس البرز دانشگاه تهران، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۹۵.
۷. سقایی، محسن، احمد مؤذنی، امیر ثنائی راد، مسکن اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد (نمونه موردی اسلام‌شهر)، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا دوره ۱۷، شماره ۶۳، زمستان ۱۳۹۸.
۸. سالورزی زاده، محمد، حجت شیخی، شهین حاتمی، شناسایی و تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه مسکن اجتماعی با تأکید بر آینده‌نگاری (موردشناسی شهر ایلام)، فصلنامه جغرافیا و آمایش سرزمین، دوره ۱۱، شماره ۳۹، تیر ۱۴۰۰.
۹. سمیع، صمد، مهرداد رضانی پور، لیلا ابراهیمی، آمنه حقزاد، تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر مسکن گروه‌های کم‌درآمد شهری مطالعه موردی شهر رشت، نشریه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، دوره ۱۶، شماره ۳، مهر ۱۴۰۰.
۱۰. شوکتی، سنور، لیلا علی‌آبادی، سیر نظریات و رهیافت‌های برنامه‌ریزی مسکن، کنفرانس ملی معماری و فضاهای شهری پایدار، ۱۳۹۲.

۱۱. مالکی، مهسا، بررسی تطبیقی تجارب مسکن اجتماعی در ایران و کشورهای دیگر، نشریه معماری شناسی، شماره ۱۸، بهار ۱۴۰۰.

۱۲. مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت ایران، شهریور ۱۳۹۳.

۱۳. عابدینی اصغر، رساله دکتری ارزیابی سیاست‌های دولتی تأمین مسکن در ارتباط با استطاعت مالی خانوارهای کم‌درآمد شهری در ایران، دانشگاه تبریز، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۹۲.

۱۴. عربی نژاد، غلامرضا (۱۳۷۳)، مسکن اجتماعی از دیدگاه سیاست‌گذاران و اندیشمندان، مجموعه مقالات سومین سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، جلد ۲، وزارت مسکن و شهرسازی.

۱۵. علایی، امیرعلی، سید عباس یزدان‌فر، سید باقر حسینی، سعید نوروزیان ملک، معیارهای مؤثر در سنجش پایداری اجتماعی مسکن، فصلنامه علمی معماری و شهرسازی، شماره ۸۸، بهار ۱۳۹۹.

۱۶. فالامکی، محمد منصور (۱۳۸۴)، باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۷. قاسمی سیانی، محمد، مهدی حقی، تبیین گستره فقر شهری و شناسایی سکونتگاه‌های غیررسمی از منظر عدالت فضایی نمونه موردی نسیم‌شهر تهران، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۹۵.

۱۸. ملک افضل، علی‌اصغر، تقی قاسم شریفی، ارزیابی رضایتمندی مسکن مهر بر اساس شاخص‌ها و اصول مسکن اجتماعی (موردپژوهی شهر جدید پرند، شهر جدید پردیس)، جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۲، شماره ۱، تیر ۱۳۹۸.

۱۹. وزیری زاده، علیرضا، تفاوت نظام مسکن در کشورهای درحال توسعه با تجارب اروپایی، با تأکید بر بازتعریف مفهوم و نقش مسکن اجتماعی در برآوردن نیاز مسکن اقشار کم‌درآمد، نامه معماری و شهرسازی، دوره ۱۰، شماره ۲۰، بهار ۱۳۹۷.

۲۰. هاشم نژاد، هاشم، محسن فیضی، محمد رضایی، راهکارهای طراحانه تحقق پایداری اجتماعی در مسکن گروه کم‌درآمد در شهر تهران، انجمن معماری و شهرسازی ایران، دوره ۶ شماره ۱، شهریور ۱۳۹۴.

21. Alexandra M. Curley, THEORIES OF URBAN POVERTY AND IMPLICATIONS FOR PUBLIC HOUSING POLICY, Journal of Sociology & Social Welfare, 2005.

22. Alexander von Hoffman, Eric S. Belsky, and Kwan Lee, The Impact of Housing on Community: A Review of Scholarly Theories and Empirical Research, 2006.

23. Allmendinger, p. (2002 b). Toward a post – positivist Typology of Plannig Theory in Planning Theory, vol2, No.1, Sage Publications.

24. A.M. SALAMA, A LIFE STYLE THEORIES APPROACH FOR AFFORDABLE HOUSING RESEARCH IN SAUDI ARABIA, Emirates Journal for Engineering Research, 2006.

25. Angel, S. (2021). Housing regimes and residualization of the subsidized rental sector in Europe 2005-2016. Housing Studies, 1-21.

26. Babatunde Jaiyeobaa , Socio-economic Issues in Socially Produced Low Income Housing Theory and Case study in Nigeria, ASEAN Conference on Environment-Behaviour Studies. Filiz Aklanoglu, 2012.

27. Bengtsson, B. 2017. "Socialbostader och stigberoende. Varfor har vi inte 'social housing' i Sverige?"

28. [Social housing and path dependence. Why do we not have 'social housing' in Sweden?]. In Den motspinstiga akademikern. Festschrift till Ingrid Sahlen, edited by B. Andersson, F. Petersson, and A. Skarner, 39–62. Malmo: Egalite.

29. Blessing, A. 2010. "Cracks in the Foundations: Institutional Change in Social Housing." Master thes., University of Amsterdam.

30. Boram Kimhur, How to Apply the Capability Approach to Housing Policy Concepts Theories and Challenges, Housing, Theory and Society, 2020.

31. Braga, M., and P. Palvarini. 2013. Social Housing in the EU. Brussels: European Parliament, Directorate

32. General for Internal Policies.

33. Charles J. Orlebeke, The Evolution of Low-Income Housing Policy, 1949 to 1999, Housing Policy Debate, 2000.

34. Flangan k, Martin C, Jacobs K and Lawson J. (2019) A Conceptual Analysis of Social Housing As Infrastructure, No. 309, Australian Housing and Urban Research Institute Limited, Melbourne.

35. Cambridge Dictionary. 2017. Social Housing. Accessed September 14, 2017. <http://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/social-housing>.

36. org/dictionary/english/social-housing.

37. Glass, Ruth (1964). London: aspects of change. London: MacGibbon & Kee. as cited in Atkinson & Bridge (2005, p. 4).

38. Haffner, M., J. Hoekstra, M. Oxley, and H. Heijden. 2010. "Universalistic, Particularistic and Middle Way

39. Approaches to Comparing the Private Rental Sector." International Journal of Housing Policy 10 (4):357-377.

40. Haffner, M., and M. Oxley. 2010. "Private Sector Involvement in Social Rented Housing." Conference
41. paper, Comparative Housing Research – Approaches and Policy Challenges in a New International
42. Era, TU Delft, The Netherlands, March 2010.
43. Housing Europe. 2011. Housing Europe Review 2012. Brussels: CECODHAS Housing Europe's Observatory.
44. HSB. 2016. Sverige kan bättre in statliga fattighus [Sweden can do better than governmental poor
45. houses]. Debate article in Dagens Samhalle, April 7. Accessed <https://www.dagenssamhalle.se/debatt/sverige-kan-baettere-aen-statliga-fattighus-24007>.
46. Kathleen Scanlon, Melissa Fernández Arrigoitia and Christine Whitehead, Social housing in Europe, The London School of Economics and Political Science, 2015.
47. Lund, B. (2011). Understanding Housing Policy. 2nd Editio. Bristol: The Policy Press.
48. Malpass, P. (2008). 'Housing and the New Welfare State: Wobbly Pillar or Cornerstone?', Housing Studies, 23(1).
49. Malpass, P., and C. Victory. 2010. "The Modernisation of Social Housing in England." International Journal
50. of Housing Policy 10 (1): 3–18.
51. Malpass, P. (2004). Fifty years of British housing policy: Leaving or leading the welfare state? European Journal of Housing Policy, 4(2), 209–22
52. Martin, C. (2018) 'Housing reform and classical liberal governmentality before the social housing era', in I. McShane, E. Taylor, L. Porter, and I. Woodcock (eds), Remaking Cities—Proceedings of The 14th Australasian Urban History Planning History Conference, Melbourne: 303–313.
53. Oxford Dictionaries. 2017. Social Housing. Accessed September 14, 2017. https://en.oxforddictionaries.com/definition/social_housing.
54. Oxley, M., M. Haffner, M. Elsinga, and H. Van der Heijden. 2010. "Competition and Social Rented Housing."
55. Housing, Theory and Society 27 (4): 332–350.
56. Oyebanji, A. O. 2014. Development of a Framework for Sustainable Social Housing Provision (SSHP) in
57. England. Preston: University of Central Lancashire.
58. Pawson, H., Milligan, V., & Yates, J. (2020). Housing Policy in Australia. Springer Singapore Pte. Limited. <https://doi.org/10.1007/978-981-15-0780-9>.
59. Peter King, Using Theory or Making Theory: Can there be Theories of Housing?, Housing, Theory and Society, 2009.
60. Priemus. 2013. The Future of Social Housing. The Dutch Case. International Journal of Co-operative
61. Management 6 (2): 13–24.
62. Robert Collinson, Ingrid Gould Ellen, and Jens Ludwig, Low-Income Housing Policy, Economics of Means-Tested Transfer Programs in the United States, 2016.
63. Ronald van Kempen and Hugo Priemus, Revolution in Social Housing in the Netherlands: Possible Effects of New Housing Policies, Urban Studies, 2002.
64. Scanlon, K., C. Whitehead, and M. Fernandez Arrigoitia. 2014. Social Housing in Europe. Oxford: RICS Research.
65. The Construction Industry (Bygginindustrin). 2014. Alla ska kunna bo i Alvsstranden [Everybody Shall be Able to Live in Alvsstranden, 27/2014.
66. Wikipedia. 2017. Public Housing. Accessed https://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Public_housing&oldid=799852200.
67. Yates, J. 2013. Evaluating Social and Affordable Housing Reform in Australia: Lessons to be Learned
68. from History. International Journal of Housing Policy, p. 113.
69. Youqin Huang, Lowincome Housing in Chinese Cities: Policies and Practices, The China Quarterly, 2012.

فرا تحلیلی بر رابطه شاخص های کالبدی با اجتماع پذیری در فضاهای آموزشی ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰

کد مقاله: ۷۸۸۴۷

مینارضائی^{۱*}، کوروش افضلی^۲، سجاد رنجبر همقاوندی^۳

چکیده

فضایی اجتماع پذیر است که افراد حاضر در فضا را گرد هم جمع بیاورد و زمینه تعاملات اجتماعی بین آنها را به وجود آورد، این چنین فضایی در درجه اول امکان برخورد اجتماعی و نتیجتاً تعاملات اجتماعی را به همراه دارد. با توجه به اهمیت امر یادگیری، مفهوم اجتماع پذیری در فضاهای آموزشی دارای اهمیت بوده و لازم است طبقه بندی نتایج مطالعات صورت گیرد. این پژوهش با هدف ترکیب نتایج پژوهش های صورت گرفته در حوزه مفاهیم "اجتماع پذیری" و "فضاهای آموزشی" انجام شد و در گام نخست تمامی مقالات علمی-پژوهشی منتشر شده بدون اعمال محدودیت زمانی، با کلیدواژه اجتماع پذیری از پایگاه های اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و پایگاه استنادی نورمگز استخراج شد که ۱۸۷۸ مقاله را در بر گرفت. در ادامه ۱۰ مقاله که شامل واژه های فضاهای آموزشی در عنوان، چکیده و یا کلمات کلیدی بودند، برای استخراج داده ها و بررسی بیشتر گزینش شدند و جامعه آماری پژوهش را تشکیل داده اند. به منظور انجام فراتحلیل ۸ پژوهش انجام شده بین سال های ۱۳۸۸-۱۴۰۰ در زمینه اجتماع پذیری در فضاهای آموزشی ایران انتخاب گردید به طور کلی می توان گفت مؤلفه های کالبدی، غیر کالبدی-حسی، عملکردی-فعالیتی، اجتماعی-رفتاری و فرهنگی بر میزان اجتماع پذیری افراد در فضاهای آموزشی مؤثر بوده است و شاخص مبلمان از عوامل کالبدی در اولویت اول بر میزان اجتماع پذیری افراد در فضاهای آموزشی مؤثر بوده است.

واژگان کلیدی: کالبد، اجتماع پذیری، آموزشی، ایران

۱- دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان (نویسنده مسئول) Mina.rezaei777@Gmail.com

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

۳- دانشجو دکتری شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

۱- مقدمه

قرار دادن رابطه میان انسان و محیط ساخته شده به عنوان مبنا و محور تعیین ویژگی‌های محیطی و به ویژه خصوصیات محتوای کالبدی در مطالعات معماری کشورمان امری تازه و جدید است. در رابطه با طراحی محیط‌های آموزش معماری، تعاملات اجتماعی بین دانشجویان و دانش آموزان با یکدیگر و استاد و معلم می‌تواند به تبادل تجربیات و معلومات کمک کرده و زمینه مطلوبی را برای آموزش فراهم آورد و از طریق ایجاد محیط‌های اجتماع پذیر که قابلیت برقراری تعاملات اجتماعی را فراهم می‌آورند، می‌توان به این هدف دست یافت. از جمله ویژگی‌های شخصیتی افراد، دیدگاه‌ها و روش‌های ارزیابی و محیط یادگیری کلاس. در بین این عوامل، محیط کلاس بیشتر مورد توجه قرار گرفته و بیش از نیم قرن به صورت علمی مورد مطالعه قرار گرفته است. به این ترتیب تاثیر مهم محیط بر همه جنبه های یادگیری نشان داده شد (Nguyen, 2015).

یادگیری در مرحله اول یک فعالیت اجتماعی است (Hurst et al, 2013). کیفیت روابط اجتماعی در یک محیط آموزشی شرایط را برای فعالیت هایی که لازم است برای بهبود یادگیری اتفاق بیفتد فراهم می کند.

مکان های آموزشی، محل گردهمایی ها و فعالیت های اجتماعی دانش پژوهان و بسان قلبی تنیده مرکز تمام نیروها، رویدادها و محل تجمع ارزش ها هستند و نقش اجتماعی بسیاری در زندگی جمعی دانش آموزان و دانشجویان ایفا می کنند. این مکان ها به عنوان محل وقوع ارتباطات باید گستره وسیعی از کیفیات را داشته باشند تا انسان در آن به تعامل دست یابد و در نهایت یادگیری ارتقا یابد. پژوهش پیرامون ارتقا اجتماع پذیری فضاهای آموزشی امری ضروری و حائز اهمیت می باشد.

سوال تحقیق: شاخص های موثر بر اجتماع پذیری چه هستند؟ بوده و با بررسی و فراتحلیل ۸ پژوهش انجام شده بین سال های ۱۳۸۸-۱۴۰۰ در زمینه اجتماع پذیری در فضاهای آموزشی ایران سعی در پاسخ به این پرسش نموده ایم.

فراتحلیل کیفی پژوهش، به منظور افزایش روایی و پایایی تحقیق به فونونی از جمله وارد شدن طیف گسترده ای از مطالعات قبلی به فرایند تحقیق، مورد پژوهش قرار گرفتن مقالات منتخب از مجلات علمی-پژوهشی دارای اعتبار بالا، تهیه جداول و ابزار استخراج داده ها طبق قالب مقالات علمی پژوهشی با روش فرا تحلیل و کدگذاری هر یک از مقالات در قالب جداول و بر اساس چارچوب، تفکیک مضامین حاصل در قالب جداول بر اساس مقوله های اصلی مورد نظر توجه شد.

۲- پیشینه تحقیق و مبانی نظری

پژوهش حاضر از دو مفهوم عمده اجتماع پذیری و فضای آموزشی تشکیل شده که هر یک موضوع تحقیقات و پژوهش های متعدد بوده اند و اما تاکنون فراتحلیل در خصوص اجتماع پذیری فضاهای آموزشی صورت نگرفته است.

به تعدادی از مقالات و نتایج برگرفته شده از آن ها در باب اجتماع پذیری فضاهای آموزشی می پردازیم: پاسلار، سال ۲۰۰۳ در پژوهشی برای ارزیابی حس جمعی در فضاهای آموزشی ایالت کارولینای شمالی در آمریکا به مطالعه معیارهای عینی و ذهنی در دو سطح کالبدی و روانشناسی در جهت تاثیرگذاری بر یکی از مولفه های حس جمعی یعنی تعامل اجتماعی پرداخته است و نتایج پژوهش وی نشان داد که معیارهای میزان حرکت در فضا، شکل و الگوی معماری فضای بسته، خطی، گسترده، یک طبقه یا چند طبقه، کیفیت فضا، میزان گشایش و محصوریت فضایی، خوانایی و نفوذپذیری فضا، ارتباط پذیری و دسترسی پذیری فضاهای عمومی و مشترک، مقیاس فضا، میزان مجاورت مکانی دانش آموزان در فضا، موقعیت فضایی، شناخت دانش آموزان از یکدیگر و فضا که سبب امنیت می گردد، بیشترین تاثیر را بر شکل گیری حس جمعی دارند.

هریسون با تغییراتی در زمینه طراحی مدرسه با توجه به تغییرات فرهنگی صورت گرفته در جامعه معتقد است که پویایی موجود در جامعه سبب تاثیرگذاری بر الگوهای کار کردن خواهد شد. تغییرات جدید نشان می دهد که بیشتر کارها به صورت مشارکتی و جمعی است تا این که به صورت فردی، یادگیری به صورت حل مسئله و جوامع مجازی یادگیری، تعاملات اجتماعی باشد به طور کلی با توجه به این تغییرات طراحی محیط های یادگیری باید بازتابی از این تغییرات به وجود آمده در جوامع باشند (Baker, Mckoy, Moore, & Vincent, 2008). از جمله نتایج به دست آمده در مورد عوامل مؤثر بر یادگیری می توان به تحقیق گرگوری و گومس اشاره کرد. گرگوری عوامل مؤثر بر یادگیری را شامل نظام آموزش و روش یادگیری، معماری و محیط ساخته شده و محیط روانی- اجتماعی نشان داده است. تاکید وی بر اهمیت تاثیر محیط کابدی در کنار محیط اجتماعی و جو کلاسی است (Gregori, 2007).

گومس و همکاران نیز در تحقیق خود، عوامل مؤثر بر یادگیری را شامل تجربه اندوزی، تعامل با محیط خارجی، ریسک پذیری گفتگو در نظر گرفته اند (Gomes & Wojhan, 2017).

صالحی نیا و معماریان سال ۱۳۸۸ در مقاله ای با عنوان: اجتماع پذیری فضای معماری به این نتیجه رسیدند که اجتماع پذیری فضای عمومی معماری با همنشینی و ترکیب مناسب عامل های کالبدی - فضایی آن و روانی- اجتماعی استفاده کنندگانش حاصل می آید.

مهدی نژاد و دیگران سال ۱۳۹۶ در مقاله ای با عنوان: معیارهای طراحی فضاهای آموزشی با تاکید بر قابلیت های محیطی مؤثر بر ذهن و رفتار دانش آموزان به این نتیجه رسیدند که درجه اول اهمیت: عناصر غیر ثابت یا پویا / به ترتیب: فضای سبز، بو،

دما، نور، صدا، درجه دوم اهمیت: عناصر نیمه ثابت فضا/ به ترتیب: تزئین، نقوش، رنگ، بافت، مصالح، شکل، علائم، و نشانه ها، درجه سوم اهمیت: موقعیت و وسعت فضا در سازمان فضایی کل بنا.

جعفری و دیگران سال ۱۳۹۷ در مقاله ای با عنوان: نقش اجتماع پذیری محیطهای آموزش معماری بر یادگیری دانشجویان: تحلیل مدلسازی معادلات ساختاری به این نتیجه رسیدند که اجتماع پذیری می تواند به عنوان راهکاری در هنگام طراحی معماری محیط آموزش معماری مد نظر قرار گیرد.

حیدری و فرهادی سال ۱۳۹۷ در مقاله ای با عنوان: واکاوی ارتباط بین نقشه های شناختی و مدل سازی های رایانه ای نرم افزار نحو فضا در شناخت محیط های اجتماع پذیر به این نتیجه رسیدند که نقش پیکره بندی فضایی در تشخیص راهکارهای کم هزینه در راستای بهبود ساختارهای فضایی محیط های آموزشی به لحاظ اجتماعی است.

جعفری و دیگران سال ۱۳۹۸ در مقاله ای با عنوان: شناسایی عوامل موثر بر اجتماع پذیری در محیط آموزش معماری و تحلیل تعامل بین آن ها (با رویکرد تصمیم گیری چندمعیاره فازی) به این نتیجه رسیدند که عوامل موثر بر اجتماع پذیری در محیط آموزش معماری را به صورت شش دسته کلی نشان داد که عبارتند از: عناصر فیزیکی، عوامل فضایی-معماری، معانی زیباشناختی، احساس امنیت، معنایی-ادراکی و عملکردی-فعالیتی. در بین عوامل اصلی "عناصر فیزیکی" تاثیرگذارترین و "عملکردی-فعالیتی" تاثیرپذیرترین شاخص و مهمترین عامل هنگام طراحی معماری است.

نجمی و جلالیان سال ۱۳۹۹ در مقاله ای با عنوان: تبیین قابلیت های بهینه محیط در راستای اجتماع پذیری فضاهای آموزشی فرهنگی مخصوص نوجوانان به این نتیجه رسیدند که قابلیت محیطی کالبدی به عنوان اثرگذارترین عاملی است که با کمترین تغییر در آن می توان بیشترین انتظار را در افزایش اجتماع پذیری نوجوانان در فضاهای آموزشی-فرهنگی داشت.

ارغیانی و شاکری سال ۱۳۹۹ در مقاله ای با عنوان: نقش محیط ساخته شده در تعاملات دانش آموزان مدرسه به این نتیجه رسیدند که ضریب اهمیت معیارهای ذهنی از بقیه معیارها بالاتر بوده و معیار کالبدی در پایین ترین رتبه قرار داشته است.

شریفیان و دیگران سال ۱۴۰۰ در مقاله ای با عنوان: تبیین مؤلفه های تأثیرگذار بر شکل گیری فضاهای اجتماع پذیر در محیط های آموزشی با استفاده از روش تحلیل عاملی به این نتیجه رسیدند که عامل مبلمان، راحتی و آسایش فیزیولوژیک مهمترین عامل تأثیر گذار بر شکل گیری تعاملات اجتماعی بین دانشجویان دانشگاه و شاخص نوع رنگ بندی فضا مهمترین شاخص تأثیر گذار می باشد.

۲-۱- مفهوم اجتماع پذیری

در فرهنگ لغات اجتماع به معنای زیر است:

لغت نامه دهخدا: اجتماع. اجماع. گردآمدن. تجمع. اجماع. تالف. ائتلاف. احتفال. انجمن شدن. فراهم آمدن. // اتفاق کردن بر چیزی (دهخدا، ۱۳۷۷).

فرهنگ فارسی معین: ۱- گرد آمدن، تجمع، انجمن شدن، فراهم آمدن. ۲- اتفاق کردن بر چیزی. ۳- گروه فراهم آمده، دسته ای که برای هدفی مشترک گرد هم جمع می شود. ۴- جامعه. اجتماع کردن: فراهم آمدن، انجمن کردن، با گروهی در یک جا گرد آمدن. ۵- مقارنه ی ماه و آفتاب، زمانی که ماه و آفتاب در یک برج و یک درجه و یک دقیقه جمع شوند (معین، ۱۳۷۸).

فرهنگ لغت عمید: (اسم مصدر) (عربی) ۱. دور هم گرد آمدن، به هم پیوستن، جمع شدن. ۲. (اسم) = جامعه ۳. (اسم) گروهی از مردم که در یک جا جمع شده باشند (عمید، ۱۳۷۹).

در بیان مفهوم اجتماع پذیری، به عنوان کیفیتی شهری، تعاریف بسیاری ارائه گردیده است که هر یک به بعدی از ابعاد گوناگون آن، اشاره دارد. این تعاریف، از الگوهای روزمره ی زندگی و جابجایی های شهری گرفته تا مفاهیمی چون خاطرات جمعی و تعلق به فضا و غیره را در بر می گیرد.

از سوی دیگر، به ندرت می توان تعریفی که ابعاد و شاخصه های متنوع اجتماع پذیری شهری را در نگاهی منسجم و یکپارچه به تصویر بکشد، یافت. تعاریف متعدد از مفهوم اجتماع پذیری از یک سو و دشواری در بیان تعریفی جامع از آن، مبنی بر این است که تعریف کردن این مفهوم، امری سهل ممتنع است (مظفر، مسعود و راست بین، ۱۳۹۱).

استفاده از واژه های اجتماع پذیر یا اجتماع دوست و گرد هم آورنده و اجتماع گریز یا پراکنده کننده، بیانگر فضاهایی است که مردم را دور هم «جمع می آورند» یا از هم «دور می کنند». این واژه ها را نخستین بار همفری اسموند (۱۹۶۶) با همراهی رابرت سامر، در زمان مدیریت بیمارستان ساسکا چوان کانادا تعریف کرد. این واژه ها در ابتدا از سوی اسموند در خصوص قابلیت اجتماع پذیری یا اجتماع گریزی فضاهای با سیمای نیمه ثابت، یعنی تجهیزات و مبلمان قابل جابه جایی، مطرح شد. او نقش مبلمان در اجتماع پذیری فضای معماری را به اثبات رساند. (صالحی نیا و معماریان، ۱۳۸۸)

سازماندهی اجتماع گریز بر خلاف اجتماع پذیر، موجب خودداری از تعامل اجتماعی می شود. ادوارد ت. هال معتقد است، فضای اجتماع گریز در یک فرهنگ ممکن است اجتماع پذیر در فرهنگ دیگری باشد. فضای اجتماع گریز ضرورتاً فضای بدی نیست، همینطور فضای اجتماع پذیر نیز همیشه به کلی خوب نیست. آن چه مطلوب است آن است که تنوعی از فضاهای مختلف وجود داشته باشد و افراد بر اساس نیاز و حالت، بتوانند درگیر این فضاها شوند (ت. هال، ۱۳۸۷).

در فضاهای عمومی اجتماع پذیر توفیق ملاقات دست می دهد و این فضاها مورد استفاده گروه های مختلف هستند و به طور مستقیم در دسترس استفاده کنندگان اطرافند. فضاهای اجتماع پذیر که منشاء زندگی روزمره اند، فضاهایی چند منظوره هستند که تامین کننده بسیاری از فعالیت ها و مورد استفاده کاربران هستند و هماهنگی اجتماعی کاربران را تامین می کنند (لنارد، ۱۳۷۷). تیبالدز (۱۹۹۲) معتقد است که تقویت اجتماع پذیری و حضور پذیری به طور مستقیم با ماهیت فعالیت های جاری در فضاهای شهری و میزان ادغام آن ها با یکدیگر در ارتباط است. در واقع بدون وجود فعالیت در یک فضا نمی توان انتظار حضور مردم و در نتیجه آن اجتماع پذیری فضا را داشت.

در نتیجه منظور از اجتماع پذیری فضا این است که فضای کالبدی بر اساس مشخصه های فضایی خود موجب تشکیل کانون های فعالیت و اشتیاق به فعالیت در قسمت هایی خاص از فضا می گردد. (دانشگر مقدم، بحرینی و عینی فر، ۱۳۸۹) جین جیکوبز (۱۹۶۱) معتقد است، فضای سرزنده فضایی است که مردم داوطلبانه و با رغبت در آن حضوری همیشگی یابند. برای این منظور تنوع کاربری ها و فعالیت آن ها در ساعات گوناگون، سریع الانتقال نبودن، وجود نقاط مکث و دعوت کننده برای شهروندان، وجود نقطه ی اوج و تمرکز و نیز وجود حدود و ثغور مشخص برای ایجاد این گونه فضا ها را ضروری می داند (حافظی فر، ۱۳۹۰).

ریچارد نویترا (۱۹۶۳) فضاهای اجتماع پذیر را نقاطی برای آرامش روانی انسان می داند که به شهروند یاری می رساند تا بتواند نقش و تاثیر شهر بر شکل گیری شخصیتش را بیابد (راست بین و غیره، ۱۳۹۱). لارنس هالپرین (۱۹۶۳) فضاهایی را که زندگی شهری در آن چهره می بندد و با گوناگونی زیاد به شهروندان اجازه ی انتخاب آزادانه را بدهد، فضاهای مردم گرا می خواند و بر این باور است که در واقع این فضاها هستند که به شهر کیفیت و شخصیت ویژه می بخشند (هالپرین، ۱۹۶۳).

پاول زوکر (۱۹۷۰) با تمرکز بر میدان، مفهوم توقفگاه روانی را به معنای گره های اجتماعی طراحی شده ابراز می دارد که جامعه را به معنای واقعی به «اجتماع» تبدیل می کند و نه صرفا به «تجمعی از افراد» از نظر او میدان تعاملات اجتماعی آدم ها را در خود جای می دهد (زوکر، ۱۹۷۰).

دونالد اپلبارد (۱۹۷۹) فضاهایی که حس آرامش را بهروراند و موجب رونق ارتباطات شود. آسایش ناشی از تماس هایی که لذت بخش است و مایه ی خشنودی. تماس هایی که اشخاص را به عنوان افرادی از جامعه تایید می کند. (حافظی فر، ۱۳۹۰). ویلیام وایت (۱۹۸۰) در آن جا مردم ساعت ها با هم حرف می زنند یا خداحافظی های طولانی دارند. (حافظی فر، ۱۳۹۰). نوربرگ شولتز (۱۹۸۴) مکانی است برای مکاشفه یا به عبارتی حیطه ی امکانات گوناگون و چهره به چهره شدن، جایی که انسان ها در آن به مبادله ی اندیشه و احساسات خود با یکدیگر می پردازند (حافظی فر، ۱۳۹۰).

یان گل (۱۹۸۷) بر دعوت کنندگی فضا بیش از سایر شاخصه های آن تاکید می کند و جذابیت یک شهر را با توجه به انبوه مردمی که در فضاهای همگانی آن گرد هم می آیند و وقت خودشان را در آن جا می گذرانند، مفهوم می بخشد، به زعم وی، فضای شهری دعوت کننده، فضایی است که بتوانیم با هم شهری هایمان چهره به چهره دیدار کنیم و به طور مستقیم از راه حواسمان به تجربه اندوزی بپردازیم (گل، ۱۳۸۷).

جان لنگ (۱۹۸۷) مکان هایی که بتوانند تجربه ی انسان را بهبود بخشد، دارای مقیاس انسانی بوده، بستر رفتارها و فعالیت های متنوعی باشد و توانایی پذیرش رفتارهای دلخواه شهروندان را داشته باشد (لنگ، ۱۳۸۸).

بیانچینی (۱۹۹۰) بیانچینی، مفهوم اجتماع پذیری را زندگی اجتماعی عمومی تلقی کرده و آن را نتیجه ی عمل متقابل و تعامل بین حاضران در فضاهای شهری می داند (مظفر، مسعود و راست بین، ۱۳۹۱).

لفور (۱۹۹۱) فضای حاوی خاطره ی جمعی، دوره ی تاریخی معین و محل رویارویی جریان روابط خاص و عام اجتماعی تعریف می کند (لفور، ۱۹۹۱).

موسسه pps (۱۹۹۷) محله گرایی، غرور، خوشامدگویی، همکاری، تنوع، داستان گوئی، دوستی و صمیمی بودن، تاثیر متقابل و نظارت. (حافظی فر، ۱۳۹۰)

لاوسون (۲۰۰۱) فضاهای بیرونی که فرصت هایی را برای مردم به وجود می آورند تا دور هم جمع شوند و گفتگو کنند، به عنوان مکان های ملاقات شناخته شده و زندگی شهری را به میزان زیادی غنا می بخشند (حافظی فر، ۱۳۹۰).

تراس (۲۰۰۵) جایی که مردم زمان خود را در آن بگذرانند و به گفتن خواهش می کنم، متشکرم و ... با همسایگان خود و غریبه ها بپردازند، جایی است که زندگی اجتماعی در آن جریان دارد (حافظی فر، ۱۳۹۰).

موننگومری (۲۰۰۶) تصور اجتماع پذیری جایی که امکان گرد آمدن تعدادی از شهروندان را داشته باشد که آن ها بتوانند در کنار عبور، حضور در فضا را نیز تجربه کنند و با محیط و دیگر افراد به تعامل بپردازند، ملموس تر خواهد شد؛ به عبارت دیگر، مفهوم اجتماع پذیری، به عنوان قابلیت فضایی برای گرد آمدن ترکیبی از اجتماع های انسانی در اشکال مختلف زندگی اجتماعی، تبلور می یابد که در فضاهای شهری همچون واحد همسایگی، محله و ... به منصفه ی ظهور می رسد (مظفر، مسعود و راست بین، ۱۳۹۱).

لارس لروپ (۱۹۷۲) نیاز مردم به حس تعلق اجتماعی و تعامل با یکدیگر باعث اجتماع پذیری در فضاهای عمومی می شود. تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم

تعریف رویدادها و فعالیت های متناسب و در نتیجه نقش پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروه ها و شبکه های اجتماعی است. فضای عمومی برای این که بتواند باعث حضور مردم در خود شود باید عوامل زیر را تامین نماید.

تامین قلمرو، امنیت، ساختار منسجم، تداوم و خوانایی و قابل پیش بینی بودن فضا

وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخگویی، راحتی و آسایش محیطی

میزان اطلاعات، شور و هیجان محیطی: که مستلزم وجود ابعادی چون پیچیدگی و رمزآلودگی، آموزش، امکان بیان خود، گوناگونی و تضاد، انتخاب، هویت یابی، خلوت جوئی و دلبستگی در فضا است.

تعاملات اجتماعی (لروپ، ۱۹۷۲ به نقل از اوپلا و همکاران)

فضا دارای منطقی اجتماعی - جمعی بوده که از طریق تحلیل ساختار فضایی و فعالیت های کاربران، چگونگی سازمان دهی قضا توسط معماران قابل درک است. در محیط انسان ساخت از یک طرف الگوهای جمعی در محیط برخوردار از نظام های فضایی هستند و از طرف دیگر محتوای فضایی محیط دارای الگوهای جمعی است (سازمان فضایی می تواند تعاملات اجتماعی مطلوب را تقویت نماید و همچنین می تواند بر ایجاد خلوت مطلوب نیز تاثیر مستقیم داشته باشد. در واقع می توان از طریق سازمان دهی مناسب فضاها و چیدمان فضایی به سطح مناسبی از ارتباطات و خلوت مطلوب متناسب با فعالیت های فضاهای مورد نظر دست یافت (آرچیا، ۱۹۹۹).

بر مبنای مطالب اشاره شده در مورد اجتماع پذیری فضا و ابعاد مختلف کالبدی و فعالیتی فضاهای عمومی، فرایند اجتماع پذیری در درون فضاهای عمومی را مبتنی بر چهار مرحله پذیرا بودن فضا جهت حضور افراد، تامین آسایش روانی و فیزیکی، لذت بردن از حضور در فضا و تداوم حضور اجتماعی فعال در فضا می دانند (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶).

۲-۲- اجتماع پذیری و فضاهای آموزشی

فضاهای دانشگاهی، به مجموعه ای از ساختمان ها همراه با فضای سبز گفته شده که در ارتباطی متعادل با هم بوده و در سلامت کاربران و کیفیت زندگی آنها، نقش مهمی را ایفا می نمایند. (Garling, 1986; Abu-ghazze, 1999) کیفیت فضای آموزشی از سه معیار کلی تاثیرپذیر است که عبارتند از: ویژگی های اکولوژیکی و فیزیکی، ویژگی های عملکردی و رفتاری، ویژگی های بصری و زیبایی شناسی (گلچین، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

۳- یافته های پژوهش

در این بخش اطلاعات تجزیه و تحلیل و نحوه اجرای روش فراتحلیل به تفصیل بیان می گردد. واژه های مورد تحقیق در مقالات عبارتند از: اجتماع پذیری و فضاهای آموزشی

در مرحله اول تمامی مقالات علمی- پژوهشی منتشر شده بدون اعمال محدودیت زمانی، با کلید واژه اجتماع پذیری از پایگاه های اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و پایگاه استنادی نورمگز استخراج شد که ۱۸۷۸ مقاله را در بر گرفت. در ادامه ۱۰ مقاله که شامل واژه های فضاهای آموزشی در عنوان، چکیده و یا کلمات کلیدی بودند، برای استخراج داده ها و بررسی بیشتر گزینش شدند و جامعه آماری پژوهش را تشکیل داده اند. به منظور انجام فراتحلیل ۸ پژوهش انجام شده بین سال های ۱۴۰۰-۱۳۸۸ در زمینه اجتماع پذیری در فضاهای آموزشی ایران انتخاب گردید.

جدول شماره ۱- نمونه ها (مقالات منتشر شده در حوزه کلمات کلیدی که در چارچوب قرار گرفته اند)

عنوان	نوع	منبع	سال
تبیین قابلیت های بهینه محیط در راستای اجتماع پذیری فضاهای آموزشی فرهنگی مخصوص نوجوانان (نمونه مطالعاتی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)	علمی- پژوهشی	علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره بیست و دوم، شماره یازده، بهمن ماه ۹۹	۱۳۹۹
نقش اجتماع پذیری محیط های آموزش معماری بر یادگیری دانشجویان: تحلیل مدلسازی معادلات ساختاری	علمی- پژوهشی	هویت شهر، شماره چهارم، بهار ۹۹	۱۳۹۷
شناسایی عوامل موثر بر اجتماع پذیری در محیط آموزش معماری و تحلیل تعامل بین آن ها (با رویکرد تصمیم گیری چندمعیاره فازی)	علمی- پژوهشی	نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران	۱۳۹۸
اجتماع پذیری فضای معماری	علمی- پژوهشی	نشریه هنرهای زیبای معماری و شهرسازی، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۸۸	۱۳۸۸
نقش محیط ساخته شده در تعاملات دانش آموزان مدرسه	علمی- پژوهشی	معماری و شهرسازی آرمان شهر، زمستان ۱۳۹۹، دوره ۱۳، شماره ۳۳	۱۳۹۹
واکاوای ارتباط بین نقشه های شناختی و مدل سازی های رایانه	علمی- پژوهشی	نشریه هنرهای زیبا، معماری و	۱۳۹۷

	ای نرم افزار نحو فضا در شناخت محیط های اجتماع پذیر(نمونه موردی: بستر عمومی دانشکده های هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینا و دانشگاه شهید بهشتی)	پژوهشی	شهرسازی، دوره ۲۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷	
۷	معیارهای طراحی فضاهای آموزشی با تاکید بر قابلیت های محیطی موثر بر ذهن و رفتار دانش آموزان	علمی- پژوهشی	آموزش پژوهی، شماره دوازدهم، زمستان ۱۳۹۶	۱۳۹۶
۸	تبیین مؤلفه های تأثیرگذار بر شکل گیری فضاهای اجتماع پذیر در محیط های آموزشی با استفاده از روش تحلیل عاملی(نمونه موردی: فضاهای دانشگاهی)	علمی- پژوهشی	علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره بیست و سوم، شماره هفت، مهرماه ۱۴۰۰	۱۴۰۰

جمع بندی داده های استخراج شده از مقالات

جدول شماره ۲- سال های انجام پژوهش ها (ماخذ: نگارنده)

سال ها	فراوانی	درصد
پیش از ۱۳۸۰	۰	۰
از ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰	۱	۱۲,۵۰
پس از ۱۳۹۰	۷	۸۷,۵۰

۱۲,۵ درصد از پژوهش های مورد بررسی در چارچوب فراتحلیل در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۰ و ۸۷,۵ درصد از پژوهش های مورد بررسی در چارچوب فراتحلیل در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۰ انجام شده است.

جدول شماره ۳- جزئیات روش تحقیق پژوهش های انجام گرفته (ماخذ: نگارنده)

روش	فراوانی	درصد
ماهیت پوشش	کاربردی	۸
	توسعه ای	۰
	کاربردی-توسعه ای	۰
	کاربردی-نظری	۰
	بنیادی	۰
روش تحقیق	توصیفی - تحلیلی	۷
	پیمایشی - میدانی	۱
	ترکیبی	۰
فنون گردآوری داده ها	اسنادی - کتابخانه ای	۰
	مصاحبه و مشاهده	۰
	پرسش نامه	۷
	ترکیبی	۱

ماهیت ۱۰۰ درصد از پژوهش های مورد بررسی در چارچوب فراتحلیل کاربردی می باشد. روش تحقیق ۸۷,۵۰ درصد از پژوهش های مورد بررسی در چارچوب فراتحلیل توصیفی-تحلیلی و ۱۲,۵۰ درصد پیمایشی-میدانی می باشد. فنون گردآوری داده ۸۷,۵۰ درصد از پژوهش های مورد بررسی در چارچوب فراتحلیل پرسش نامه و ۱۲,۵۰ درصد مصاحبه و مشاهده می باشد.

جدول شماره ۴- فراوانی نمونه گیری پژوهش ها (ماخذ: نگارنده)

روش و نمونه	فراوانی	درصد
روش نمونه گیری	دارد	۸
	ندارد	۰
تعداد نمونه	زیر ۱۰۰	۳
	۱۰۰-۲۰۰	۳
	۲۰۰-۳۰۰	۱
	۳۰۰-۴۰۰	۱

۱۰۰ درصد از پژوهش‌های مورد بررسی در چارچوب فراتحلیل دارای روش نمونه‌گیری می‌باشند و تعداد نمونه ۳۷,۵۰ درصد از پژوهش‌های مورد بررسی در چارچوب فراتحلیل زیر ۱۰۰ نفر و ۳۷,۵۰ درصد ۱۰۰-۲۰۰ نفر و ۱۲,۵۰ درصد ۲۰۰-۳۰۰ نفر و ۱۲,۵۰ درصد ۳۰۰-۴۰۰ نفر می‌باشد.

جدول شماره ۵- فراوانی پایایی ابزار سنجش (ماخذ: نگارنده)

درصد	فراوانی	پایایی	
۷۵,۰۰	۶	دارد	پایایی ابزار سنجش
۲۵,۰۰	۲	ندارد	
۰	۰	از ۰/۵ تا ۰/۷	میانگین مقدار پایایی
۷۵,۰۰	۶	از ۰/۷ تا ۰/۹	
۰	۰	بالاتر از ۰/۹	
۲۵,۰۰	۲	ندارد	

۷۵,۰۰ درصد از پژوهش‌های مورد بررسی در چارچوب فراتحلیل دارای پایایی ابزار سنجش می‌باشند و میانگین مقدار پایایی ۷۵,۰۰ درصد از پژوهش‌های مورد بررسی در چارچوب فراتحلیل از ۰/۷ تا ۰/۹ می‌باشد.

جدول شماره ۶- فراوانی مقالات از نظر چارچوب‌های تحقیق (ماخذ: نگارنده)

درصد	فراوانی	فرضیه و چارچوب	
۱۰۰	۸	دارد	فرضیه و پرسش پژوهش
۰	۰	ندارد	

۱۰۰ درصد از پژوهش‌های مورد بررسی در چارچوب فراتحلیل دارای فرضیه و پرسش پژوهش می‌باشند.

جدول شماره ۱۰- جزئیات شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش‌ها (ماخذ: نگارنده)

درصد	فراوانی	تعداد شاخص‌ها	
۰	۰	کمتر از ۸ شاخص	تعداد شاخص‌های مورد استفاده
۸۷,۵۰	۸	۸ و بیش از ۸ شاخص	
۱۲,۵۰	۱	ندارد	

تعداد شاخص‌های مورد استفاده ۸۷,۵۰ درصد از پژوهش‌های مورد بررسی در چارچوب فراتحلیل ۸ و بیش از ۸ شاخص می‌باشد و ۱۲,۵۰ درصد از پژوهش‌های مورد بررسی در چارچوب فراتحلیل فاقد شاخص می‌باشد.

جدول شماره ۱۱- جزئیات ابزار مورد استفاده در پژوهش‌ها (ماخذ: نگارنده)

درصد	فراوانی	ابزار	
۲۵,۰۰	۲	آزمون همبستگی پیرسون	ابزار تحلیل
۱۲,۵۰	۱	آزمون کولموگروف-اسمیرنوف	
۲۵,۰۰	۲	میانگین و آزمون T	
۱۲,۵۰	۱	میانگین و آزمون KMO	
۱۲,۵۰	۱	ترکیبی	
۱۲,۵۰	۱	کیفی و استنباطی	

ابزار تحلیل در ۲۵,۰۰ درصد از پژوهش‌های مورد بررسی در چارچوب فراتحلیل آزمون همبستگی پیرسون و ۱۲,۵۰ درصد آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و ۲۵,۰۰ درصد میانگین و آزمون T و ۱۲,۵۰ درصد میانگین و آزمون KMO ، ۱۲,۵۰ درصد ترکیبی و ۱۲,۵۰ درصد کیفی و استنباطی می‌باشد.

جدول شماره ۱۳ - جمع بندی شاخص ها (ماخذ: نگارنده)

مولفه	شاخص ها	فراوانی
کالبدی- فضایی معماری	میلان	۷
	فضاهای باز و بسته و نیمه باز	۳
	موقعیت فضا نسبت به ورودی	۱
	فرم و هندسه-دایره، مربع، مستطیل	۶
	عناصر طبیعی	۴
	ابعاد فضا	۴
	روابط فضایی	۳
	قرارگیری در محل تقاطع راهروهای اصلی بنا	۱
	سیک کردن جرم بصری کف	۱
	مرکزیت هندسی کل بنا	۱
	چگالی پایین فضا	۱
	ارتفاع زیاد	۱
	شکل سقف	۱
	پنجره افقی و عمودی	۱
	چیدمان فضا	۲
	نور-روشنایی	۶
غیر کالبدی- حسی (زیباشناختی- معنایی ادراکی- احساس امنیت)	رطوبت	۱
	صوت	۵
	دما	۴
	بو	۱
	پیچیدگی	۱
	خوانایی	۴
	انعطاف پذیری	۴
	تناسب و مقیاس	۴
	کنجکاوی	۱
	بداعت و تنوع	۲
	تزئینات	۴
	رنگ و بافت مصالح	۵
	هماهنگی	۲
	خلوت	۲
	قلمرو شخصی	۲
	حس تعلق	۲
	فضای دوستانه	۲
	دعوت کنندگی	۲
	وحدت	۱
	سرزندگی	۲
	علائم و نشانه ها	۳
	دسترسی پذیری فضای عمومی	۱
	نفوذ پذیری	۲
	دور از دید بودن	۱
	فضای کنج دار	۱
	امکان تماشای دیگران	۱
	مطلوبیت	۱
عملکردی فعالیتی	چند عملکردی	۱
	کاربری های فعال	۲
	فضای مشارکتی- مشترک	۳
	مرکزیت کارکردی فضای عمومی	۲
	حیات و محوطه سبز	۱
	راهرو و لابی	۱
	رستوران- بوفه-چایخانه	۱
	کتابخانه و مرکز تحقیقات	۱
	پاسخگویی فعالیتی	۱

۱	فعالیت جمعی	اجتماعی-رفتاری
۱	تراکم	
۱	مدت زمان اقامت در مکان	
۲	پیشینه فرهنگی	فرهنگی

۴- نتیجه گیری

ارتقای کیفیت فضاهای آموزشی جهت ارتقای یادگیری افراد بسیار حائز اهمیت می باشد، کالبد از مهمترین الزاماتی است که توجه به آن می تواند سبب بهره مندی حداکثری در راستای اجتماع پذیری گردد. به طور کلی می توان گفت تاثیر اجتماع پذیری محیط آموزش بر یادگیری افراد مورد تایید است و مولفه های کالبدی، غیر کالبدی-حسی، عملکردی-فعالیتی، اجتماعی-رفتاری و فرهنگی بر میزان اجتماع پذیری افراد در فضاهای آموزشی مؤثر بوده است و شاخص مبلمان از عوامل کالبدی در اولویت اول، شاخص های فرم و هندسه، نور و روشنایی در اولویت دوم، شاخص های صوت، رنگ و بافت مصالح در اولویت سوم، شاخص های عناصر طبیعی، ابعاد فضا، دما، خوانایی، انعطاف پذیری، تناسب و مقیاس و تزئینات در اولویت چهارم، شاخص های فضای باز و بسته و نیمه باز، روابط فضایی علائم و نشانه ها، فضای مشارکتی مشترک در اولویت پنجم، شاخص های چیدمان فضا، بداعت و تنوع، هماهنگی، خلوت، قلمرو شخصی، حس تعلق، فضای دوستانه، دعوت کنندگی، سرزندگی، نفوذپذیری و کاربری های فعال، مرکزیت کارکردی فضای عمومی و پیشینه فرهنگی در اولویت ششم و سایر شاخص های آمده در جدول شماره ۱۳ در اولویت هفتم بر میزان اجتماع پذیری افراد در فضاهای آموزشی مؤثر بوده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت از طریق در نظر گرفتن راهکارهای طراحی مناسب به منظور تامین عوامل مؤثر بر اجتماع پذیری با توجه به اولویت بندی آمده در این پژوهش می توان یادگیری افراد را ارتقا بخشید.

منابع

۱. ارغیانی، مصطفی، شاکری، موسی، (۱۳۹۹)، نقش محیط ساخته شده در تعاملات دانش آموزان مدرسه، معماری و شهرسازی آرمان شهر، دوره ۱۳، شماره ۳۳.
۲. تیبالدز، فرانسیس، (۱۳۸۷)، "شهرهای انسان محور: بهبود محیط عمومی در شهرهای بزرگ و کوچک." با ترجمه حسن علی لقایی، فیروزه جدلی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. حافظی فر، مریم، بهزاد فر، مصطفی، (۱۳۹۰)، "طراحی شهری با رویکرد ساخت فضای شهری اجتماع پذیر."
۴. حیدری، احمد، فرهادی، مریم، (۱۳۹۷)، واکاوی ارتباط بین نقشه های شناختی و مدل سازی های رایانه ای نرم افزار نحو فضا در شناخت محیط های اجتماع پذیر (نمونه موردی: بستر عمومی دانشکده های هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینا و دانشگاه شهید بهشتی)، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۲۳، شماره ۲.
۵. جعفری، الهام، غلامعلی زاده، حمزه، مدیری، محمود، (۱۳۹۷)، نقش اجتماع پذیری محیطهای آموزش معماری بر یادگیری دانشجویان: تحلیل مدلسازی معادلات ساختاری، هویت شهر، شماره چهل و یکم، سال چهاردهم.
۶. جعفری، الهام، غلامعلی زاده، حمزه، مدیری، محمود، (۱۳۹۸)، ناسایی عوامل مؤثر بر اجتماع پذیری در محیط آموزش معماری و تحلیل تعامل بین آن ها (با رویکرد تصمیم گیری چندمعیاره فازی)، نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران.
۷. دانشپور، سید عبدالهادی، چرخچیان، مریم، (۱۳۸۶)، "فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی"، شماره هفتم، نشریه باغ نظر، تهران.
۸. دانشگر مقدم، گلرخ، بحرینی، حسین، عینی فر، علیرضا، (۱۳۹۰)، "تحلیل اجتماع پذیری محیط کالبدی متاثر از ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت"، شماره چهل و پنجم، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، تهران.
۹. دهخدا، عی اکبر، (۱۳۷۷)، "لغت نامه دهخدا". تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. شریفیان، علی، مرادی نسب، حسین، قلمبر دزفولی، مریم، ملاصالحی، ودیعه، (۱۴۰۰)، تبیین مؤلفه های تأثیرگذار بر شکل گیری فضاهای اجتماع پذیر در محیط های آموزشی با استفاده از روش تحلیل عاملی (نمونه موردی: فضاهای دانشگاهی)، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره بیست و سوم، شماره هفت.
۱۱. صالح نیا، مجیدو معماریان، غلامحسین، (۱۳۸۸)، "اجتماع پذیری فضای معماری"، شماره ۴۰، نشریه هنرهای زیبا، تهران.
۱۲. عمید، حسن، "فرهنگ فارسی عمید". تهران: امیرکبیر.
۱۳. گل، یان، (۱۳۸۷)، "زندگی در فضای میان ساختمان ها." با ترجمه شیما شصتی، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
۱۴. گلچین، پیمان؛ نارویی، بهروز و مثنوی، محمدرضا (1390)، ارزیابی کیفیت بصری فضاهای آموزشی بر اساس ترجیحات استفاده کنندگان (مطالعه موردی: دانشگاه سیستان و بلوچستان)، محیط شناسی، دوره ۳۸، شماره ۶۲، صص ۱۳۵-۱۵۰.
۱۵. لنارد، سوزان، (۱۳۷۷)، "طراحی فضای شهری و زندگی اجتماعی"، رسول مجتبی پور، شماره ۴۴ و ۴۵، مجله معماری.
۱۶. لنگ، جان، (۱۳۸۸)، "آفرینش نظریه معماری"، علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۱۷. مظفر، فرهنگ، مسعود، محمد، راست بین، ساجد، (۱۳۹۱)، "ارزیابی تاثیرات کیفیت های شهری در میزان شاخص سرمایه اجتماعی در بافت های تاریخی"، سال دوم، شماره چهارم، نشریه مرمت آثار و بافت های تاریخی، فرهنگی.
۱۸. معین، محمد، (۱۳۷۸)، "فرهنگ فارسی"، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
۱۹. مولوی نجومی، پانیذ، جلالیان، سارا، دژدار، امید، (۱۳۹۹)، تبیین قابلیت‌های بهینه محیط در راستای اجتماع‌پذیری فضاهای آموزشی فرهنگی مخصوص نوجوانان (نمونه مطالعاتی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره بیست و دوم، شماره یازده.
۲۰. مهدی نژاد، جمال الدین، صادقی حبیب آباد، علی، مسلم، حمید، (۱۳۹۶)، معیارهای طراحی فضاهای آموزشی با تاکید بر قابلیت های محیطی موثر بر ذهن و رفتار دانش آموزان، آموزش پژوهی، شماره دوازدهم.
۲۱. ت هال، ادوارد، بعد پنهان، (۱۳۸۷)، با ترجمه منوچهر طبیبیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
22. Archea J, (1999), The Place Architectural Factors in Behavioral Theories of Privacy In J.L.Nasar and Wollfgang F.E.PreisertDirections in Person-Environment Research and Practice, Aldershott Ashgatet.
23. Abu-GhazzeH, T.M (1999) Communicating behavioral research to campus design: factors affecting the perception and use of outdoor spaces at the University of Jordan, Environment and Behavior, Vol.31,No .6.pp.764-804.
24. Baker, L., Mckoy, D., Moore, K., & Vincent, J.M. (2008). Re-Visioning School Facility Planning and Design for the 21 Century: Creating Optimal Learning Environments, Roundtable Proceedings Report, California Department of Education, Center for Cities & Schools, University of California, Berkeley.
25. Garling, T.A (1986), Spatial orientation and way finding in the de- signed environment: A conceptual analysis and some suggestions for post-occupancy evaluation, Journal of Architectural and Planning, pp. 55-64.
26. Gomes, G., & Wojahn, R. M. (2017). Organizational learning capability, Innovation and performance: study in small and medium-sized enterprises (SMES). Revista de Adminis tração(São Paulo), 52(2), 163-175.
27. Gregori, A. De. (2007). Learning environments: Redefining the discourse on school architecture. Unpublished MSc thesis, New Jersey Institute of Technology. New Jersy.
28. Halprin, Lawrence, (1963), "Cities" the MIT Press .
29. Hurst, B., Wallace, R., & Nixon, S. B. (2013). The Impact of Social Interaction on Student Learning. Reading Horizons. 52(4), 375-3988.
30. Lefebvre, Henri, (1991), "The Production of Space". Blackwell,Oxford.
31. Lerup, Lars. (1972),Environmental and Behavioral Congruence as a Measure of Goodness in Public Space: The Case of Stockholm
32. Montero avila, monica (2001) factors that influence the social life and vitality of public open spaces in Maracaibo-venezuela.case study:case study:plaza de lamadre and plaza de la republica.etd.faculty of the Virginia polytechnic institute and sateuniversity.
33. Nguyen,Th. H., Newby,M., & Skordi, P.G. (2015). Development and use of an instrument to measure studentsperceptions of a business statistics learning environment inhiger education, Learning Environment Research, 27(1), 27-47.
34. Pasalar C.(2003), The effects of spatial layouts on students' interactions in middle schools: Multiple case analysis.
35. Zucker, paul, (1970),"town and squere: from the agora to the village green", the MIT Press.

طراحی شهری با رویکرد افزایش تاب آوری کالبدی در مقابل زلزله؛ نمونه موردی: محله لب آب واقع در منطقه ۸ شیراز

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲

کد مقاله: ۶۲۷۱۹

ندا رفیعی^{۱*}، حمیدرضا شاهینی فر^۲، مهرانوش مفیدی^۳،

هادی عبدالعظیمی^۴

چکیده

امروزه ارتقا کیفیت فیزیکی محیط یکی از مهم ترین موضوعات مد نظر در طرح های توسعه شهری است و همچنین مهم تر از آن افزایش و تقویت میزان تاب آوری بافت های فرسوده شهری در مقابل سوانح طبیعی می باشد. در نظر داشتن موضوع کیفیت محیطی برای مداخله در بافت های فرسوده، موجب رویکردی نسبتاً جامع به تمامی ابعاد فرسودگی در این بافت ها خواهد شد. به همین سبب، پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا با بررسی وضع موجود محدوده به کیفیت های محیطی، ابعاد کالبدی تاب آوری و تحلیل آن ها در محله لب آب واقع در بافت تاریخی فرهنگی شهر شیراز بپردازد. در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی-پیمایشی در بستری از مطالعات کتابخانه ای برای استخراج معیارها بهره گرفته شده است. تحلیل معیارهای کیفیت محیطی به دست آمده در بافت مورد بررسی، با استفاده از نرم افزار GIS (سامانه اطلاعات جغرافیایی) در مناطق آسیب پذیر مشخص شده و در نهایت با استفاده از روش SWOT تجزیه و تحلیل داده ها و راهکارها ارائه شده است. این پژوهش از نوع کیفی-کمی بوده و از حیث هدف، کاربردی قلمداد می شود. ارزیابی میزان آسیب پذیری محله لب آب شهر شیراز در برابر زلزله و تدوین راهبردهایی به منظور کاهش آسیب پذیری در اثر بحران زلزله هدف این پژوهش است. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که قسمت های غربی محدوده آسیب پذیری بیشتری را دارند از این جهت توجه بیش از پیش به مفهوم تاب آوری کالبدی برای ارتقا و افزایش توان محدوده در برابر سوانح طبیعی از جمله زلزله به ویژه در بخش غربی محدوده بافت فرسوده لب آب ضروری می باشد.

واژگان کلیدی: زلزله، تاب آوری، شیراز، محله لب آب، GIS

۱- استادیار، گروه شهرسازی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) neda.rafee14@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد طراحی شهری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳- استادیار، گروه شهرسازی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴- استادیار، گروه سنجش از دور و GIS، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

۱- مقدمه

مخاطرات طبیعی از گذشته‌های دور تا کنون بخشی جدایی ناپذیر از زندگی انسانها بوده است. این مهم خود تبدیل به نوعی چالش اساسی در جهت رسیدن به توسعه پایدار، ارتقا کیفیت فیزیکی محیط و همچنین دستیابی به بهبود وضعیت تاب آوری شهری می‌باشد. زلزله یکی از مرگبارترین مخاطره‌ی طبیعی بر روی زمین در نظر گرفته شده که همواره به منزله‌ی یک پدیده‌ی تکرارپذیر در طول تاریخ وجود داشته و در آینده نیز وجود خواهد داشت. تجربه‌ی زلزله‌های اخیر در ایران، مانند فاجعه‌ی مخرب زلزله‌ی بم نشان می‌دهند که شهرهایی که دارای بافت تاریخی گسترده‌ای هستند به علت ناپایداری ساختاری این‌بیهی موجود آنها (استفاده‌ی بیشتر از مصالحی چون خشت و گل و یا آجر و گل) در زمان وقوع زلزله همواره با ویرانی و خسارات بسیار سنگین و تلفات انسانی قابل توجهی مواجه میشوند (علی آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶). عواملی چون عرض کم معابر در بافت‌های تاریخی شهرها، عملیات امداد و نجات را با مشکل اساسی روبه رو کرده است به طوری که همواره دسترسی‌های نامناسب عاملی برای افزایش تلفات انسانی در مقایسه با سایر بخش‌های شهر تلقی می‌شود. آنچه زلزله را به سانحه تبدیل می‌کند، عدم آگاهی و توانایی در مواجهه و برخورد با آن است. این مسئله با گسترده‌ترین دخالت‌های نسنجیده‌ی انسانی در محیط طبیعی، از جمله ساخت و سازه‌های بی رویه در حریم گسل، فقدان و یا بی توجهی به ضوابط و استانداردهای ساخت و ساز تشدید می‌شود (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۸۸: ۲). بررسی تجربه‌های زلزله‌های پیشین نشان می‌دهد که میزان آسیب‌های کالبدی، اقتصادی و جمعیتی در بافت‌های تاریخی و کهن بیش از سایر بافت‌های شهری است. از این رو، نه تنها بافت‌های تاریخی زندگی ساکنان را در وضعیت موجود با مشکل روبه رو ساخته است، بلکه در صورت وقوع سوانح غیر مترقبه مخصوصاً بحران زلزله میزان آسیب پذیری در ابعاد مختلف در این گونه بافت‌ها را، به شدت افزایش می‌دهد. مشخصه‌های اصلی این بافت‌ها اصولاً ناپایداری بناها و مجموعه‌ای از نارسایی‌های کالبدی، حرکتی، زیست محیطی، اقتصادی و مدیریتی است (امجد و سلطانی، ۱۳۹۸: ۱۸). تاب آوری کالبدی محیطی، ارزیابی واکنش جامعه و ظرفیت بازبایی بعد از سانحه مانند پناهگاه‌ها، واحدهای مسکونی و زیرساخت‌هایی مثل خطوط لوله، جاده‌ها و وابستگی آنها به زیرساخت‌های دیگر می‌شود (Anisur, 2011). ترویج این مفهوم به عنوان رویکرد، به ماهیت مراحل مدیریت بحران برمیگردد. از زمان تصویب چارچوب قانونی طرح هیوگو در راهبرد بین‌المللی کاهش سوانح سازمان ملل متحد، هدف و فرایند برنامه‌ریزی برای تقلیل خطرهای ناشی از سوانح، جدای از کاهش آسیب‌پذیری، به نحو بارزی به افزایش و بهبود تاب‌آوری در جوامع معطوف شد (Mayunga, 2007). رویکرد تاب آوری شهری یکی از مهمترین و کلیدی ترین رویکردهایی است که متضامن بقای سکونتگاه‌های انسانی می باشد. این رویکرد راهنمایی است تا مسئولین و دست اندرکاران از تصمیمات انعطاف پذیر، خط مشی‌های جدید برای مدیریت شهری استفاده کنند (نظم فر و پاشازاده، ۱۳۹۷: ۱۰۳). واقعیت این است که نمی‌توان بر اساس شواهد، مخاطره‌های آتی را پیش‌بینی کرد؛ بنابراین، ضروری است برای جلوگیری از افزایش آسیب-پذیری‌ها، میزان تاب‌آوری جامعه محلی را بشناسیم و بدانیم که توان ظرفیتی جامعه برای ایستادگی و بازبایی در برابر مخاطره‌ها در هنگام وقوع بحران تا چه حدی است. در صورت ناآگاهی و عدم آمادگی صدمات جبران ناپذیری را به ابعاد مختلف زندگی انسانها اعم از حوزه‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و روانشناختی وارد میکند (رضایی، ۱۳۹۰: ۴). در این راستا پرسش اصلی پژوهش این است که میزان تاب‌آوری کالبدی محله لب آب شهر شیراز در برابر زلزله در چه وضعیتی قرار دارد و همچنین به شناخت و تبیین مهمترین عوامل موثر در تاب‌آوری در راستای کاهش آسیب‌پذیری یا تاب‌آور نمودن محله لب آب شهر شیراز میپردازد.

۲- پیشینه تحقیق

در زمینه ارزیابی تاب آوری شهر در برابر زلزله پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره شده است، براساس نتایج به دست آمده از پژوهشی که در منطقه ۶ شهرداری تهران انجام شده است اتخاذ راهکارهایی در پنج دسته شکل کلی بافت مسکونی (قطعه‌بندی، توزیع کاربریها، همجواریها و...)، فضاهای سبز و باز عمومی، شبکه دسترسی، تراکم جمعیت و کنترل و نظارت بر ساخت و ساز میتواند در ارتقای ایمنی محله‌های منطقه شش در برابر زلزله مؤثر واقع شود (طیبیان و مظفری، ۱۳۹۷: ۹۳). در تحقیقی تحت عنوان تاب آوری فرم شهری: تحلیل مقایسه‌ای محله‌های سنتی، نیمه برنامه ریزی شده و برنامه ریزی شده در شهر شیراز به این نتیجه رسیده اند که محله‌های برنامه‌ریزی شده و نیمه‌برنامه‌ریزی شده نسبت به دیگر محلات بدون برنامه ریزی یا ارگانیک از تاب‌آوری بیشتری برخوردار هستند. محلات فخر آباد، رودکی و لب آب بیشترین آسیب پذیری را در برابر سوانح طبیعی دارا می باشند. درانتها محله لب آب به خاطر بالا بودن میزان تراکم جمعیتی، عرض کم معابر و کمبود فضای باز در سطح محله بیشترین میزان آسیب پذیری در برابر سوانح طبیعی دارا می باشد (Sharifi et al, 2021: 16)

پژوهشی دیگر تحت عنوان ارزیابی میزان تاب آوری کالبدی در برابر مخاطرات زلزله با رویکرد دستیابی به مدیریت پایدار (مورد مطالعه: منطقه یک تهران) به این نتیجه رسیده اند که نواحی ۹ و ۲ و قسمتی از ناحیه ۹ دارای کم ترین میزان تاب آوری و نواحی ۱ و دارای بیشترین میزان تاب آوری کالبدی در برابر زلزله می باشند. بررسی ها نشان میدهند که آسیب پذیری منطقه ناشی از عدم تناسب تشکیلات مصوبه شهرداری منطقه با نیازهای نوین مدیریت شهری، وجود نظام مدیریت غیر مشارکتی و متمرکز به عنوان وجه غالب در نظام مدیریت شهری، تعدد مراجع تصمیم گیری و تصویب در خصوص نحوه اجرای طرح ها و وابستگی درآمد شهرداری به روش مازاد تراکم و تصمیمات و شیوه های درآمدی نامناسب در مورد فروش تراکم مازاد در سال های اخیر و عدم جایگزینی منابع درآمدی قانونی، می باشد در واقع می توان گفت که مدیریت شهری منطقه در توزیع کاربری های خدماتی، معیارهای عدالت اجتماعی را رعایت نکرده است و در مدیریت پراکنش و جانمایی کاربری های خدماتی، ضعیف عمل نموده است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۹). نتایج پژوهشی که در شهر نور آباد ممسنی انجام نشان میدهد در میان عوامل موثر بر تاب آوری در بین محلات اسکلت ساختمان با ضریب وزنی ۰/۲۹۶ بالاترین اهمیت می باشد. در واقع تجربه آثار زلزله ها تاکنون حاکی از این است که نوع مصالح ساختمانی به کار رفته در سازه، بیشتر از دیگر معیارها، میزان تاب آوری ساختمان در برابر زلزله را نشان می دهد؛ بطوری که هر چه سازه از مصالح بادوام استفاده شده باشد میزان تاب آوری افزایش می یابد و هر چه سازه کم دوام تر باشد میزان تاب آوری آن کاهش خواهد یافت. همچنین برخورداری از تسهیلات با ضریب وزنی ۰/۱۷ کمترین اهمیت می باشد. در نهایت با استفاده از روش کوپلند به رتبه بندی تاب آوری در بین محلات پرداخته شده است (یار احمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۸) طبق تحقیقات به عمل آمده در شهر زنجان و بررسی نقشه های سناریو، میزان تاب آوری در قسمتهای مرکزی و جنوبی شهر ضعیف و بسیار ضعیف بوده و هر چه قدر به سمت شمال، غرب و شرق حرکت می کنیم بر میزان تاب آوری کالبدی نواحی افزوده میگردد. نهایتاً میتوان نامطلوب بودن نسبی تاب آوری کالبدی را در اکثر مناطق شهر زنجان تایید کرد. طوری که در نقشه های سناریو، هیچ ناحیه ای دامنه کاملاً تاب آور را به نمایش نمیگذارد و حتی در سناریوهای مرکالی ۷ و ۸ عملاً تاب آوری در دامنه فاقد تاب آوری و بسیار ضعیف قرار میگیرد و هیچ ناحیه ای در ارزیابی همه معیارها، تاب آور نشان نمیدهد. در نهایت موضوع مهم اینست که ساکنان این شهر باید زلزله را به عنوان جزء جدایی ناپذیر زندگی خود پذیرفته و به مثابه یک عارضه غریبه نگاه نکنند این دیدگاه حداقل باعث آمادگی نسبی آنان در مواقع وقوع زلزله خواهد شد. تزریق اعتبار ویژه جهت مقاوم سازی به همراه تقویت تاب آوری ذهنی و اجتماعی و ارتقای آگاهی ساکنان از الزامات و تدابیر تاب آوری در این سناریو میتوانند به شمار روند (محمدی سرین، ۱۴۰۰: ۶۲). همچنین در پژوهشی که در شهر شهر لاسی رومانی جهت تحلیل چندمعیاری آسیب پذیری شهری در مقابل زلزله انجام شده است، شاخص های کالبدی و اجتماعی را برای مطالعه انتخاب کردند و با روش AHP, PCA به وزندهی لایه های مختلف پرداخته و شاخص آسیب پذیری را برای مناطق مختلف به دست آوردند (Banica et al, 2017: 25). با توجه به موارد یادشده هدف اصلی این پژوهش عبارت است، ارزیابی میزان آسیب پذیری محله لب آب شهر شیراز در برابر زلزله و تدوین راهبردهایی به منظور کاهش آسیب پذیری در اثر بحران زلزله هدف این پژوهش است. این تحقیق از جنبه شناسایی مناطق آسیب پذیر محله لب آب و ارائه راهبردها و سیاست های اجرایی در محدوده مورد مطالعه حائز اهمیت و نوآوری میباشد.

۳- روش تحقیق و ابزارها

در مراحل اولیه از روش اسنادی و مطالعات کتابخانه ای و در بخش جمع آوری اطلاعات وضع موجود از دو روش مطالعات میدانی و مطالعات اسنادی استفاده شده است. همچنین از نرم افزار GIS به منظور تحلیل داده ها و وزن دهی معیارها که قسمت اصلی پژوهش را تشکیل می دهد مورد استفاده قرار گرفته است. جهت محاسبه وزن و ضریب اهمیت هریک از معیارهای پژوهش در این تحقیق از روش FAHP (Chen, Hwang, 1992) که در آن از اعداد فازی مثلثی برای بیان میزان ارجحیت معیارها نسبت به یکدیگر استفاده شده است، که طبق پرسشنامه تهیه و تنظیم شده که با توجه به نظرات هر یک از کارشناسان مستقلاً و با استفاده از متغیرهای زبانی که در جدول شماره ۱ ارائه شده است، ماتریس مقایسه زوجی را تکمیل نموده اند. ماتریس مقایسه زوجی فازی نهایی در جدول شماره ۲ نشان داده شده است و متدهای مختلفی در محاسبه وزن معیارها در تحلیل سلسله مراتبی فازی وجود دارد که در این تحقیق با روش میانگین هندسی فازی محاسبه شده است. همچنین میزان نرخ ناسازگاری برابر ۰/۰۶ بوده که کمتر از ۰/۱ بوده است. وزن نهایی معیارهای مورد بررسی در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۱- متغیرهای زبانی و اعداد فازی مثلثی معادل آنها

متغیرهای زبانی عدد فازی مثلثی معادل	عدد فازی مثلثی معادل	عدد فازی مثلثی معادل معکوس
کاملاً برابر	(۱، ۱، ۱)	(۱، ۱، ۱)
بینابین	(۱، ۲، ۴)	(۱، ۰/۵، ۰/۲۵)

کمی برتر	(۲,۴۶)	(۰/۱۶, ۰/۲۵, ۰/۵)
بینابین	(۳,۵۰۷)	(۰/۱۴, ۰/۲, ۰/۳۳)
بهتر	(۴,۶۸)	(۰/۱۲, ۰/۱۶, ۰/۲۵)
بینابین	(۵,۷۰۹)	(۰/۱۱, ۰/۱۴, ۰/۲)
خیلی بهتر	(۶,۸۰۹)	(۰/۱۱, ۰/۱۲, ۰/۱۶)

جدول ۲ - ماتریس مقایسه زوجی معیارها

مساحت ابنیه	دسترسی فضای باز	تراکم جمعیتی	فاصله از معاير	تعداد طبقات ابنیه	قدمت ابنیه	سازه ابنیه	معیارها
۶,۸۰۹	۵,۷۰۹	۴,۶۸	۳,۵۰۷	۲,۴۶	۱,۲۰۴	۱,۱۰۱	سازه ابنیه
۵,۷۰۹	۴,۶۸	۳,۵۰۷	۲,۴۶	۱,۳۵	۱,۱۰۱	۰/۲۵, ۰/۵, ۱	قدمت ابنیه
۴,۶۸	۲,۴۶	۱,۳۵	۱,۲۰۴	۱,۱۰۱	۰/۲, ۰/۳۳, ۱	۰/۱۶, ۰/۲۵, ۰/۵	تعداد طبقات
۲,۴۶	۱,۳۵	۱,۲۰۴	۱,۱۰۱	۰/۲۵, ۰/۵, ۱	۰/۱۶, ۰/۲۵, ۰/۵	۰/۱۴, ۰/۲, ۰/۳۳	فاصله از معاير
۱,۳۵	۱,۲۰۴	۱,۱۰۱	۰/۲۵, ۰/۵, ۱	۰/۲, ۰/۳۳, ۱	۰/۱۴, ۰/۲, ۰/۳۳	۰/۱۲, ۰/۱۶, ۰/۲۵	تراکم جمعیتی
۱,۲۰۴	۱,۱۰۱	۰/۲۵, ۰/۵, ۱	۰/۲, ۰/۳۳, ۱	۰/۱۶, ۰/۲۵, ۰/۵	۰/۱۲, ۰/۱۶, ۰/۲۵	۰/۱۱, ۰/۱۴, ۰/۲	دسترسی فضای باز
۱,۱۰۱	۰/۲۵, ۰/۵, ۱	۰/۲, ۰/۳۳, ۱	۰/۲۵, ۰/۵, ۰/۱۶	۰/۱۲, ۰/۱۶, ۰/۲۵	۰/۱۱, ۰/۱۴, ۰/۲	۰/۱۱, ۰/۱۲, ۰/۱۶	مساحت ابنیه

جدول ۳ - وزن نهایی معیارها

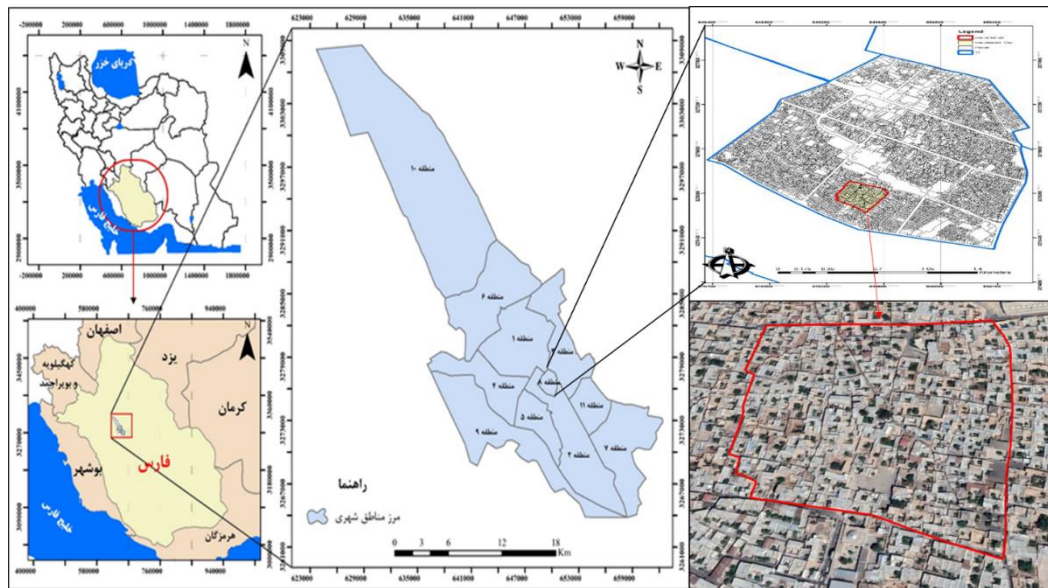
مساحت ابنیه	دسترسی فضای باز	تراکم جمعیتی	فاصله از معاير	تعداد طبقات ابنیه	قدمت ابنیه	سازه ابنیه	معیارها
۰/۰۲۸	۰/۰۴۲	۰/۰۶۲	۰/۰۹۲	۰/۱۴۲	۰/۲۶۲	۰/۳۶۹	وزن نهایی

در ادامه طبقه بندی موضوعات جمع آوری شده در وضع موجود، در چهار قالب نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدها (SWOT) انجام می‌شود. در این روش تحلیل موضوع که محیط بیرونی و دورنی سیستم را در نظر می‌گیرد امکان تدوین پایگاه تصمیم سازی و سیاست گذاری را فراهم می‌نماید (گلکار، ۱۳۸۵) از این رو از روش سوات (SWOT) جهت ارائه و اتخاذ راهبردهایی برای تاب آور کردن فضاهای آسیب پذیر محله مورد مطالعه استفاده شده است.

۳-۱- محدوده مورد مطالعه

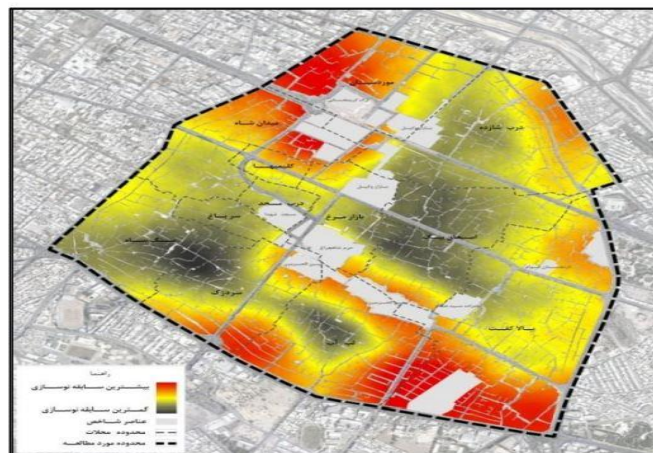
شهر شیراز، مرکز استان فارس بر روی جلگه طویلی به طول ۱۲۰ کیلومتر و عرض ۱۵ کیلومتر در طول شرقی ۲۹' ۵۲° تا ۳۶' ۵۲° و عرض شمالی ۳۳' ۲۹° تا ۴۱' ۲۹° و در ۹۰۰ کیلومتری جنوب پایتخت قرار دارد که ارتفاع آن از سطح دریا ۱۴۸۸ متر در منتهی الیه شرقی شهر و حدود ۱۷۰۰ متر در غرب آن متغیر است. پست‌ترین نقطه جلگه شیراز در جنوب شرقی آن (دریاچه مهارلو) با ارتفاع ۱۵۰۰ متری از سطح دریا می‌باشد. شیراز از شمال به رشته کوه‌های بوم، پشت مله، چهل مقام و باباکوهی منتهی می‌باشد و در غرب نیز به رشته کوه‌های دراک که تا شمال غربی امتداد می‌یابد محدود می‌شود. محدوده مورد مطالعه واقع در محله لب آب منطقه ۸ تاریخی فرهنگی شیراز واقع شده است. این محله از شمال به محله اسحاق بیگ، از غرب به محله سردزک، از جنوب به محله دروازه شاه داعی و از شرق به محله بالا کفت محدود می‌شده است. از محله‌های جنوبی شیراز است (شکل ۱) و همچنین منطقه از شمال به منطقه ۳- از جنوب به منطقه ۲- از غرب به منطقه ۱ و ۲- از شرق به منطقه ۲- محدود می‌شود. این منطقه

یکی از مهمترین و با ارزش ترین مناطق تاریخی و فرهنگی شهر شیراز می باشد. این پژوهش به دنبال کاهش آسیب پذیری کالبدی محله لب آب شیراز در برابر زلزله می باشد.



شکل ۱- نقشه موقعیت منطقه ۸ در شهر شیراز و محله مورد مطالعه در منطقه ۸

بررسی طرح های بازنگری منطقه ۸ شهرداری شیراز که توسط مشاور (مهندسین مشاور پرداراز، ۱۳۹۲) تهیه تنظیم گردیده شده است نشانگر این است که محله های لب آب، درب سازده، سنگ سیاه و اسحاق بیگ کمترین سابقه ۱۳۹۲ نوسازی را در سطح منطقه ۸ را دارد (شکل ۲).



شکل ۲- عدم توازن ها در سابقه نوسازی منطقه ۸ شهر شیراز (منبع: مشاور پرداراز، ۱۳۹۲)

۴- بحث و تحلیل نتایج

۴-۱- بررسی دسترسی و عرض معابر

در ارزیابی ها مشخص شد که حدود ۲۰ درصد مساحت منطقه دارای معابر با عرض کمتر از ۴ متر است و با در نظر گرفتن تراکم بالای جمعیتی در سطح منطقه، در صورت بروز زلزله، مسدود شدن این معابر در اثر تخریب ساختمان ها، مانع عملیات امداد و نجات خواهد شد. بدیهی است که این مسئله در بافت های فرسوده از حساسیت بیشتری برخوردار است. بیشتر بدنه و جداره های معابر از جنس خشت و گل بوده است که این امر تهدیدی جدی در زمان وقوع بحران و حادثه است. بنا بر اهمیت این معیار فاصله از معابر محلی محدوده بررسی و کلاس بندی و تهیه شده است (شکل ۳). تعریض معابر کم عرض و اجرای عقب نشینی ها به ویژه در محلات قدیمی و محلات اسکان غیررسمی، توزیع متناسب تراکم های ساختمانی و جمعیتی در سطح شهر به خصوص در بدنه ی

معیار، توجه بیشتر به درجه‌ی محصوریت ارتفاع ساختمان با توجه به عرض معبر، برای کاهش احتمالی انسداد معابر می‌بایستی مدنظر قرار گیرد (احد نژاد روشنی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۹)

۴-۲- بررسی قدمت و نوع سازه ابنیه

ویژگی‌های عمومی بافت‌های فرسوده، بیش از ۸۰٪ از ساختمانها در این گونه بافت‌ها دارای قدمتی بیش از ۵۰ سال میباشند و مصالح به کار رفته در این گونه بافت‌ها عمدتاً از انواع خشتی، خشت و آجر و چوب و یا آجر و آهن بدون رعایت اتصالات افقی و عمودی و فاقد سیستم سازه‌ای می‌باشند (بابایی اقدام و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳) افت کیفیت ابنیه (شکل ۴) در محدوده، کاهش ارزش اقتصادی ابنیه را نیز به دنبال داشته است که این خود عاملی برای جذب ساکنان با شرایط نابسامان اقتصادی به محدوده ی بافت فرسوده میباشد. از این رو، عدم توانایی مالی ساکنان برای بهسازی و نوسازی ابنیه، روند تخریبی بناهای موجود در بافت را در سالهای اخیر تشدید کرده است، بطوری که بسیاری از خانوارهای ساکن در محدوده، در بناهایی سکونت دارند که از لحاظ کیفی شرایط بسیار بدی داشته و با توجه به شرایط اقلیمی شهر و نیز این منطقه، میبایست اقدام به ارتقای شرایط کیفی سکونت در محدوده پرداخت که این امر علاوه بر راهکارهای کالبدی، نیازمند راهکارهای مدیریتی و نیز توانمندسازی ساکنان محدوده به ویژه در بافت فرسوده است. کیفیت بیش از نیمی از بناهای محدوده مورد مطالعه، تخریبی برآورد شده است. علت آن را میتوان در قدمت نسبتاً بالای ابنیه (شکل ۵) در این محدوده به ویژه نواحی مرکزی بافت، عدم رعایت استانداردها در ساخت و سازه‌های اخیر که به علت عدم توانایی مالی ساکنان شکل گرفته و نیز خالی از عملکرد شدن بخشی از بناهای بافت جستجو کرد.

۴-۳- بررسی تراکم جمعیتی محدوده

در همه کشورهای جهان به خصوص کشورهای درحال توسعه، روند فزاینده شهرنشینی به سرعت ادامه دارد و این خود به عنوان پتانسیلی برای وارد آمدن خسارت زیادی، هنگام وقوع بلایای طبیعی می‌باشد (تقوایی و علی محمدی، ۱۳۹۵: ۸۵) با افزایش جمعیت، نواحی شهری مستعد خسارات بیشتر ناشی از زلزله هستند و در نتیجه ریسک در برابر خطر زلزله افزایش می‌یابد (بهادری و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۲۷) اما صرف افزایش جمعیت پدیده‌ای مذموم نیست بلکه توزیع نامتناسب جمعیت در سطوح مختلف جغرافیایی شهر به ویژه محلات کم درآمد شهری با تراکم نسبی بالا و مساکن با کیفیت پایین، پتانسیل میزان آسیب پذیری را بیشتر میکند. افزایش جمعیت در واحد سطح، امکان گریز و پناه را کمتر، و بر تعداد مصدومان می‌افزاید (حمیدی، ۱۳۷۴) در طبقه بندی تراکم جمعیتی بیشترین تراکم شامل بلوک‌های بالای ۳۰۰ نفر جمعیت هستند که بیشترین آسیب پذیری را دارند. تحلیل نقشه‌ی تراکم جمعیتی نشان می‌دهد محدوده مورد مطالعه جمعیت نسبتاً بالایی را در خود جای داده است (شکل ۶).

۴-۴- بررسی تعداد طبقات

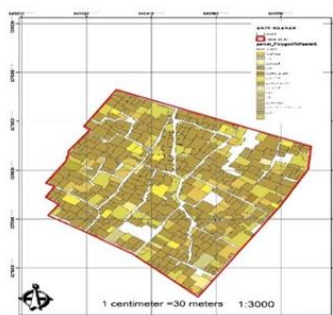
تحلیل تعداد طبقات قطعات محدوده حاکی از آن است که محدوده دارای تعداد طبقات پایین و خط آسمان یکنواختی می‌باشد (شکل ۷). در این خصوص، شایان ذکر است که استقرار ابنیه ی بلند مرتبه ی محدوده در برخی موارد بدون جانمایی درست موجب برهم خوردن نظم ارتفاعی و خط آسمان بافت و همچنین به وجود آمدن دیدهای نامطلوب و در پی آن ناهمگونی سیما و منظر شهری شده است. در ادامه‌ی این روند نامناسب و تبدیل ابنیه ی موجود به بناهای بلند مرتبه، میتواند تهدیدی جدی برای عدم یکپارچگی و انسجام پهنه‌ی ارتفاعی بافت محسوب شود. لذا، میبایست با درنظر گرفتن شرایط اقتصادی و اجتماعی ساکنان بافت و نیز عوامل اقلیمی و کالبدی مؤثر، به تدوین سابتهایی مبنی بر تعریف حوزه‌های ارتفاعی در محدوده ی بافت فرسوده پرداخت.

۴-۵- دانه بندی قطعات

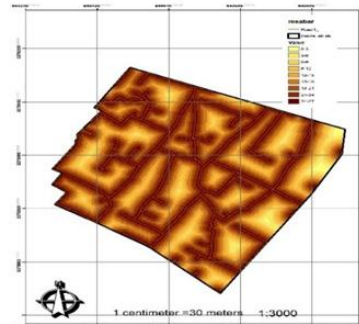
در بررسی و مطالعه بلوکهای شهری غالباً آنها به قطعات یا دانه‌های کوچک تر تفکیک می شوند. از این رو، در شناسایی نظام دانه بندی به بررسی ابعاد این قطعات، نحوه ی استقرار آنها نسبت به شبکه معابر، همجواری و نحوه ی ارتباط آنها با یکدیگر پرداخته میشود (روستا و همکاران، ۱۳۹۶: ۹) عمده قطعات موجود در محدوده دارای مساحتی زیر ۲۰۰ متر مربع میباشند که حدود ۶۰ درصد از قطعات محدوده مورد مطالعه را شامل میشوند (شکل ۸). این امر حاکی از ریزدانه‌ی بافت و کاهش سطح کیفی سکونت و بهداشت در محدوده ی بافت فرسوده است که علت آن را میتوان در وضعیت اقتصادی و اجتماعی ساکنان بافت جستجو کرد. میزان بالای ریز دانه‌ی بیانگر ناپایداری قطعات در محدوده مورد مطالعه می‌باشد. می‌توان با استفاده راهکارهایی چون بازسازی و بهسازی قطعات در جهت ایمن سازی قطعات گام برداشت.

۴-۶- دسترسی به فضای باز

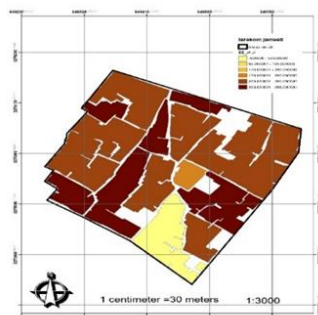
دسترسی به فضای باز در مواقع بحرانی از جمله هنگام رخ دادن زلزله به عنوان مراکز حیاتی می باشد. در اینجا دسترسی به این مراکز در محدوده فاصله گذاری شده اند. فاصله در محدوده اول ۵۰ متر، محدوده دوم ۱۰۰ متر، محدوده سوم ۱۵۰ متر و محدوده چهارم فضاهایی که در فاصله بیش از ۲۰۰ می باشند، طبقه بندی شده اند (شکل ۹). فضاهای باز وضع موجود در محله، از استانداردهای تعریف شده همچون فضاهای سبز عمومی و پارکها در سطح محلی فاصله داشته، شامل زمینهای بایر و رها شده است که به مکانی جهت پارکینگ ماشینهای شخصی تبدیل شده اند. یکی دیگر از فضاهای باز در محدوده شامل فضای شورای شهر است که به جهت محصوریت فیزیکی از حالت فضای عمومی به خصوصی تبدیل شده است.



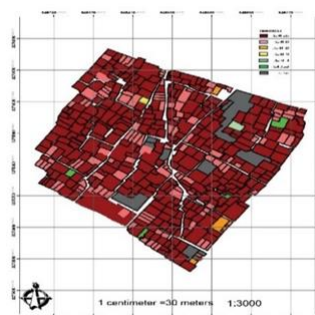
شکل ۴- نوع سازه ابنیه



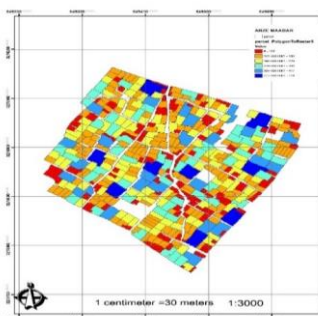
شکل ۳- فاصله از معابر



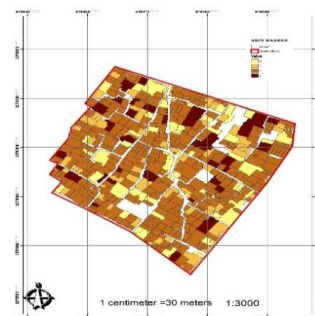
شکل ۶- تراکم جمعیتی



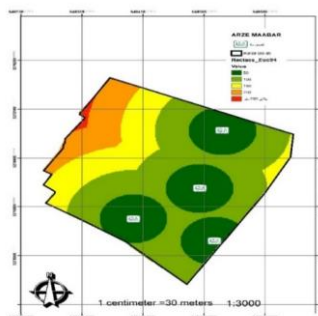
شکل ۵- قدمت ابنیه



شکل ۸- مساحت قطعات

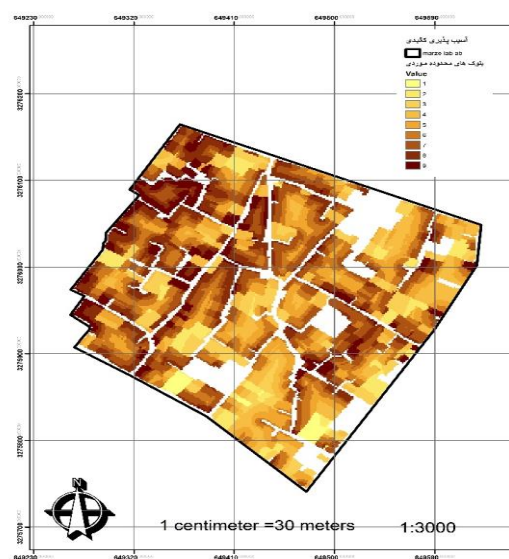


شکل ۷- تعداد طبقات قطعات

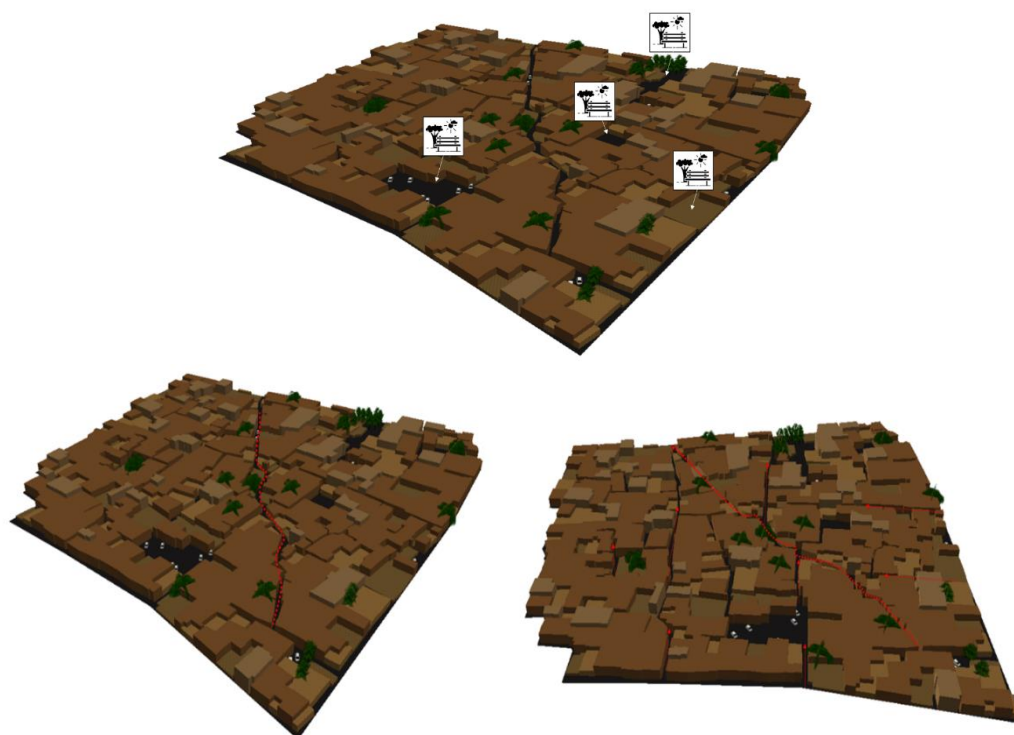


شکل ۹- دسترسی به فضای باز

سمت غربی محدوده و به ویژه با نزدیک شدن به لبه غربی محله شاهد بیشتر شدن آسیب پذیری محدوده در مقایسه با سایر قسمت‌های آن هستیم. در این قسمت از محله لب آب به دلیل مقاومت پایین ساختمان‌ها و ابنیه موجود، عرض کم معابر، ریزدانی قطعات و نیز تراکم بالای جمعیتی در این نقاط نسبت به سایر قسمت‌های محله، کمترین تاب آوری کالبدی را از خود در برابر سوانح طبیعی احتمالی نشان خواهد داد و وضعیت آسیب پذیری به صورت زیاد ارزیابی می‌شود. در پهنه شرقی محدوده و با نزدیک شدن به مرز محله در این قسمت‌ها نیز شاهد کم بودن میزان آسیب پذیری کالبدی هستیم. از جمله دلایل کم بودن آسیب پذیری در این قسمت از محله میتوان به دسترسی مناسب به فضاهای باز، معابر نسبتاً انتظام و پیوستگی مناسب، تراکم پایین بلوک‌های جمعیتی و نیز وجود ساختمان‌های نوساز اشاره کرد (شکل ۱۰). نمایی سه بعدی از محدوده مورد مطالعه تهیه شده که برای درک بهتر مواردی چون ریزدانی، پراکنش فضای باز، تعداد طبقات، نفوذناپذیری معابر و معابر با عرض کمتر از ۶ متر نمایش داده شده است (شکل ۱۱).



شکل ۱۰ - نقشه آسیب پذیری کالبدی محدوده مورد مطالعه



شکل ۱۱ - نمایی سه بعدی از محدوده مورد مطالعه (Arc Scene)

روش یا ماتریس SWOT ابزاری برای شناخت عوامل مؤثر بر وضعیت درونی (قوتها و ضعفها) و بیرونی (تهدیدها و فرصت-ها) یک سازمان است که به منظور سنجش وضعیت و تدوین راهبرد مناسب برای هدایت و پایش آن استفاده می‌شود در واقع، این روش بهترین راهبرد را برای مدیریت سازمان‌ها ارائه می‌دهد به طور اجمالی میتوان گفت که این روش ابزاری برای تحلیل وضعیت و تدوین راهبرد است و این امور از طریق موارد زیر صورت می‌گیرد:

بازشناسی و طبقه بندی قوت‌ها و ضعف‌های درونی سیستم

بازشناسی و طبقه بندی فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در محیط خارج سیستم

تکمیل ماتریس SWOT (جدول شماره ۴) و تدوین راهبردهای گوناگون برای هدایت سیستم در آینده (جدول شماره ۵)

جدول ۴- نقاط قوت و ضعف ، تهدید و فرصت موجود در محله لب آب واقع در منطقه ۸ شهرداری شیراز

تهدید (T)	فرصت (O)	ضعف (W)	قوت (S)
خطر روند افزایشی فرسودگی بافت و تاثیر منفی اقتصادی بر بافت	قابلیت افزایش مطلوبیت و ارزش اقتصادی زمین‌های محدوده	کم توجهی و در بعضی موارد بی توجهی مالکان به استحکام بنا به دلیل ضعف اقتصادی	داشتن توجیه اقتصادی برای سرمایه گذاران خصوصی در امر گردشگری و ساخت اقامتگاه و مرمت ابنیه تاریخی بافت فرسوده
روند افزایشی فرسودگی ابنیه و تخریب گسترده در صورت وقوع بحران	وجود ساکنان قدیمی و تمایل به نوسازی و بهسازی خانه‌های با قدمت	بالا بودن عمر ابنیه و فرسودگی واحدهای مسکونی	تمایل ساکنین قدیمی به ادامه زندگی در بافت
تعدد نهادهای تصمیم گیری در ارتباط با امور شهری محله	توسعه و گسترش گردشگری به منظور بهره برداری مناسب محیط و جلوگیری از تخریب بافت تاریخی	ضعف اقدامات عمرانی شهرداری و کمبود خدمات عمومی در سطح محله	واقع شدن محدوده در بافت تاریخی فرهنگی شهر
فرسوده شدن هر چه بیشتر معابر در صورت عدم رسیدگی و نظارت	امکان ایجاد مسیر و گذرهای گردشگری، تعریض معابر و کفسازی مناسب	خیابان‌ها و کوچه‌های باریک و مشکل کلی دسترسی (عدم وجود کف سازی مناسب)	دسترسی مناسب به نقاط مختلف شهر واقع شدن محله در مرکزیت شهر
تمایل اقشار کم درآمد به مهاجرت و سکونت در این گونه بافت‌ها به علت پایین بودن قیمت اجاره بها	امکان استفاده از برخی فضاهای برای ساخت اقامتگاه و فضاهای گردشگری	غیر استاندارد بودن مصالح در اغلب ساختمان‌ها و مقاوم نبودن ابنیه در مقابل سوانح طبیعی	گرایش به استفاده از مصالح بادوام در برخی از ساخت وسازهای جدید
پراکندگی نامناسب فضاهای سبز و باز در محدوده	وجود زمین‌های باز و امکان طراحی فضای سبز در داخل آنها	کمبود فضای سبز و فضای باز عمومی	وجود فضاهای باز بایر و خانه‌های مسکونی تخریب شده در داخل محدوده
عدم مشارکت مردمی در بازسازی ابنیه باعث ایجاد روند افزایشی مخروبه شدن خانه‌های مسکونی می‌شود	وجود خانه‌های با ارزش تاریخی با قابلیت تبدیل شدن به فضای گردشگری _ فرهنگی	کیفیت پایین سیمای بصری	قابلیت استفاده از مشارکتهای مردم در جهت زیبا سازی

جدول ۵- اهداف و راهبردهای محله لب آب واقع در منطقه ۸ شهرداری شیراز

سیاست‌های اجرایی	اهداف خرد
بهبود روند دریافت وام نوسازی برای ابنیه	بازسازی و نوسازی ابنیه‌های تخریبی
بهسازی و نوسازی ابنیه‌های واقع در کوچه شهید محب پور	بهسازی ابنیه‌های مرمتی
اعمال عقب نشینی و ایجاد کفسازی مناسب در کوچه‌های محله لب آب ۱۷/۴_۱۷/۶_۱۷/۵_۱۴/۱۴_۱۴/۱۰_۱۴/۸ دارالشفاء شریعتی _ شهید محب پور _ بیانی‌ها	اعمال عقب نشینی در برخی معابر کفسازی مناسب معابر
طراحی فضای باز در کوچه‌ی شهید محب پور_ کوچه‌ی ۱۴/۱۴ _ کوچه- ی ۱۴/۱۰ _ طراحی فضای باز و یا مرکز فرهنگی در کنار مسجد آتشی‌ها	استفاده از اراضی بایر و متروک جهت طراحی فضای سبز باز و ارتقای عرصه‌های عمومی
حمایت از بخش خصوصی در زمینه فعالیت در بافت	جذب سرمایه گذار در بخش گردشگری
افزایش فعالیت‌های دفاتر شورای محله	افزایش مشارکت در امر بهسازی و بازسازی

۵- نتیجه گیری

گام مهم و اساسی برنامه ریزی در مواقع پیش از بحران‌های طبیعی (زلزله، آتش سوزی و ...)، شناخت موقعیت‌ها و مکان‌های آسیب پذیر در محلات شهری می‌باشد. در این راستا شناخت مکان‌های آسیب پذیر از طریق تهیه نقشه‌های تاب آوری می‌تواند یکی از مهمترین اقدامات کارآمد در جهت جلوگیری از خسارت و آسیب‌های احتمالی قلمداد شود. یکی از ابعاد مهم تاب آوری در شهرها، بعد کالبدی آن است که در این مقاله، به شناخت و بررسی این شاخص و تحلیل آن در بافت فرسوده شهر شیراز و ارائه راهکارها پرداخته شده است. با توجه به بررسی منابع می‌توان نتیجه گرفت معیارهایی نظیر نوع سازه ابنیه، قدمت ابنیه، تعداد طبقات، فاصله از معبر، تراکم جمعیتی، دسترسی به فضای باز و ریزدانی قطعات ساختمانی به عنوان معیارهای بسیار مهم سنجش تاب آوری کالبدی، جهت ارزیابی آسیب پذیری در برابر سوانح طبیعی (زلزله) به شمار می‌روند. بنابراین جهت شناسایی وضعیت کلی محدوده به لحاظ میزان آسیب پذیری کالبدی در برابر زلزله، لایه‌های تولید شده هر شاخص را در وزن به دست آمده آن ضرب و هم پوشانی شده و نقشه نهایی تحلیلی فضایی ترسیم شده است. باتوجه به نقشه آسیب پذیری کالبدی محدوده مورد مطالعه نتایج بیانگر آن است که تاب آوری محله لب آب واقع در بافت تاریخی فرهنگی منطقه ۸، پتانسیل رخداد آسیب پذیری بالایی را در خود دارد. در بررسی و تحلیل نقشه آسیب پذیری کالبدی مقدار ۱۶۶۵۲ متر مربع از مساحت کل محدوده بیشترین آسیب پذیری را دارند. به طوری که نوع سازه و قدمت ابنیه، باتوجه به اهمیت آن‌ها در برابر زلزله بیشترین امتیازها را به ترتیب نوع سازه با وزن ۰/۳۶۹ و قدمت ابنیه با وزن ۰/۲۶۲ در الویت اول و دوم نسبت به دیگر معیارها قرار گرفتند. تجربه تاثیر زلزله‌ها تاکنون حاکی از این است که نوع مصالح ساختمانی به کار رفته در سازه، بیشتر از دیگر شاخص‌ها، میزان تاب آوری ساختمان را در برابر زلزله تحت تاثیر قرار می‌دهد، بطوری که هر چه بیشتر از مصالح بادوام در سازه‌های ساختمانی استفاده شده باشد، میزان تاب آوری در برابر زلزله افزایش می‌یابد. بیشتر مناطق آسیب پذیر محدوده دارای نوع سازه خشت، آجر و چوب هستند که دارای قدمت بالای ساختمانی، تراکم بالای جمعیتی، ریزدانی قطعات، عدم دسترسی به فضای باز و معابر با عرض کمتر از ۶ متر هستند، که مجموع این عوامل باعث مختل کردن عملیات امداد و نجات و بالا رفتن میزان خسارت در زمان بحران می‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده، در ادامه راهکارهای پیشنهادی برای بهبود وضعیت تاب آوری کالبدی مطرح می‌شود. در این میان، مفهوم تاب آوری، راهنمایی است تا مسئولین و دست‌اندرکاران از تصمیمات انعطاف پذیر و خط مشی‌های جدید برای مدیریت شهری، استفاده کنند با توجه به شرایط اقلیمی شهر و نیز اهمیت این منطقه در بافت فرهنگی تاریخی و گردشگری، می‌بایست جهت ارتقای شرایط کیفی سکونت در این محدوده اقدام نمایند. علاوه بر راهکارهای کالبدی، باید گفت نیازمند راهکارهای مدیریتی و نیز توانمندسازی ساکنان به ویژه در بخش‌های غربی محدوده مورد مطالعه که آسیب پذیری بالاتر نسبت به سایر نقاط محدوده دارند، امری ضروری می‌باشد.

۵-۱- پیشنهادها

- کنترل روند تراکم جمعیتی
- تعیین مسیرهای ایمن خدمت رسانی در زمان وقوع حادثه
- ایجاد فضاهای سبز و باز در نواحی در معرض آسیب پذیری بالا
- در نظر گرفتن اراضی بایر به منظور ایجاد پارک‌های محله برای تقویت دسترسی به فضاهای باز
- بهسازی و نوسازی ابنیه در قسمت‌های آسیب پذیر (بخش‌های غربی محله)
- تجمیع قطعات کوچکتر (مساحت کمتر از ۲۰۰ متر^۲ ریزدانه) به قطعات بزرگتر
- آگاه کردن مردم از آسیب پذیری اماکن محل کار و سکونت به منظور ایجاد انگیزه برای مقاوم سازی یا نوسازی از طریق ایجاد تسهیلات اعتباری توسط بخش دولت
- اقدام سریع جهت جلوگیری از گسترش روند فرسودگی و بی قاعدگی شهری در بافت مذکور
- اصلاح و تعریض معابر دارای عرض کمتر از ۶ متر برای تسهیل آمد و شد وسایل نقلیه اضطراری همچون آتشنشانی، آمبولانس و امداد رسانی در زمان وقوع زلزله
- اتخاذ سیاست‌ها و تسهیل و اجرای برنامه‌های اجتماع-محور برای ارتقای استقامت بناهای آسیب پذیر در برابر زلزله
- ایجاد ساختار و مدیریت مناسب یکپارچه جهت رفع تقابلهای و دوباره کاری‌ها که حرکت به سوی تحقق برنامه‌های بازسازی و بهسازی بافت فرسوده لب آب را محیا سازد.
- امر بهسازی و بازسازی موضوعی جدا از ساکنین محله لب آب نیست و می‌بایست هر فعالیتی در این زمینه با در نظر گرفتن خواسته‌های ساکنین و تشویق آنها جهت مشارکت و همراهی با طرح‌های بهسازی و بازسازی باشد.

۱. احدنژاد روشتی، محسن، روستایی، شهرپور، کاملی فر، محمدجواد. (۱۳۹۴). ارزیابی آسیب پذیری شبکه معابر شهری در برابر زلزله با رویکرد مدیریت بحران مطالعه موردی: منطقه ۱ شهر تبریز. فصلنامه علمی- پژوهشی اطلاعات جغرافیایی، ۲۴(۹۵)، ۳۷-۵۰.
۲. امجد، محمد، سلطانی، ایرج (۱۳۹۸). راهبردهایی به منظور کاهش آسیب پذیری بافت‌های تاریخی در برابر زلزله مطالعه‌ی موردی: بافت تاریخی شهر یزد. علمی پژوهشی مدیریت بحران ۸(۲) ص ۱۷-۳۲.
۳. بابایی اقدم، فریدون، کاملی فرد، زهرا، کاملی فرد، محمد جواد. (۱۳۹۵). استخراج شاخص‌های شناسایی بافت فرسوده‌ی شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (مطالعه موردی: منطقه ۴ تبریز). فصل نامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، ۸(۲۸)، ۱۹-۳۸.
۴. بهادری، هادی، کامبیز خورشید، محمد ابراهیم نیا، ۱۳۸۷: نگاهی به مدیریت بحران در ایالات متحده آمریکا، چاپ دوم، پویش، ۳۴۷.
۵. تقوایی، مسعود، نرگس علی محمدی، ۱۳۸۵: زلزله و پیامدها و بحرانهای ناشی از آن در شهرها، بنا، ۲۷، صص ۸۳-۱۰۷.
۶. حاتمی نژاد و دیگران (۱۳۸۸) ارزیابی میزان آسیب پذیری لرزه‌ای در شهر: نمونه مورد مطالعه منطقه‌ی ۱۰ شهرداری تهران. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره‌ی ۶۸، تهران.
۷. حمیدی، ملیحه (۱۳۷۴) ارزیابی قطعه بندی اراضی و بافت شهری در آسیب پذیری مسکن از سوانح طبیعی، مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران.
۸. رضایی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، ارزیابی تاب‌آوری اقتصادی و نهادی جوامع شهری در برابر سوانح، نمونه موردی زلزله محله‌های شهر تهران «فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت بحران، شماره ۳، ص ۲۲-۳».
۹. روستا، مجتبی، ابراهیم زاده، عیسی، ایستگلدی مصطفی، تحلیل تاب‌آوری کالبدی در برابر زلزله مطالعه موردی؛ بافت فرسوده‌ی شهر مرزی زاهدان، جغرافیا و توسعه شماره ۴۶ بهار ۱۳۹۶، صص ۱۸-۱.
۱۰. زیباری، یوسفعلی، عباداله زاده ملکی، بهناز، بهزادپور، الناز. (۱۳۹۷). ارزیابی میزان تاب‌آوری کالبدی در برابر مخاطرات زلزله با رویکرد دستیابی به مدیریت پایدار (مورد مطالعه: منطقه یک تهران). فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی. ۱۰(۲)، ۹۷-۱۱۲.
۱۱. طبیبیان، م، و مظفری، ن. (۱۳۹۷). ارزیابی آسیب پذیری بافت‌های مسکونی در برابر زلزله و راهکارهای کاهش آسیب پذیری (مطالعه موردی: منطقه شش شهرداری تهران). مطالعات شهری، ۷(۳۷)، ۹۳-۱۱۲.
۱۲. علی آبادی، سعید؛ گیوه چی سعید؛ اسکندری محمد؛ سرسنگی علیرضا؛ ارزیابی آسیب پذیری بافت تاریخی شهرها در برابر زلزله با استفاده از روش GIS, AHP (مطالعه‌ی موردی: محله‌ی فهادان یزد)، دوفصلنامه علمی پژوهشی مدیریت بحران، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۲ (ص ۶-۱۲).
۱۳. گلکار، کورش، مناسب سازی تکنیک تحلیلی سوات SWOT برای کاربرد در طراحی شهری، ۱۳۸۵ نشریه علمی - پژوهشی صفه، شماره ۴۱.
۱۴. محمدی سرین دیزج مهدی. تحلیل تاب‌آوری فیزیکی- کالبدی نواحی شهری بر مبنای سناریو در زمان وقوع زلزله- مورد مطالعه: شهر زنجان. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. ۱۴۰۰؛ ۲۱ (۶۰): ۸۵-۶۵.
۱۵. مهندسین مشاور پرداز، طرح بازنگری منطقه ۸ شهرداری شیراز، ۱۳۹۲.
۱۶. نظم فر، حسین؛ پاشازاده، اصغر، ارزیابی تاب‌آوری شهری در برابر مخاطرات طبیعی. مطالعه موردی: شهر اردبیل، مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه گلستان سال هشتم/ شماره بیست و هفتم/ بهار ۱۳۹۷/ صص ۱۰۲-۱۱۶.
۱۷. یاراحمدی، منصوره، نیک پور، عامر، لطفی، صدیقه. (۱۳۹۸). بررسی میزان تاب‌آوری کالبدی شهر در برابر زلزله (مورد مطالعه: نورآباد ممسنی). کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی ۷(۲): ۱۴۷-۱۷۱.
18. Anisur, R, M. (2011) developing a model for Finding by Optimum Location for Urban Facilities by using GIS Department of City& Regional Planning.
19. Banica, A., Rosu, L., Muntele, L., & Grozavu, A., (2017). Towards Urban Resilience: A Multi-Criteria Analysis of seismic Vulnerability in Iasi city (Romania). Sustainability 2017, 9, 270.
20. Chen, S.-J., & Hwang, C.-L. (1992). Fuzzy multiple attribute decision making: Methods and applications. New York: Springer.

21. Mayunga, J. S. (2007). Understanding and applying the concept of community disaster resilience: A capital-based approach. A Draft Working Paper Prepared for the Summer Academy for Social Vulnerability and Resilience Building, Munich.
22. Sharifi, A., Roosta, M., & Javadpoor, M. (2021). Urban Form Resilience: A Comparative Analysis of Traditional, Semi-Planned, and Planned Neighborhoods in Shiraz, Iran. Urban Science, 5(1), 18. doi:10.3390/urbansci5010018.

ارائه راهکارهای تأمین منابع درآمدهای پایدار شهری؛ مطالعه موردی: شهرداری مهاباد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۳

کد مقاله: ۲۹۳۱۸

عبدالناصر رسولی*

چکیده

این پژوهش با هدف مطالعه و شناخت منابع مالی و درآمدی شهرداری مهاباد طی سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ انجام شده است. نوع تحقیق در این پژوهش کاربردی و روش بررسی آن توصیفی-تحلیلی است. گردآوری اطلاعات هم به صورت کتابخانه‌ای و هم میدانی و مصاحبه با گروه مطالعات درآمد شهرداری مهاباد صورت گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در طی این سالها نسبت کل هزینه‌ها به درآمدها همواره کمتر از یک بوده و میانگین این نسبت‌ها در طی این سالها ۸۴٪ بوده است و درآمدها همواره بیشتر از هزینه‌ها بوده است. از طرفی با توجه به دسته‌بندی منابع درآمدی پایدار و ناپایدار در شهرداری مهاباد طی سال ۹۸-۹۹ مجموع درآمدهای پایدار و ناپایدار به ترتیب چیزی در حدود ۲۰ و ۸۰ درصد بوده است و بیانگر این است که درآمدهای شهرداری مهاباد در طی سالیان اخیر به شدت ناپایدار بوده است. عمده‌ترین منبع درآمدی شهرداری مهاباد درآمدهای حاصل از فروش اموال در حدود ۳۷ درصد از کل درآمدها بوده است. این منبع درآمدی که درواقع جزو منابع ملی و ثروت شهروندان محسوب می‌شود می‌تواند با اجاره‌داری یا اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری به درآمدهای پایدار برای شهرداری بدل شوند. با توجه به نقش گردشگری-فرهنگی شهر مهاباد پیشنهاد می‌شود که شهرداری مهاباد با مشارکت بخش خصوصی بر اجرای طرح‌های درآمدزای تجاری و تفریحی در شهر مهاباد مبادرت کند. از طرفی توریسم درمانی باوجود ارزانی خدمات ارائه شده به بیماران و اسکان طولانی مدت توریست‌ها در استان به‌منظور تکمیل دوره درمان خود، می‌تواند درآمد قابل توجهی عاید اقتصاد شهری و شهرداری کند.

واژگان کلیدی: منابع مالی شهرداری‌ها، مالیات و عوارض شهری، درآمدهای پایدار، شهرداری مهاباد

۱- مقدمه

در دهه‌های اخیر مدیریت شهری در ایران به‌طور فزاینده‌ای با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بوده است که ناشی از عوامل گوناگون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اجرایی، مالی و حقوقی متعددی است، بدیهی است که یکی از مسائلی که بر ابعاد مشکلات و معضلات حاضر افزوده، رشد توسعه سریع و شتابزده و غالباً بی‌رویه شهرها به واسطه رشد سریع جمعیت شهری بوده است (شعوری ونوعهدی، ۱۳۹۷: ۳۲۶). در دنیایی که ساخت و سازهای بدون برنامه، گرایش به سمت حومه‌نشینی و بروز تغییرات فراوان در ساختار شهرها (Cianciara, 2010: 197) تقاضای عظیمی جهت توسعه زیرساخت‌های پایه بوجود آورده (Fletcher, J., & McArthur, 2010: 815) در این راستا، توجه به برنامه‌های نوین شهری که همسو با اندیشه‌های پارادایم غالب توسعه پایدار، در صدد کاهش مسائل و مشکلات شهری می‌باشند از اهمیت بسیاری برای شهرداری‌ها به‌عنوان مدیر و مرجع اصلی هماهنگ کننده اداره امور شهر (منتظری، ۱۳۹۱: ۴۱)، برخوردارند. در این رابطه کشور ایران نیز همراه با سایر کشورهای جهان در حال توسعه، شاهد رشد و گسترش شهرنشینی بوده‌ایم و تحولات سریع جمعیت ایران، از بزرگترین عوامل تأثیرگذار در برنامه‌های توسعه شهری ایران بوده (سیدمصطفوی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۷) که در دهه‌های اخیر، اثرات شگرفی بر ساختار اجتماعی، اقتصادی و کالبدی کشور بر جای گذاشته و باعث برهم خوردن تعادل‌های منطقه‌ای شده که می‌توان ریشه این مسئله را در نحوه توزیع منابع در سطح این مناطق و تجمع تبعیض‌آمیز سرمایه در این فضاهای منطقه‌ای، جستجو نمود. در این میان شهرداری‌ها به‌عنوان مدیر و مرجع اصلی هماهنگ کننده اداره امور شهر (شریف‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۱)، نقش بسیار مهمی در حل معضلات شهرنشینی دارند که این مهم مسلماً در سایه وجود منابع مالی مناسب و پایدار مقدور خواهد بود. بنابراین در میان بخش‌های مختلف مدیریت شهری، تأمین منابع مالی و درآمدی شهرداری‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا از یک سو کسب درآمد شهرداری‌ها، تأثیر عمده‌ای در ارائه خدمات به شهروندان دارد و از سوی دیگر فقدان درآمد کافی نه تنها سبب عدم ایجاد خدمات ضروری در شهر می‌شود، بلکه اساساً اجرای تمامی طرح‌ها و برنامه‌های شهری را با مشکل مواجه می‌نماید (جمشیدزاده، ۱۳۸۲: ۲۹). همچنین عدم برخورداری از منابع مستمر و پایدار درآمدی، برنامه‌ریزی مالی و بودجه‌ای شهرداری‌ها را مختل و هزینه‌های رو به تزاید شهرداری‌ها در سال‌های آتی را با مشکل مواجه خواهد نمود (قادری، ۱۳۸۵: ۲۳). بگونه‌ای که برخی نظیر پیتر مارتین معتقد است که مهم‌ترین چالش مدیریت شهری در هزاره سوم، حول هزینه‌ها متمرکز خواهد بود و تحصیل درآمد، کانون سیاستگذاری‌ها در سطح مدیریت محلی قرار خواهد گرفت (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸). کسب درآمد از منابع پایدار در طول زمان موجب تقویت شهرداری می‌شود که این خود سبب می‌گردد شهرداری نقش فعال‌تر و مفیدتری در محیط شهری ایفا نماید و پاسخگویی مناسبی به نیازهای شهروندان در محیط شهری داشته باشد (Kamel & Zhao, 2015: 97). در کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ایران که دارای سیستم اقتصادی ناکارآمد، نظام‌های مالیاتی ضعیف در تأمین هزینه‌های شهر می‌باشند، سیستم تأمین درآمد شهرداری‌ها به سمت منابع درآمدی ناپایدار کشیده می‌شود (Vosoufhi et al., 2016: 24).

اهمیت موضوع زمانی روشن می‌شود که بدانیم بیش از ۹۵ درصد از منابع مالی شهرداری‌ها از محل درآمدهای محلی درون شهرها تأمین می‌شود و وابستگی به کمک‌های بلاعوض دولتی کمتر از ۵ درصد است. اگر چه از ابتدای تأسیس بلدیة درسال ۱۲۸۶ (ه.ش) و به دنبال آن در قانون جدید شهرداری‌ها در سال ۱۳۰۹ (ه.ش) قوانینی در زمینه تأمین هزینه‌های شهری وضع شده است اما درآمد حاصل، چندان زیاد نبوده و نظام شهری به کمک‌های دولتی بسیار متکی بوده است (صفری، ۱۳۸۳: ۳۳۱). طرح موضوع خود-کفایی و خود اتکایی شهرداری‌ها در سال ۱۳۶۲ و به دنبال کاهش وابستگی درآمدی شهرداری‌ها به دولت و با توجه به تشدید مسائل و مشکلات شهرها در نتیجه رشد جمعیت و مهاجرت‌ها، حجم زیاد تقاضا برای خدمات شهری و اتکای شهرداری‌ها به درآمدهای ناپایدار، شرایط کار را برای متولیان امور در شهرداری‌ها دشوار کرده است (نجاریان بهنمیری، ۱۳۷۸: ۲). بنابراین عدم برخورداری از منابع پایدار درآمدی، می‌تواند پایه‌گذار بسیاری از مسائل باشد که شهر و شهرداری یک شهر را حتی از رسیدن به اهداف کوچک خود نیز بازدارد. در همین راستا فقدان نگرش جامع به منابع درآمدی شهرداری‌ها در قالب نظام کلان اقتصادی کشور، تغییرات و مداخلات موردی، اجرای سیاست خود اتکایی و خودکفایی شهرداری‌ها، بخش درآمدی شهرداری‌ها را در وضعیت ناپایداری قرار داده است. به نحوی که در ادامه این وضعیت آثار نامطلوبی و هزینه‌های اجتماعی، فرهنگی و زیرساختی را برای مدیریت شهری مهاباد به دنبال داشته است (مددی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۴۶). بنابراین با توجه به اهمیت موضوع و تأثیر آن در رشد و توسعه یک شهر، مقاله حاضر با طرح سؤال ذیل، به بررسی روش‌های منابع درآمدی شهرداری‌ها و ارائه راهکار تأمین درآمدهای پایدار شهری شهرداری مهاباد می‌پردازد.

در این زمینه موضوع مورد بحث تحقیقاتی به شرح زیر صورت گرفته است:

سیدمصطفوی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل منابع تأمین درآمد پایدار در راستای توسعه شهری (مطالعه موردی: شهر تهران) مورد بررسی قرار داده و نتایج نشان داده که نتایج حاصل از این بخش نشان داد که میانگین در اکثریت گویه‌ها بیش از حد وسط بوده است این امر بیانگر اهمیت بسزای مولفه‌ها در دستیابی به پایدار درآمدی می‌باشد. در مرحله دوم عوامل ایجاد ناپایداری درآمد شهرداری مورد بررسی قرار داده شدند و در تحلیل نهایی میزان موفقیت روش‌های تأمین مالی در مقایسه پها روش‌های ناپایدار درآمدی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای مستقل نشان داد که بیشترین میانگین متعل به درآمد حاصل از توسعه و عمران شهری (۳/۷۰) و کمترین میانگین نیز به مولفه درآمدهای حاصل از دریافت بهای اقدامات ارائه شده به شهروندان (۳/۰۴) تعل دارد. در بخش میزان موفقیت روش‌های نوین درآمد پایدار نیز نتایج نشان دهنده عدم موفقیت

روش ها در اکثر زمینه ها می باشد؛ چرا که تنها گویه عدم وابستگی به نوسانات بازار (۳/۱) می باشد که بیش از حد وسط می باشد و گویه انصاف در حق برخورداری از منابع و ثروت های عمومی نیز در حد وسط (۳/۰۰) قرار گرفته است و مابقی گویه ها میانگینی کمتر از حد وسط دارند.

سیدمصطفوی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله ای با عنوان، تاثیر درآمدهای پایدار و ناپایدار شهرداری در توسعه کلانشهر تهران، مورد بررسی قرار داده و نتایج نشان داده که نتایج به دست آمده نشان دهنده الگوی مطلوب تأمین مالی شهرداری می باشد. بدین معنی که شهرداری تهران باید در ساختار نظام درآمدی خود به گونه ای برنامه ریزی و سیاستگذاری نماید که اصل عدالت، اصل صرفه جویی، اصل کفایت درآمد و اصل استقلال محلی را در نظر گیرد.

راغب و شهری (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان، کمبود منابع مالی در شهرداریها و جایگزینی درآمدهای پایدار، مورد بررسی قرار داده و نتایج نشان داده که علت روی آوردن به منابع درآمدی پایدار این می باشد که هزینه های شهری پایدار، اما درآمدهای شهرداری ناپایدار می باشد، از اینرو کسب درآمد از منابع پایدار در طول زمان موجب تقویت شهرداریها و فعالیتها و مفیدتر شدن نقش آنها در مدیریت امور شهری می شود و سبب میگردد پاسخگویی مناسبی به نیازهای شهروندان در محیط شهری داشته باشند.

شریف نژاد و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله ای با عنوان، ارزیابی مولفه های تاثیرگذار بر پایداری ساختار درآمدی شهرداری ها (مطالعه موردی: کلانشهر اصفهان)، مورد بررسی قرار داده و نتایج نشان داد که با توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده های آماری قابل استنتاج است که ساختار درآمدی شهرداری اصفهان ناپایدار بوده است و مواردی که جزو درآمدهای پایدار محسوب می گردند نیز به سختی از طرف شهرداری قابل وصول هستند. یافته های تحقیق نیز حاکی از آن است که بیشترین تاثیر گذاری بر پایداری ساختار درآمدی شهرداری اصفهان مربوط به مؤلفه های برنامه ریزی درآمدها و هزینه ها و طبقه بندی فعالیت های شهرداری در سیستم بودجه بندی و سیستم مالی؛ رجوع به بازارهای مالی و پولی خارجی و تنوع بازارهای پولی شهرداری برای تأمین مالی؛ برنامه و کلاس های آموزشی جهت توجیه کارکنان نظام تشخیص و وصول عوارض شهرداری اصلاح نرخ عوارض و مالیات محلی توسط دولت در سال های متوالی؛ و استفاده از نرم افزارها و سخت افزارهای اداری و رایانه ای هوشمند به ترتیب با ارزش ۹۲/۰، ۸۹/۰، ۸۶/۰، ۸۲/۰ و ۷۸/۰ می باشد.

مددی و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله ای با عنوان، تحلیل روش های تأمین منابع مالی شهرداری تبریز با تأکید بر درآمدهای پایدار، مورد بررسی قرار داده و نتایج نشان داد که بیشترین مبلغ درآمدهای پایدار برای سال ۱۳۹۴ و کمترین رقم برای سال ۱۳۹۲ ثبت شده و از سال ۱۳۹۴ به بعد منابع درآمدی پایدار شهرداری کلانشهر تبریز سیر نزولی داشته است. علیرغم کاهش منابع درآمدی ناپایدار کلانشهر تبریز در سال ۱۳۹۶ به نسبت سال ۱۳۹۲ در کل بودجه، میزان درآمد کلی این کلان شهر در بالاترین سال خود (۱۳۹۴) نسبت به سال ۱۳۹۶ افت داشته است. بخش قابل توجهی از کاهش میزان درآمد ناپایدار کلان شهر تبریز به نسبت در آمد پایدار آن در نتیجه کاهش درآمد کلی شهر بوده و ارتباطی با مدیریت درآمدهای پایدار آن ندارد. از ۴۸ عامل مؤثر بر توسعه پایدار درآمدهای شهرداری تبریز ۱۰ عامل مورد اشاره در ادامه با بالاترین امتیاز تأثیر گذاری مستقیم شناسایی گردید: A13، A3، A4، A7، A10، A1، A2، A6، A8، A5.

۲- مبانی نظری

۲-۱- شهرداری

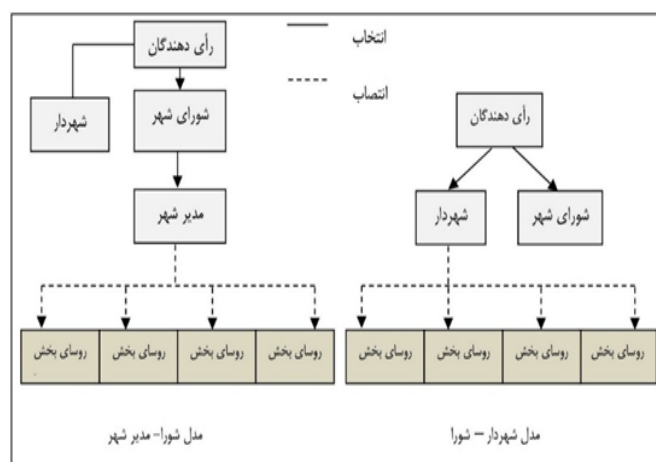
شهرداری^۱ و به ناحیه ای اطلاق می شود که در آن، یک انجمن مربوط به شهر، دارای صلاحیت اعمال قدرت سیاسی بوده و خدمات دولتی محلی را مانند فاضلاب، پیش گیری از جرم و جنایت و خدمات آتش نشانی به عموم ارائه می دهد (قادر و قادری، ۱۳۹۶، ۱۲). در ایران، طرز تلقی عامه مردم از شهرداریها با آنچه که این سازمانها برای رسیدن به اهداف مورد نظر بوجود آمده اند بسیار متفاوت می باشد. از نظر عامه، شهرداری نهادی خدماتی است و این موضوع، جایگاه آن را به سطح بسیار پایینی تنزل داده است. در نظر عامه شهرداری سازمانی است که خدمات شهری ارائه می دهد و بهای آن خدمات را دریافت می کند (کامیار، ۱۳۹۵، ۴۸). در حقیقت، در تعریف شهرداری می توان آن را سازمانی غیردولتی و غیرانتفاعی و مردمی دانست که اداره و مسؤولیت و مدیریت امور شهری را با مجوز دولت و با امکانات مردمی به دست آورده تا به منظور ایجاد و اداره کردن تأسیسات عمومی و وضع و اجرای نظامات شهری و تأمین نیازمندی های مشترک محلی فعالیت کند و هزینه خدماتی را که به آن واگذار گردیده با اسلوبی منطقی و عادلانه بین سکنه شهر و استفاده کنندگان از خدمات تقسیم نماید. تعریف کلی و اساسی شهرداری در ایران اینگونه می باشد: شهرداری موسسه ای عمومی، غیردولتی و مستقل است که به موجب قانون در شهرها تشکیل می شود و عهده دار امور محلی و اداره خدمات به شهروندان و سکنه شهری می باشد. به موجب ماده ۳ قانون شهرداری، شهرداری شخصیت حقوقی مستقلی دارد (کامیار، ۱۳۹۵، ۴۸).

۲-۲- تعریف درآمدهای پایدار

در اقتصاد شهری، درآمدهای پایدار باید از دو خصیصه تداوم پذیری و حفظ کیفی محیط شهری برخوردار باشند. تداوم پذیری به این مفهوم است که اقلام درآمدی باید به گونه ای باشند که در طول زمان قابل اتکا بوده و برای دستیابی به آن بتوان برنامه ریزی های لازم را انجام داد؛ بنابراین کلیه اقلام درآمدی که به هر دلیل تحت تأثیر شوک ها، بحران ها، تغییر قوانین و مقررات و نوسانات اقتصادی قرار می گیرند، قابل اتکا نبوده و خصیصه اول پایداری را ندارند. از طرف دیگر، درآمدهای پایدار باید به گونه ای تعریف شوند که دستیابی به آن ها شرایط کیفی شهر را به عنوان پدیده ای زنده، در معرض تهدید و تخریب قرار ندهد. به عبارتی دیگر، مطلوب بودن و سالم بودن درآمد، حائز اهمیت است. در واقع چنین نگرشی به درآمدهای شهری، همان نگرشی است که اقتصاددانان طی قرن بیستم بر آن در اقتصادهای مهمی تأکید داشته اند (حاجی لو و همکاران، ۱۳۹۶، به نقل از: شریزه ای، ۱۳۸۷).

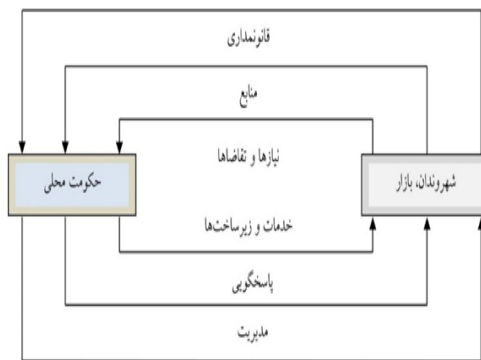
۲-۳- رویکرد حکمرانی خوب شهری

شهر به عنوان یک منبع توسعه مطرح است و جایگاه مدیریت شهری در روند توسعه شهر و بهبود سکونتگاه های شهری نقش بسیار مهم و تعیین کننده دارد و کلان شهرها با هویتی پیچیده و پویا از شرایط محیط رقابتی موجود متأثرند (شریف نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۹). پس آینده بشر در فضاهای کلان شهری رقم خواهد خورد و آنگاه این کلانشهرها خواهند بود که جلوه گاه برنامه ها و طرح های مختلف در خصوص مدیریت مطلوب خواهند شد. در واقع مدیریت شهری پدیده ای است که ماهیتا نزدیکی زیادی با دموکراسی و دخالت فعال شهروندان در اداره امور مربوط به خود دارد این مهم به جامعه ای پویا نیاز دارد در چنین جامعه ای مدیران شهری نمایندگان شهروندان به حساب آمده و برای جلب رضایت آنان ناچار به پاسخگویی اند. ساختار مدیریت شهری یکی از ابعاد بسیار مهم حکمروایی خوب شهری محسوب می شود (آخوندی، ۱۳۸۷: ۱۳۷). این مورد، بیشتر از این جهت اهمیت دارد که نحوه مدیریت بر جریان مطلوب زندگی شهری، می تواند در بهبود سکونتگاه های انسانی و پایداری توسعه شهری، مهم ترین نقش را ایفا کند. زیرا عامل اجازه دهنده و تنظیم کننده برنامه های شهری از کارایی مدیریت شهری نشأت می گیرد. در این زمینه، تولید منطقی انرژی، کاهش مصرف غیرضروری و بازیافت منابع طبیعی از جمله زمینه های تلقی شهر به عنوان یک منبع توسعه است بدین سان مدیریت شهری عبارت از سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهر است (مظفری و همکاران، ۱۳۹۵: ۶). شکل شماره ۱ نشان دهنده مدل های غالب مدیریت شهری در ایران می باشد.



شکل ۱- مدل های اصلی و غالب مدیریت شهری (ماخذ: آخوندی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

حکمرانی شهری، طبق تعریف زیست بوم سازمان ملل عبارت است از مجموع روش های برنامه ریزی و مدیریت عمومی شهر از سوی افراد، نهادهای عمومی و نهادهای خصوصی و نیز فرایند مستمری است که از آن طریق، منافع متضاد یا متعارض با یکدیگر همراه شده و زمینه همکاری و کنش متقابل فراهم می آید. طبق این تعریف حکمرانی شهری، هم نهادهای رسمی و هم اقدامات غیر رسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان را در بر می گیرد (UN-HABITAT, 2016). هدف از حکمرانی خوب شهری تقویت فرایند توسعه شهری است به گونه ای که در جامعه، زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت و کارآمد شهروندان، به تناسب ویژگی های اجتماعی و اقتصادی آنان فراهم شود (نوبری، ۱۳۸۹: ۱۱). یکی از جنبه های مهم نظریه حکمروایی خوب شهری، همان بعد مشارکت است چرا که اصل و بنیان نظریه مذکور بر حکومت مردمی استوار است. یعنی حکومتی که مردم اداره امور را بر عهده خواهند داشت (Dekker & Kempen, 2014: 43).



شکل ۲- ساخت الگوی حکمرانی خوب شهری (ماخذ: اسماعیل زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

در واقع حکمرانی خوب- شهری به دنبال جلب رضایت شهروندان از مدیریت شهری و در رأس آن شهرداری ها می باشد. آنچه مسلم است، باز گرداندن آرامش به شهروندان در محیط متلاطم و ناپایدار و متحول شهری، کاستن از میزان نارضایتی شهروندان در برابر شهرداری، تبدیل حالت هول و هراس به امنیت خاطر، و تقویت روحیه مشارکت جویی شهروندان نسبت به تصمیمات شهری و افزایش میزان همدلی شهروندان با مدیریت شهری به طور عام و با شهرداری به صورت خاص، در چارچوب پارادایم مدیریت شهری و به خصوص حکمروایی خوب شهری قابل حل است (مددی وهمکاران، ۱۳۹۹، ۲۳).

۴-۲- مروری بر منابع درآمد و هزینه شهرداری ها

منابع درآمدی حکومت های محلی

دو اصل پایه برای تعیین درآمد حکومت های محلی وجود دارد که عبارتند از:

۱. درآمد ناشی از منابع داخلی: این منبع، برای تأمین مالی ارائه خدمات اولیه به شهروندان توسط حکومت های محلی کسب میشود و در واقع منابعی هستند که از فرایندهای جاری درون شهری به دست می آیند و تعیین ملاکهای دریافت و جمع آوری آن معمولاً بر عهده حکومت محلی است؛ مانند مالیات ها و عوارض دریافتی از شهروندان.
۲. درآمد ناشی از منابع خارجی: منابعی هستند که محل تأمین آنها معمولاً نهادهای خارج از چارچوب حاکمیتی حکومت محلی است و حکومت محلی، نقش کمرنگ تری در تصمیم گیری برای میزان و نحوه دریافت آن دارد؛ مانند کمک های میان حکومتی (حاجی لو و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲). منابع درآمدی سنتی حکومت های محلی عبارتند از:
 - بهای خدمات: آب، فاضلاب، پسماند، کسب و پیشه، مالیات بر مستغلات و سایر موارد
 - درآمد مالیاتی: مالیات های محلی با سهمی از مالیات های ملی
 - کمک یا وام گرفتن از حکومت های مرکزی
 - تسهیلات اعتباری و وام های کوتاه مدت از بانک ها و بخش خصوصی
 - وام بلندمدت و سایر منابع درآمدی برای هزینه های سرمایه ای که حکومت های محلی به خوبی می توانند از تأمین مالی بازارها برای افزایش منابع از آن بهره ببرند؛ مانند اوراق قرضه
 - دارایی املاک شهری: مانند ساختمان ها و اراضی
 - منابع ناشی از وقف، وام و ... (Dirie, 2015).

۵-۲- مفهوم درآمد پایدار و شاخص های آن

در اقتصاد شهری، درآمدهای پایدار باید از دو خصیصه تداوم پذیری و حفظ کیفی محیط شهری برخوردار باشند. تداوم پذیری به این مفهوم است که اقلام درآمدی باید به گونه ای باشند که در طول زمان قابل اتکا بوده و برای دستیابی به آن بتوان برنامه ریزی های لازم را انجام داد؛ بنابراین کلیه اقلام درآمدی که به هر دلیل تحت تأثیر شوکها، بحران ها، تغییر قوانین و مقررات و نوسانات اقتصادی قرار می گیرند، قابل اتکا نبوده و خصیصه اول پایداری را ندارند. از طرف دیگر، درآمدهای پایدار باید به گونه ای تعریف شوند که دستیابی به آنها شرایط کیفی شهر را به عنوان پدیده ای زنده، در معرض تهدید و تخریب قرار ندهد. به عبارتی دیگر، مطلوب بودن و سالم بودن در آمد، حائز اهمیت است. در واقع چنین نگرشی به درآمدهای شهری، همان نگرشی است که اقتصاددانان طی قرن بیستم بر آن در اقتصادهای ملی تأکید داشته اند (شرزه ای، ۱۳۸۷). همچنین براساس طرح جامع درآمدهای پایدار و سایر منابع مالی شهرداری مهاباد، درآمدهای پایدار، آن دسته از درآمدهای شهرداری هستند که از خصایص زیر برخوردارند (اداره کل تشخیص و وصول درآمد شهرداری ها، ۱۳۹۶):

۱. **تداوم پذیری:** دارای ثبات بوده و حداقل در کوتاه مدت دچار نوسانات شدید نشوند.
۲. **انعطاف پذیری:** پایه درآمدی طی زمان بزرگ شود و همپا با گسترش مخارج گسترش یابد تا از مضیقه مالی اجتناب شود و برای وصول آن بتوان برنامه ریزی های اجرایی لازم را تعریف کرد.
۳. **مطلوب بودن:** کسب درآمد از آن محل، موجب ارتقای رویکرد عدالت محوری شود و به ساختارهای زیست محیطی، کالبدی، اجتماعی و اقتصادی لطمه نیاورد. شاخص مطلوبیت را می توان به چهار زیرشاخص مطلوبیت اقتصادی شهر، مطلوبیت کالبدی شهر، مطلوبیت زیست محیطی شهر و مطلوبیت اجتماعی شهر تقسیم کرد که در ادامه تعریف هر یک آورده شده است منظور از مطلوبیت اقتصادی، توجه به ساختارهای اقتصادی با در نظر گرفتن معیارهایی مانند: افزایش میزان درآمد، کاهش نرخ

بیکاری در شهر، افزایش بودجه مدیریت شهری، افزایش تعداد پروژه های عمرانی در شهر، کاهش میزان رشد تورم (سپهوند و عارف نژاد، ۱۳۹۲) و غیره است.

۲-۶- درآمد پایدار شهری

درآمد پایدار به درآمدهایی گفته می شود که مداوم، سالم و مطلوب باشند. یعنی نوسانات اقتصادی و اجتماعی تأثیری در دریافت و میزان آن تأثیر نداشته، سلامت شهری را تضمین نماید و آثار زیست محیطی منفی نداشته باشد (2011:55 Hassanzadeh) طبق نظر انجمن دولت های محلی استرالیا تعریف تأمین مالی پایدار زمانی اتفاق می افتد که توانایی دولت برای مدیریت منابع مالی اش به اندازه ای باشد که بدون تغییر برنامه ریزی نشده در مالیات ها، بتواند تعهدات حال و آینده اش را برای ارائه خدمات برآورده کند (Heydipour, 2019,42). بر این اساس از مهم ترین منابع درآمدی پایدار شهرداری ها، درآمد عوارض نوسازی و عوارض پسماند، عوارض سطح شهر، کسب و پیشه، مالیات بر مستغلات، عوارض سالانه اتومبیل می باشند (2010: 63 Jamshidzadeh).

۲-۷- استراتژی های درآمدی شهرداری ها

استراتژی اول: افزایش درآمدهای افزود: زمانی که دولت های محلی گزینه افزایش درآمدهای افزوده را در نظر می گیرند، اهمیت دادن به رعایت عدالت در پرداخت مالیات و هزینه های استفاده کنندگان نکته ای مهم است، یعنی تساوی حقوق در اینکه چطور منافع و هزینه های بودجه های مدیریت شهری باید در میان شهروندان توزیع شود؛ بنابراین زمانی که سطح یکسان به کار گیری کاربران کاهش می یابد بر طبق اثر توزیع مجدد بودجه محلی، از برخی مزایا استفاده می کنند (2011:116 Hassanzadeh).

استراتژی دوم: برنامه ریزی هزینه ها جهت بهبود اثربخشی و کارایی: بهبود اثربخشی و کارایی خدمات شهری، کاهش هزینه ارائه خدمات در سطوح مختلف را به دنبال دارد و نوع و ماهیت شایسته ترین خدمات برای دستیابی به اهداف را تضمین می کند. روش های اصلی برای بهبود اثربخشی و کارایی شهرداری ها عبارت اند از بهبود برنامه ریزی و بودجه بندی سیستم های مدیریت شهری، اجرای روش های کم هزینه جهت ارائه خدمت تضمین سرمایه های کافی در دسترس برای عملیات و پشتیبانی از ساختار مرکزی.

استراتژی سوم: مشارکت خصوصی در حوزه مالی خدمات شهری: با توجه به تجربیات کشورهای پیشتاز در امر خدمات رسانی به شهروندان، راهی جز تقویت همکاری بخش دولتی خصوصی که در بر گیرنده مشارکت فعال سازمان های غیر دولتی برای توسعه کیفی محیط شهری است نمی توان تصور کرد. برون سپاری تأمین و انتقال خدمات و زیرساخت ها به بخش خصوصی پلی میان شکاف کمبود عرضه خدمات و تقاضای در حال افزایش است (2011: 120 Hassanzadeh). فرهنگ سازی برای برانگیختن حس مسئولیت شهروندان در این زمینه از وظایف شهرداری می باشد (Slack,2016: 12).

۲-۸- شرایط تحقق پایداری در درآمدها

- در نظر گرفتن عدالت در هر گونه سیاست گذاری در آمدی و بازنگری در سامانه های کنونی: در فرایند ایجاد پایداری در درآمد شهرداری نکته اساسی که باید به آن توجه شود، رعایت توان پرداخت شهروندان در هر گونه سیاست گذاری در آمده است.

- حمایت دولت مرکزی با حرکت اصلاحی: بخش بزرگی از منابع بخش عمومی در قالب مالیات های گوناگون در اختیار دولت مرکزی است. تجربیات جهانی نشان می دهد که موازنه های منطقه ای در تقسیم وظایف و مسئولیت ها میان رده های مختلف حکومت و تقسیم منابع بخش عمومی (مالیات ها) وجود دارد، تقسیم بندی مالیات ها به ملی و محلی از این دیدگاه قابل بررسی است.

- همراهی و همگامی شهروندان و استفاده کنندگان خدمات شهری با حرکت اصلاحی: کیفیت مطلوب زندگی نیازمند تأمین منابع پایدار و سالم برای انجام فعالیت های خدماتی و عمرانی به دست شهرداری است. این مهم با احساس مسئولیت و همراهی شهروندان در تأمین منابع تحقق می یابد (Bartkowiak, 2017: 83).

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر در سطح شهر مهاباد انجام شده است. این پژوهش از نوع کاربردی و روش بررسی آن توصیفی تحلیلی است. داده ها هم با روش اسنادی و بررسی اطلاعات و درآمدها و هزینه های شهرداری مهاباد برای سال های ۱۳۹۳-۱۳۹۹ و هم به صورت میدانی و از طریق مصاحبه با رئیس گروه مطالعات درآمد شهرداری مهاباد در خصوص وضعیت درآمدی شهرداری مهاباد و شاخص های تعیین کننده درآمدهای پایدار و همچنین موانع پیش روی شهرداری مهاباد در راستای کسب درآمدهای پایدار بدست

آمده است. نوع مصاحبه به صورت نامنظم یا آزاد بوده است. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار Excel صورت گرفته است. در این پژوهش متغیرها کدهای درآمدی شهرداری مهیاد شامل عوارض بر فروش کالا و ارائه خدمات، عوارض نوسازی، عوارض اتباع خارجی، فروش اموال شهرداری، عوارض بر پروانه های ساختمانی و... می شوند که با توجه با شاخص پایداری و ناپایداری بررسی شده اند.

۴- ویژگی های منطقه (وضعیت موجود)



شکل ۳- موقعیت شهرستان مهیاد و استان در کشور
(طرح جامع شهر مهیاد، ۱۳۹۵)

مهیاد یکی از شهرهای بزرگ استان آذربایجان غربی می باشد. این شهر در جنوب استان و در دامنه رشته جبال لند شیخان کوهستانی و خوش آب و هوا قرار دارد. مهیاد شهری است که در ساحل شرقی رودخانه مهیاد واقع شده است و امروز به خاطر قرار گرفتن در مرکز تلاقی سه استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی کردستان از اهمیت خاصی برخوردار است. شهرستان مهیاد یکی از ۱۲ شهرستان تابعه استان آذربایجان غربی است که در محدوده فعلی تقسیمات کشوری خود دارای یک مرکز شهری، ۲ بخش و ۵ دهستان است. مساحت این شهرستان در حدود ۲۷۰ کیلومتر مربع می باشد که تقریباً ۷,۲ درصد کل استان است. شهرستان مهیاد بر اساس آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵ جمعیتی بالغ بر ۲۳۱۰۹۸ نفر در محدوده فعلی تقسیمات کشوری خود دارد که ۶,۳ درصد جمعیت استان آذربایجان غربی است. (طرح جامع شهر مهیاد، ۱۳۹۵).

۵- بحث و تحلیل یافته ها

طبق جدول و با بررسی روند درآمدها و هزینه های شهرداری شهر مهیاد طی سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ مشاهده می کنیم که در طی این سالها نسبت کل هزینه ها به درآمدها همواره کمتر از یک بوده و میانگین این نسبت ها در طی این سالها ۰,۸۴ می باشد (جدول ۱). این نسبت حاکی از آن است که شهرداری مهیاد طی این دوره با کمبود درآمد مواجه نبوده و درآمدها همواره بیشتر از هزینه ها بوده است.

جدول ۱- نسبت هزینه به درآمد شهرداری مهیاد طی سالهای ۱۳۹۳-۱۳۹۷ (ماخذ: نگارنده)

متوسط نسبت	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	
-	۲۹۱۱۶۳۵۶۹۷۵۹۲	۳۲۲۳۷۸۵۱۷۳۷۲۳	۱۹۱۸۱۳۹۵۶۸۴۰	۷۳۵۰۱۶۵۸۵۱۶۷	۵۹۴۸۵۳۳۴۲۵۴۷	هزینه ها
-	۳۸۸۶۲۱۴۵۹۵۸۰۰	۳۳۰۷۰۳۰۷۳۸۴۶۷	۲۲۸۲۳۳۴۵۵۴۴۴۳	۸۷۴۷۶۱۳۸۱۹۳۷	۷۶۸۲۷۸۰۰۰۰۰	درآمدها
۰,۸۴		۰,۹۷	۰,۸۴	۰,۸۴	۰,۷۷	نسبت هزینه به درآمد

متوسط سهم هزینه های عمرانی و جاری در طی سالهای ۹۷ - ۱۳۹۳ بیانگر این است که در دوره مورد بررسی هزینه های عمرانی بر هزینه های جاری برتری داشته و حدود ۵۵ درصد بودجه صرف هزینه های عمرانی و ۴۵ درصد بودجه صرف هزینه های جاری شده است (جدول ۲).

جدول ۲- سهم هزینه های عمرانی و جاری از کل هزینه های شهرداری طی سالهای ۹۷ - ۱۳۹۳ (ماخذ: نگارنده)

متوسط نسبت	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	
۵۴/۸۵	۵۱/۹۲	۴۵/۲۱	۷۲/۳۵	۵۱/۱۱	۵۳/۶۶	سهم هزینه های عمرانی از کل هزینه ها
۴۵/۱۵	۴۸/۰۸	۵۴/۷۹	۲۷/۶۵	۴۸/۸۹	۵۶/۳۴	سهم هزینه های جاری از کل هزینه ها

هرچند در طی سالهای گذشته درآمدهای وصولی بر هزینه ها برتری داشته و شهرداری با کمبود درآمد مواجه نبوده اما باید توجه داشت که در طی این مدت شهرداری به شدت وابسته به درآمدهای ناپایدار بوده است. جدول ۳ سهم درآمدهای پایدار و ناپایدار از کل درآمدهای وصولی طی سالهای ۱۳۹۸-۱۳۹۹ را نشان می دهد. با توجه به جدول ۳ حدود ۸۰ درصد درآمدهای

شهرداری از منابع درآمدی ناپایدار به دست آمده است و تنها ۲۰ درصد درآمدها ماهیتی پایدار داشته اند و امکان برنامه ریزی قطعی تنها در مورد این ۲۰ درصد درآمد پایدار وجود داشته است.

جدول ۳- سهم درآمدهای پایدار و ناپایدار از کل درآمدهای شهرداری در سالهای ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ (ماخذ: نگارنده)

متوسط نسبت	۱۳۹۹	۱۳۹۸	
۷۹/۷۸	۸۴/۴۰	۷۵/۱۷	سهم درآمدهای ناپایدار از کل درآمدها
۲۰/۲۲	۱۵/۶۰	۲۴/۸۳	سهم درآمدهای پایدار از کل درآمدها

میانگین نسبت های سالانه هزینه های جاری به درآمدهای پایدار در سال‌ها ۹۹ - ۱۳۹۸ برابر با ۰.۸۲ است (جدول ۴). این بدین معنی است که به طور متوسط طی این سال‌ها ۸۲ درصد هزینه های جاری از درآمدهای پایدار تأمین شده است و شهرداری به منظور جبران کسری بودجه جاری به درآمدهای ناپایدار متوسل شده است و قطع این درآمدها یا ایجاد خلل در حصول این دسته از درآمدها، نظام مدیریت شهری قم را با مشکلاتی جدی مواجه خواهد کرد و شهرداری قادر به خدمت رسانی مطلوب در سطح شهر نخواهد بود. همچنین بررسی میانگین نسبت هزینه های عمرانی به درآمدهای ناپایدار حاکی از این است که تقریباً ۱۰۰ درصد درآمدهای ناپایدار در طی این سال‌ها صرف هزینه های عمرانی می شود (جدول ۵) و در صورت بروز نوسانات در اینگونه درآمدها، شهرداری به منظور بهبود محیط شهری و ایجاد زیرساختهای شهری با بحران مواجه خواهد شد.

جدول ۴- نسبت های سالانه هزینه های جاری به درآمدهای پایدار در سالهای ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ (ماخذ: نگارنده)

متوسط نسبت	۱۳۹۹	۱۳۹۸	
	۱۰۰۷۰۴۵۵۲۶۴۳۴	۱۱۶۵۶۵۴۳۵۷۲۳۲	هزینه های جاری
	۹۷۰۳۲۱۸۷۰۵۶۱	۷۸۱۴۷۶۷۲۹۰۰۰	آمدهای پایدار
۰.۸۲	۰.۹۶	۰.۶۷	نسبت درآمدهای پایدار به هزینه های جاری

جدول ۵- نسبت های سالانه هزینه های عمرانی به درآمدهای پایدار در سالهای ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ (ماخذ: نگارنده)

متوسط نسبت	۱۳۹۹	۱۳۹۸	
	۴۴۵۸۵۶۹۳۲۷۶۴	۲۴۴۱۱۹۶۲۵۶۵۳۳	هزینه های عمرانی
	۵۲۵۰۰۸۸۵۰۸۸۶۹	۲۳۶۵۳۲۰۶۱۶۰۰۰	آمدهای غیر پایدار
۱/۰۷	۱/۱۸	۰.۹۷	نسبت درآمدهای غیرپایدار به هزینه های عمرانی

با بررسی درآمدهای وصولی سالهای ۱۳۹۸-۱۳۹۹ می توان مشاهده کرد که فروش اموال شهرداری با میانگین ۳۶/۹۹ درصد، عوارض بر پروانه های ساختمانی با ۲۲/۰۶ درصد و عوارض مزاد تراکم با ۸/۶۲ درصد و دارایی هایی که به صورت اتفاقی به شهرداری تعلق می گیرد که شامل جرائم و تخلفات ساختمانی است با ۶/۳۶ درصد کدهایی هستند که بیشترین درآمد ناپایدار و همچنین درآمد وصولی شهرداری مهاباد از این موارد به دست آمده اند (جدول ۶) عمده منابع درآمدی شهرداری مهاباد با بازار مسکن و ساخت و ساز مربوط است که با توجه به تغییرات بازار مسکن نوسانات شدیدی دارد.

جدول ۶- شرح درآمدهای ناپایدار شهرداری مهاباد در سالهای ۱۳۹۸-۱۳۹۹ (ماخذ: نگارنده)

درصد درآمدهای ناپایدار از کل درآمدها طی ۱۳۹۸-۱۳۹۹	شرح درآمدهای ناپایدار
۳۶/۹۳	فروش اموال شهرداری
۲۲/۰۶	عوارض بر پروانه های ساختمانی
۸/۶۲	عوارض بر مزاد تراکم
۶/۳۶	دارایی که به طور اتفاقی یا ب موجب قانون به شهرداری تعلق می گیرد (شامل جریمه کمیسیون ماده ۱۰۰، درآمد حاصل از تغییر کاربریها و ...)
۲/۸۰	وام های دریافتی
۱/۱۰	عوارض حذف پارکینگ
۰.۹۷	عوارض بر تفکیک اراضی و ساختمانها
۰.۵۵	اعانات و کمک های اهدایی اشخاص و سازمان های خصوصی
۰.۲۲	کمک های اعطایی دولت و سازمان های دولتی
۰.۱۸	عوارض بر بالکن و پیش آمدگی
۷۹/۷۹	مجموع درآمدهای ناپایدار طی سال ۹۹ - ۱۳۹۸

در بین درآمدهای پایدار شهرداری مهاباد طی سال های ۱۳۹۸-۹۹ عوارض بر فروش کالا و ارائه خدمات و عوارض نوسازی و همچنین عوارض بر اتباع خارجی به ترتیب با ۶/۸۲، ۱/۷۷ و ۱/۰۵ درصد بیشترین نرخ را به خود اختصاص داده اند (جدول ۷). شهر مهاباد با توجه به موقعیت مرزی در کشور و همچنین به عنوان اولین شهر فرهنگی-توریستی استان یکی از شهرهای خدماتی محسوب می شود که این می تواند شهر مهاباد را به عنوان یکی از مراکز ارائه خدمات و کالا معرفی کند. در این شهر بر خلاف بسیاری از شهرهای ایران که عوارض نوسازی بیشترین درآمد پایدار شهرداری ها محسوب می شود، دریافت عوارض نوسازی از شهروندان مهابادی با مشکلاتی همراه است؛ به عنوان مثال قیمت منطقه ای ملک به درستی لحاظ نشده و یا برخی از شهروندان از نظر اقتصادی قادر به پرداخت آن نمی باشند. همچنین شهر مهاباد به دلایل فرهنگی توریستی (وجود دانشگاه آزاد و پیام نور) و قیمت تمام شده ارائه خدمات بصورت ارزان، سالانه پذیرای تعداد زیادی از اتباع خارجی عرب و کرد زبان از کشور عراق، و... به منظور زندگی و تحصیل و... است، که خود به عنوان منبع پایدار درآمدی شناخته می شود.

جدول ۷- شرح درآمدهای پایدار شهرداری مهاباد در سالهای ۱۳۹۸-۱۳۹۹ (ماخذ: نگارنده)

شرح درآمدهای ناپایدار	درصد درآمدهای ناپایدار از کل درآمدها طی ۱۳۹۸-۱۳۹۹
عوارض بر فروش کالا و ارائه خدمات	۶/۸۲
عوارض نوسازی	۱/۷۷
عوارض اتباع خارجی	۱/۰۵
تبصره ۲ ماده ۳۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده	۰/۶۹
عوارض بر معاملات غیر منقول	۰/۴۲
عوارض سالیانه خودروهای سواری و سایر وسایل نقلیه	۰/۴۰
تبصره ۲ ماده ۳۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده (سخت)	۰/۳۴
عوارض بر قراردادهای	۰/۲۵
ماده ۴۱ قانون مالیات بر ارزش افزوده (گمرکی)	۰/۲۲
عوارض اسناد رسمی	۰/۱۱
عوارض بلیط مسافرت و باربری (ترمینال)	۰/۰۸
تبصره ۳ ماده ۴۱ قانون مالیات بر ارزش افزوده (گمرکی)	۰/۰۵
عوارض گذرنامه	۰/۰۵
درآمد حاصل از فروش و جمع آوری زباله	۰/۰۳
عوارض بر محصولات محلی	۰/۰۲
عوارض آلاینده	۰/۰۲
عوارض شماره گذاری سالیانه موتور سیکلت و سایر	۰/۰۲
عوارض بر معاملات وسائط نقلیه	۰/۰۱

۶- نتیجه گیری

منابع مختلف نظری و تجربی، گویای یک موضوع مشترک در مسائل تأمین مالی شهری هستند و این موضوع آن است که همه شهرداری ها از یک سو دغدغه افزایش درآمدها و کنترل هزینه های خود را دارند و از سوی دیگر به دلیل محدودیت درآمدها، امکان تأمین مالی بسیاری از پروژه های شهری را ندارند. بنابراین باید، باید به دنبال یافتن ابزارها و الگوهای تأمین مالی برای تهیه منابع لازم جهت انجام سرمایه گذاری های شهری باشند. دومین چالش سیستم این است که این نظام زمانی مطلوب خواهد بود که در شرایط نوسانات منابع شهرداری ها یا منابع دولتی، تأمین درآمد شهرداری ها برای کارکردها و مصارف مختلف تحت تأثیر این تحولات قرار نگیرند. به منظور برون رفت از این دو چالش، بایستی مدلی پیشنهاد شود که جوابگوی نیازهای مالی شهرداری ها بوده و به تدریج بتواند زمینه پایداری درآمدها و منابع تأمین مالی پروژه های شهری را فراهم آورد. با بررسی منابع درآمدی شهرداری مهاباد مشاهده شد که فروش اموال شهرداری بالأخص اموال غیرمنقول در صدر منابع ناپایدار شهرداری مهاباد طی سالهای اخیر بوده است. این منابع درآمدی که درواقع جزو منابع ملی و ثروت شهروندان محسوب می شود میتواند با اجازه داری یا اجرای طرح های سرمایه گذاری به درآمدهای پایدار برای شهرداری بدل شوند. از طرفی سهم درآمد حاصل از ساخت و ساز در شهرداری مهاباد نزدیک ۴۰ - ۵۰ درصد درآمدهای شهرداری را تشکیل می دهد این درحالی است که در دیگر نقاط جهان به طور معمول سهم درآمد حاصل از ساخت و ساز کمتر از ۵ درصد است. این نوع درآمد بستگی زیادی به بازار مسکن کشور دارد و درآمدی ناپایدار محسوب می شود. بر این اساس مدیران شهری بایستی به دنبال راهکارهای جدید درآمدزایی باشند و سبد درآمدی شهرداریها را گسترده تر کنند تا نوسانات در هر بخش درآمدی منجر به تغییرات اساسی در درآمدهای پیش بینی شده شهرداری نشود و مدیران و برنامه ریزان قادر باشند در راستای تأمین نیازهای شهروندان و دستیابی به توسعه پایدار شهری با مشکل تأمین منابع مواجه نشوند.

با توجه به اینکه شهرداری مهاباد و سازمان های مربوطه نزدیک به ۴۰۰ نفر پرسنل دارد، بکارگیری و اجرای روشهای جدید مکانیزه و مبتنی بر سیستم های اطلاعات جغرافیایی بمنظور کاهش هزینه پرسنلی در خدمات شهری و هزینه های جاری ضرورت دارد. بر اساس قانون ۸ درصد از تولید، مالیات بر ارزش افزوده اخذ می شود که ۳ و نیم درصد سهم شهرداریها و ۴ و نیم درصد سهم دولت است. بر این اساس محاسبه دقیق تولید و مصرف شهر و تعیین سهم شهرداریها از مالیات بر ارزش افزوده و پرداخت به موقع آن ضروری به نظر می رسد. شهرداری مهاباد به جای دریافت عوارض از ساخت مجتمع های بزرگ در شهر، در آن مجتمع ها قدر السهم داشته باشد تا این درآمد پایدار، به یک پشتوانه عظیم برای مدیریت شهری تبدیل شود. کنترل پروژه، درآمد و ارزیابی عملکرد، تخصیص و انحراف بودجه، افزایش عوارض نوسازی و کاهش هزینه های و عوارض ساخت و ساز، احداث کارخانه تولید مصالح شن و ماسه و قطعات بتنی و بچینگ و آسفالت، تولید انبوه گل و گیاه و نهال و گیاهان گلخانه ای و فروش آنها با توجه به اقلیم و آب و هوای منطقه دیگر راهکارهای شهرداری برای افزایش درآمدهای پایدار است.

با بررسی پیشینه موضوع و مقایسه منابع درآمدی شهرداری مهاباد با منابع درآمدی شهرداری های کشورهای توسعه یافته پیشنهادات زیر مطرح می شود:

- با مطالعه منابع درآمدی شهرداری ها در کشورها مختلف می توان گفت اصلی ترین منبع درآمدی در شهرداری های کشورهای مختلف مالیات ها هستند که عمدتاً به دو صورت اخذ می شود:
مالیات های محلی که توسط شهرداری ها اخذ می گردند و بیشترین درصد این نوع مالیات مربوط به دارایی ها و مستغلات می باشد.
نوع دوم، مالیات های حکومت مرکزی می باشد، که بخش مهمی از آن از طریق بازتوزیع مالیات ها به شهرداری ها می رسد.
- کمک های دولتی به شهرداری ها در اکثر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بسیار است به طوریکه به طور متوسط این درآمد ۲۰-۲۵ درصد منابع درآمدی شهرداری های کشورهای صنعتی را تشکیل می دهد این درحالی است که کمک های دولت به شهرداری های ایران گاهی به کمتر از یک درصد درآمدهای شهرداری رسیده است که توصیه می شود درصدی از درآمدهای مالیاتی به شهرداری ها از جمله شهرداری مهاباد انتقال داده شوند.
- در کشورهای صنعتی معمولاً حکومت های محلی می توانند با اختیار خود از موسسات داخلی و خارجی وام بگیرد و به کار خرید و فروش اوراق قرضه و سهام و غیره بپردازند این درحالی است که در بسیاری از کشورهای توسعه مانند ایران چنین اختیاراتی برای واحدهای محلی پیش بینی نشده است. پیش بینی این نوع اختیارات به منظور تامین مالی پروژه های شهری مهاباد و سایر شهرداری ها الزامی به نظر می رسد.
- سهم مالیات بر دارایی و املاک که در ایران با عنوان عوارض نوسازی شناخته می شود و عادلانه ترین، ثابت ترین و پردرآمدترین منبع مالیاتی برای شهرداری ها به حساب می آید در ایالات متحده آمریکا به طور متوسط حدود ۵۰ درصد از درآمد شهرداری ها را تشکیل می دهد این درحالی است که این منبع درآمدی برای شهرداری های ایران درصد پائینی را به خود اختصاص داده است. این مقدار برای شهرداری مهاباد در سال ۱۳۹۸ برابر با ۱٫۵ درصد درآمدهای وصولی می باشد. این منبع درآمدی از اقلامی هست که میتواند به صورت مستمر پتانسیل درآمدی شهرداریها را افزایش دهد و دریافت آن نیز سلامت محیط زیست شهری را با خطر مواجهه نمی سازد و یک منبع پایدار درآمدی برای شهرداریها محسوب می شود. بنابراین جایگزینی این نوع درآمد به جای درآمدهای ساختمانی و اختصاص درصد بیشتری به آن برای شهرداری مهاباد و سایر شهرداری ها مناسب به نظر می رسد.
- مالیات های انتقالی از دولت به شهرداری ها یا همان مالیات مشترک در شهرداری های دنیا به طور معمول بیش از ۱۰ درصد درآمدهای شهرداری را تشکیل می دهد. در ایران نیز با تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده و در نظر گرفتن سهم شهرداری ها از این مالیات، میزان این درآمد افزایش یافته است. با این وجود طی مصاحبه ای که با مسئولان مدیریت مالی (شهرداری مهاباد) انجام شد دریافت سهم شهرداری ها از این نوع مالیات از سازمان امور مالیاتی کشور با مشکلاتی همراه است و بایستی تدابیری جهت تسهیل انتقال این درآمدها به شهرداری ها اندیشیده شود.
- مشارکت های مطلوب و گسترده شهروندان در اداره شهر و پرداخت به موقع مالیات های محلی و مالی از دیگر منابع و عوامل تاثیرگذار تامین درآمدهای پایدار در شهرداری های شهرهای مورد بررسی می باشد در صورتی که در شهرداری های ایران مشارکت شهروندان به این گستردگی نمی باشد چرا که با عدم تحقق کامل عوارض سالیانه نوسازی و کسب و پیشه و خودرو در زمان تعیین شده رو به رو هستیم. لذا فرهنگ سازی مناسب در سطح جامعه یکی از ضروریات افزایش مشارکت شهروندان در اداره شهر مهاباد و سایر شهرداری های کشور می باشد.
- با توجه به نقش گردشگری شهر مهاباد پیشنهاد می شود که شهرداری مهاباد با مشارکت بخش خصوصی بر اجرای طرحهای درآمدزای تجاری و تفریحی در شهر مهاباد مباردت کند. از طرفی توریسم درمانی باوجود ارزانی خدمات ارائه شده به بیماران، اسکان طولانی مدت توریست ها در استان به منظور تکمیل دوره درمان خود، درآمد قابل توجهی عاید اقتصاد شهری و شهرداری می کنند. شهرداری میتواند با ایجاد بسترهای مناسب شهری و پیشرفت در زمینه زیرساختهای شهری و سرمایه گذاری در این بخش از درآمدهای این حوزه گردشگری بهره مند شود.

منابع

۱. آخوندی، عباس و همکاران (۱۳۸۷)، «آسیب شناسی مدل اداره امور شهرداریان، تهران»، نشریه پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۳.
۲. اداره کل تشخیص و وصول درآمد شهرداری ها، ۱۳۹۶.
۳. جمشیدزاده، ابراهیم (۱۳۸۲)، «بررسی و تحلیل هزینه ها و اعتبارات شهرداری های کشور سالهای ۵۶-۵۰ و ۷۱-۷۹»، فصلنامه پژوهشی مدیریت و برنامه ریزی کشور، سال چهارم، شماره ۱۳.
۴. حاجی لو، مهران، میره ای، محمد، پيله ور، مهدی (۱۳۹۶)، «بررسی منابع درآمدهای پایدار شهرداری ها (مورد مطالعه: شهر شبستر استان آذربایجان شرقی)»، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، ۵(۴)، ۱-۲۲.
۵. راغب، مهدی، شهری، رضا (۱۳۹۹)، «کمبود منابع مالی در شهرداریها و جایگزینی درآمدهای پایدار»، نشریه علمی تخصصی شباک، سال ششم، شماره ۲ (پیاپی: ۳۵).
۶. زیاری، کرامت اله، مهدی، علی، معصومه مهدیان بهمنیری (۱۳۹۲)، «مطالعه و شناخت منابع مالی و ارائه راهکارهایی برای بهبود پایداری درآمد شهرداریها، مورد پژوهش شهرداری شهر مهاباد»، مدیریت شهری، دو فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۱، ص ۱۲۴-۱۰۷.
۷. سپهوند، رضا؛ عارف نژاد، محسن (۱۳۹۲)، «اولویت بندی شاخص های توسعه پایدار شهری با رویکرد تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی گروهی (مطالعه موردی در شهر اصفهان)»، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری، ۱۱(۱)، ۴۳-۵۹.
۸. شریزه ای، غلام علی (۱۳۸۷)، «شناخت و تحلیل پایداری اقلام درآمدی شهرداری های کشور»، فصلنامه مدیریت شهری، ۶(۲۰)، ۱-۲۳.
۹. شریف نژاد، نعمت اله، صابری، حمید، خادم الحسینی، احمد، زیاری، کرامت اله، اذانی، مهري (۱۳۹۹)، «ارزیابی مولفه های تاثیر گذار بر پایداری ساختار درآمدی شهرداری ها (مطالعه موردی: کلانشهر اصفهان)»، فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال دوازدهم، شماره دوم.
۱۰. شعوری، محمد، نوحه‌دی، رضا (۱۳۹۷)، «راه های تامین درآمد پایدار برای شهرداری ها در ایران»، جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱، شماره ۳.
۱۱. صفری، عبدالحمید (۱۳۸۳)، «ساختار و ترکیب درآمدی شهرداری ها در کلان شهرهای ایران»، مجموعه مقالات همایش شهرسازی ایران، جلد دوم، شیراز: انتشارات دانشکده هنر و معماری شیراز.
۱۲. طرح جامع شهر مهاباد.
۱۳. قادری، جعفر (۱۳۸۵)، «ارزیابی نظام مالی و درآمدی شهرداری های ایران»، فصلنامه بررسی های اقتصادی، ۳(۳).
۱۴. کامیار، غلامرضا (۱۳۹۵)، «حقوق شهری و شهرسازی»، تهران: انتشارات مجد، چاپ هشتم.
۱۵. مظفری، غلامحسین، پاپلی یزدی، محمدحسین، وثوقی، فاطمه، حاتمی نژاد، حسین (۱۳۹۵)، «ارائه الگوی پایداری نظام درآمدی و تامین منابع مالی شهرداریها (مطالعه موردی: شهرداری تهران)»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و یکم، شماره چهارم، شماره ۱۳۵.
۱۶. منتظری، رسول؛ خدایی، زهرا (۱۳۹۱)، «نقش منابع مالی پایدار در منابع درآمدی شهرداری ها»، فصلنامه اقتصاد.
۱۷. مددی، اکبر، نوروزی ثانی، پرویز، حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۹۹)، «تحلیل روش های تامین منابع مالی شهرداری تبریز با تاکید بر درآمدهای پایدار»، فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال دوازدهم، شماره چهارم.
۱۸. موسوی، سیدمصطفی، کریمیان بستانی، مریم، حافظ رضا زاده، معصومه (۱۴۰۰)، «تحلیل منابع تامین درآمد پایدار در راستای توسعه شهری (مطالعه موردی: شهر تهران)»، فصلنامه علمی برنامه ریزی منطقه ای، سال ۱۱، شماره ۴.
۱۹. موسوی، سیدمصطفی، کریمیان بستانی، مریم، حافظ رضا زاده، معصومه (۱۴۰۰)، «تاثیر درآمدهای پایدار و ناپایدار شهرداری در توسعه کلانشهر تهران»، دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، ۱۸(۱)، ۲۵-۴۴.
۲۰. نجاریان بهمنمیری، محمد (۱۳۷۸)، «بررسی درآمد هزینه شهرداری ها درجه ۷ استان مازندران و عوامل موثر بران طی سالهای ۱۳۶۷-۷۷»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت بازرگانی، دانشگاه علوم و فنون مازندران.
۲۱. نوبری، نازک، رحیمی، محمد (۱۳۸۹)، «حکمرانی خوب شهری یک ضرورت تردیدناپذیر»، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، دانش شهر.
22. Bartkowiak Piotr and Koszel, Maciej (2017): Forms of Relationships among Local Government Units in Polish Metropolitan Areas. 7th International Conference on Engineering, Project, and Production Management.
23. Cianciara, J. (2010). State and Local Government Tax and Revenue Ranking. Wisconsin Department of Revenue Division of Research and Policy.
24. Dekker, k, Beaumont, J and van kempen, (2014) Urban Development programmes in the Hague : A preliminary Assessment. Urban Research Centre Utrecht

25. Dirie, I. (2015). Municipal finance: Innovative resourcing for municipal infrastructure and service provision. In A report prepared for commonwealth local government forum in cooperation with ComHabitat.
26. Fletcher, J., & McArthur, D. (2010). Local Prosperity: Options for Municipal Revenue Growth in British Columbia. Think City.
27. Jamshidzadeh, A. 2010. Investigating and analyzing the costs and credits of country municipalities in the years 1973 to 1983 and 2002-2009. Urban Management. (13): 1-17.
28. Hassanzadeh, Farhad (2011), Urban Finance "Comparative Study of Identifying Ways to Make Sustainable Income, Tehran Municipality Reporting Collection.
29. Heydipour, Esfandiar (2019), Developing a Creative City of Isfahan Handicrafts Planning Model Using Conceptual Model, Journal of New Attitudes in Human Geography, 12 .
30. Khmel, V., Zhao, S. (2015), Arrangement of financing for highway infrastructure projects under the conditions of Public-Private Partnership, IATSS Research, Article In Press, Available at: <http://dx.doi.org/10.1016/j.iatssr.2015.05.002>.
31. Slack, E. (2016): Municipal Finance and the Pattern of Urban Growth, Commentary 160, Toronto: C.D. Howe Institute.
32. UN-HABITAT (2016): State of the Worlds Cities 2010/2011. Bridging The Urban Divide, in: www.unhabitat.org.
33. Vosoughi Fatemeh, Mozaffari Gholamhossein, Papli Yazdi Mohammad Hossein, Hatami Ninejad Hossein.(2016). Providing a model for stabilizing the revenue system and providing financial resources for municipalities (Case study: Tehran Municipality). Journal of Geographical Research., 31 (4): 24-44.

بررسی حس مکان در بناهای تاریخی دوره قاجار؛ نمونه موردی مدرسه و آب انبار سردار محله آخوند

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۸

کد مقاله: ۸۸۰۹۳

محمد بهزادپور^۱، نرگس الفتی^{۲*}، مهدی امامعلی زاده^۳

چکیده

با توجه به این که حس مکان از کیفیت فضا و چگونگی طراحی تأثیر می پذیرد هدف این تحقیق آشنایی با این مفهوم و روشن کردن عوامل ایجادکننده آن برای طراحی بهتر است. هرچند معانی زیادی برای مکان و فضا گفته شده است اما مشخصه مکان که در این تحقیق به آن توجه می شود خاص تر بودن آن نسبت به فضا و در هم تنیدگی آن با ارزش های انسانی است و ویژگی فضا، انتزاعی و عینی بودن آن نسبت به مکان است. پژوهش حاضر از منظر هدف پژوهشی، جز تحقیقات کاربردی محسوب می گردد. شیوهی انجام پژوهش توصیفی-تحلیلی می باشد که با بررسی ادبیات پژوهش تلاش شده است مؤلفه های حس مکان در بناهای اجراشده در دوره قاجار در محله آخوند قزوین بررسی گردد. تحلیل نتایج بیانگر آن است که عواملی مانند عوامل ادراکی، شناختی، عوامل اجتماعی و عوامل محیطی-کالبدی در جهت بازتاب حس مکان از عوامل بسیار تأثیرگذار می باشند که هرکدام شامل زیرمؤلفه های متعدد می باشد. از این نتایج می توان جهت شناخت و تقویت عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان استفاده کرد، این مؤلفه های در مدرسه و آب انبار محله آخوند قزوین که از شاهکارهای معماری دوره قاجار می باشند، موردبررسی قرار گرفت و بررسی ها نشان داد که حس و مکان و مؤلفه های آن در این دو اثر تاریخی به وضوح دیده می شود.

واژگان کلیدی: مکان، حس مکان، کیفیت فضا، معانی، عوامل کالبدی.

۱- گروه معماری؛ واحد هشتگرد؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ هشتگرد؛ ایران

۲- پژوهشگر مقطع کارشناسی ارشد معماری، گروه مهندسی دانشگاه رجا، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

mrs.narges.olfati@gmail.com

۳- پژوهشگر مقطع کارشناسی ارشد معماری، گروه مهندسی دانشگاه رجا، قزوین، ایران

۱- مقدمه

توجه معماران، طراحان و برنامه ریزان به کیفیت فضاها و محیط‌های ساخته‌شده با توسعه جوامع انسانی و تغییر شیوه زندگی و سکونت مردم، افزایش یافته و نقش طراحی به‌عنوان ابزاری برای شکل دادن به محیط زندگی و پاسخ‌گویی به توقعات و نیازهای انسان اهمیت بیشتری یافته است و به همین خاطر مطالعات زیادی در خصوص چگونگی تأثیر متقابل محیط یا فضای ساخته‌شده بر ذهنیات و رفتارهای انسان، انجام‌شده است. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که محیط علاوه بر عناصر کالبدی شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل آن را رمزگشایی و درک می‌کنند (راپاپورت^۱، ۱۹۹۰) و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید حس مکان نامیده می‌شود که عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط، باعث بهره‌برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و درنهایت احساس تعلق آن‌ها با محیط و تداوم حضور در آن می‌شود.

مکان، به‌عنوان مراکز اصلی تجربه‌ی ما از جهان شناخته می‌شود همچنین پدیده‌ای از جهان هستی است که به‌صورت مستقیم تجربه می‌شوند و پر از معنا هستند، پر از اشیا واقعی و فعالیت‌ها. آن‌ها منابع مهم هویت فردی و اجتماعی بوده و مراکز عمده وجود انسان به شمار می‌روند که مردم با آن‌ها روابط شدید احساسی و روانی دارند (رلف، ۱۳۸۹) قضاوت انسان‌ها نسبت به مکانی که در آن قرار می‌گیرند بر اساس تفکرات و انتظارات شخصی خود است در نتیجه هر فرد نسبت به مکانی خاص قضاوت‌ها و احساسات مختلف داشته و به‌گونه‌ای مختلف از آن استفاده می‌کند و در آن حضور می‌یابد (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸).

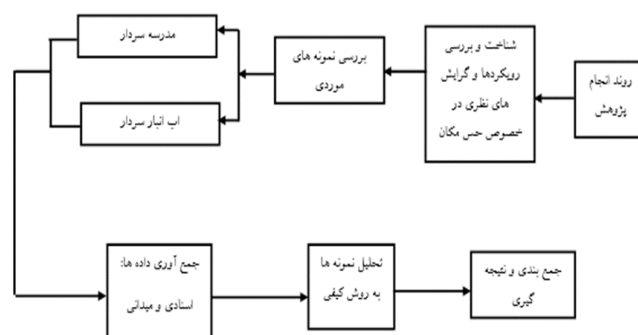
با توجه به این که حس مکان از کیفیت فضا و چگونگی طراحی تأثیر می‌پذیرد هدف این تحقیق آشنایی با این مفهوم و روشن کردن عوامل ایجادکننده آن برای طراحی بهتر است. هرچند معانی زیادی برای مکان و فضا گفته‌شده است اما مشخصه مکان که در این تحقیق به آن توجه می‌شود خاص‌تر بودن آن نسبت به فضا و در هم تنیدگی آن با ارزش‌های انسانی است و ویژگی فضا، انتزاعی و عینی بودن آن نسبت به مکان است. شاعران و ادیبان با توجه به شخصیت^۲ مکان، الهاماتی را دریافته و با آن‌ها زندگی و اتفاقات را توصیف کرده‌اند، بر اساس این توصیفات حس مکان مجموعه‌ای از حکایت‌ها و روایت‌های^۳ فردی و جمعی است که توأم با مکان رخ می‌دهند (فلاحت، ۱۳۸۵).

ایجاد و ارتقای حس مکان در فضاهای شهری از آن نظر حائز اهمیت است که در صورت نبود و یا کم‌رنگ بودن حس مکان میزان علاقه مردم نسبت به آن مکان کم می‌شود و افراد تمایلی به حضور در آن مکان ندارند و صرفاً برای فعالیت‌های اقتصادی خود به آن مراجعه کنند؛ بنابراین فضاهای شهری مکان‌هایی هستند که تعاملات اجتماعی و جنب‌وجوش‌های شهری در آن به حداکثر کمی و کیفی خود رسیده، ذهن شهروندان را انباشته از خاطرات جمعی و ذهنیت‌های مشترک راجع به نوع و چگونگی حیات مدنی می‌گرداند. خالی شدن فضا از حضور جمعیت سبب کم‌رنگ شدن تعاملات اجتماعی و امنیت می‌گردد و ادامه این روند مکان را دچار فرسایش عملکردی و حتی کالبدی می‌کند و کاربرد اجتماعی خود را از دست می‌دهد. اگر این روند ادامه یابد، هویت مکان از دست می‌رود و روابط اجتماعی نیز در آن شکل نخواهد گرفت. با توجه به این مطالب، نوشتار حاضر باهدف، بررسی حس مکان در بناهای تاریخی دوره قاجار (نمونه موردی مدرسه و آب‌انبار سردار محله آخوند)، به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر می‌باشد:

- حس مکان دارای چه مؤلفه‌هایی می‌باشد و وضعیت این مؤلفه‌ها در بناهای دوره قاجار چگونه است؟
- کدامیک از مؤلفه‌های حس مکان، در مدرسه و آب‌انبار سردار محله آخوند حائز اهمیت بیشتری است؟

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر از منظر هدف پژوهشی، جز تحقیقات کاربردی محسوب می‌گردد. شیوه‌ی انجام پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد که با بررسی ادبیات پژوهش تلاش شده است مؤلفه‌های حس مکان در بناهای اجراشده در دوره‌ی قاجار در محله‌ی آخوند قزوین بررسی گردد. اساس توصیف و تحلیل پژوهش، مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی می‌باشد.



شکل ۱: فرایند در انجام پژوهش (نگارنده)

1 Rapaport
2 Character
3 Narratives

در پی دستیابی به هدف پژوهش در گام نخست به منظور جمع‌آوری داده‌ها و دسته‌بندی اطلاعات لازمه، از اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. سپس با ارائه توضیحاتی در باب حس مکان و معرفی نمونه موردی شامل آب‌انبار و مدرسه سالار الگوهای به کار گرفته شده حس مکان در آن‌ها شناسایی و تبیین می‌گردند.

۳- پیشینه تحقیق

بررسی حس مکان به عنوان یک سرویس اکوسیستم فرهنگی در مناظر مختلف از دریچه زبان عنوان پژوهشی است که توسط Wartmann, & Purves در سال ۲۰۱۸ انجام شده است، که بیش‌هایی را درباره کاوش حس مکان در مناظر مختلف ارائه می‌دهد. Power & Wirfs-Brock (۲۰۱۹)، حس مکان در حلقه فضیلت پذیر تصمیم‌گیری معماری را مورد بررسی قرار می‌دهند. Ryfield و همکاران (۲۰۱۹) بیان می‌کنند که ما نیاز به نقش مهم‌تری را برای حس مکان به عنوان یک دسته از خدمات اکوسیستم فرهنگی و برای اقدامات تحقیقاتی که می‌تواند ماهیت مادی و اجتماعی حس مکان را توضیح دهد، داریم. Quinn و همکاران (۲۰۱۹) بیان می‌کنند که یافته‌های ما به تئوری در مورد تجربه ذهنی ریسک‌های مبتنی بر مکان کمک می‌کند و پیامدهایی برای نحوه انتقال و مدیریت تغییرات اجتماعی و محیطی دارد. Zlender & Gemin (۲۰۲۰) در پژوهشی بیان می‌کنند که درک حس مکان مردم نسبت به فضاهای سبز حاشیه شهری برای ترویج رفتار مربوط به مکان و در نتیجه اولویت‌بندی پاسخ‌های سیاستی مؤثر برای اطمینان از آینده پایدار این مناطق بسیار مهم است. Zanganeh (۲۰۱۹) بر این باورند که فقدان احساس تعلق در تمامی محیط‌های شهری اعم از شهرهای کوچک، شهرها، شهرها و کلان‌شهرهای میانه مشکلات پنهانی دارد که بی‌ریشه‌ای، بی‌هویتی، بی‌تفاوتی و مسئولیت‌ناپذیری شهروندان را آشکار کرده است. Raymond و همکاران (۲۰۱۷) بیان می‌کنند که دل‌بستگی‌های مکان و معانی مکان به‌کندی تکامل می‌یابند، گاهی اوقات با واقعیت مادی یا اجتماعی مطابقت ندارند (اثرات تأخیر) و همچنین تمایل به جلوگیری از تغییر دارند و در نهایت نکویی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی حس تعلق به مکان در بناهای مذهبی-تاریخی در راستای افزایش تعامل ساکنین محله با بنا (نمونه موردی: مسجد جامع اصفهان) پرداختند و نتایج نشان می‌دهد که نمادگرایی بیشترین رتبه و شناخت مکانی پایین‌ترین رتبه را در میان سطوح مختلف دارد و در میانه این دو، مابقی سطوح حس تعلق قرار می‌گیرند اما رجحان مکانی در میان پاسخ آزمودنی‌ها را نمی‌توان به عنوان یک عامل تأثیرگذار در نظر گرفت.

پژوهش جامعی در حوزه بررسی حس مکان در بناهای تاریخی دوره قاجار به خصوص دو بنای نمونه موردی مدرسه و آب‌انبار سردار محله آخوند انجام نشده است. لذا در مقاله پیش رو، پس از ارائه توضیحاتی در خصوص پژوهش‌های صورت گرفته مبتنی بر رویکرد مورد نظر و معرفی نمونه‌های موردی به بررسی و تحلیل نمونه‌های مذکور در جهت وصول به هدف پژوهش می‌پردازد.

۴- مبانی نظری

دیدگاه‌های و نظریات مطرح شده در خصوص حس مکان در این قسمت مورد بررسی قرار گرفته است:

۴-۱- مفهوم مکان

از لحاظ تاریخی در متون و مباحث معماری قبل از قرن هجدهم واژه فضا دیده نمی‌شود این کلمه اکنون طیف معنایی وسیعی یافته است و در بحث‌های معماری تمام صفات و ویژگی‌های معماری به فضا نسبت داده می‌شود و شاید بتوان گفت فضا واحد تفسیر و تحلیل معماری شده است و تمامی ویژگی‌ها و توانمندی‌های مادی و غیرمادی معماری به آن نسبت داده می‌شود. در مباحث معماری واژه فضا مفهومی متغیر کلی و بالقوه دارد و به مثابه ابزار رسیدن به اهداف معماری، اصول و روش‌های یک معمار یا ویژگی‌های یک معماری ساخته شده است. ویتروویوس دو هزار سال قبل سه هدف اصلی معماری را استحکام، سودمندی و زیبایی عنوان کرد که بعدها این اهداف به صورت‌های گوناگون در نظریه‌های دیگر نظریه‌پردازان دیده شد و هر کدام از این اهداف در طول تاریخ با توجه به شرایط و اهمیت، فضا خوانده شده است. چنان‌که در دوران کلاسیک فضا به روش‌های ساخت مانند شیوه‌های طاق زنی و مسائل فنی معماری گفته می‌شد و در معماری رومی تا قرن نوزدهم فضا به معنای حجم و فاصله میان دیوارها، سقف و کف بود. در قرن نوزدهم و بیست میلادی فضا به سبک ترکیبی از زیبایی و تزئینات اطلاق می‌شود. مثلاً برلاکه فضا را معادل سبک و جان راسکین آن را معادل تزئینات می‌دانست پوزنر و رایت نیز در معماری مدرن فضا را فاصله میان جدارها تلقی می‌کردند ولی رایت فضای معماری را ترکیبی از سه فضای فیزیکی، ادراکی و عملکردی می‌دانست (روث، ۱۹۹۱).

این سیر تاریخی با دسته‌بندی گیدئون نیز هماهنگی دارد، او مفهوم فضا را به سه دوره تقسیم می‌کند که در دوره اول به ساخت‌وساز و دوره دوم به تهی و دوره سوم به روابط تهی‌ها تلقی می‌شده است (گیدئون، ۱۳۹۲) واژه مکان در نظریه‌های هنجاری بیشتر از جانب نظریه‌پردازان پدیدارشناس هنجاری مطرح شده است و معنای مکان جایگاه انسان در هستی است. مفهوم مکان در نظریه‌های اثباتی معماری به‌ویژه روانشناسی محیط نیز مطرح شده و گسترش یافته است. نظریه اثباتی در رشته‌های طراحی و

معماری شامل نظریه‌های محتوایی و رویه‌ای است. موضوع نظریه محتوای، کیفیت محیط، چگونگی عملکرد آن و قابلیت آن برای تأمین فعالیت‌ها، نیازهای جسمانی و تجربه‌های زیبایی‌شناختی مردم است و می‌تواند به دو جزء اصلی مرتبط یعنی نظریه محیط طبیعی و نظریه رابطه انسان - محیط تقسیم شود؛ بنابراین مکان در روانشناسی محیط با واژه محیط تحلیل می‌شود و محیط به‌عنوان تمامی حقایقی است که بر انسان می‌گذرد. در جدول (۱)، خلاصه‌ای از فضا، مکان و محیط از دیدگاه‌های مختلف معماری آمده است.

جدول ۱: خلاصه‌ای از فضا، مکان و محیط از دیدگاه‌های مختلف معماری (نگارنده بر گرفته از مبانی نظری)

دیدگاه	افراد مهم	مکان	فضا	محیط
هنجاری (سنتی)	ویتریوس، برلاکه، راسکین، رایت، کالینز، پوزنر	-	فضا به معنای روش‌های ساخت حجم، تهی میان دیوارها، سقف و کف، سبک تزئینات و زیبایی است	-
پدیدارشناسانه (فلسفی)	هیدگر، بشلار، الکساندر نوربرگ شولتز، لینچ	مکان جایگاه انسان در هستی است	-	-
اثباتی (روانشناسی محیط)	لوین، بارکر، ویکر، هال، ایتلسون، پروشانسکی، کانتر	-	-	محیط به‌عنوان تمامی حقایقی است که بر انسان می‌گذرد

۴-۲- عوامل شکل‌دهنده حس مکان

با توجه به مفهوم حس مکان در دیدگاه‌های مختلف و سطوح مختلف حس مکان، عوامل شکل‌دهنده حس مکان را می‌توان در دو گروه عوامل شناختی و کالبدی به‌صورت زیر بیان کرد:

الف- عوامل ادراکی و شناختی: حس مکان ترکیبی است از معانی، نمادها و کیفیت‌هایی که شخص یا گروه به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از فضا یا منطقه‌ای خاص ادراک می‌کند. معانی و مفاهیمی که پس از ادراک مکان توسط فرد رمزگشایی می‌شود از عوامل ایجاد حس مکان هستند. در این صورت حس مکان تنها به معنای یک حس یا عاطفه یا هرگونه رابطه با مکانی خاص نیست، بلکه نظام و ساختاری شناختی است که فرد با آن به موضوعات، اشخاص، اشیاء و مفاهیم یک مکان احساس تعلق پیدا می‌کند. از این‌رو افراد بدون حس مکان قادر به زندگی در محیطی خاص نیستند، چراکه حس مکان توانمندی فضا یا مکان در ایجاد حسی خاص نسبت به کلیت مکان است و با این حس، مکان رابطه فرد با تمامی مفاهیم، اشخاص و سایر موضوعات موجود در آن مکان را تأمین می‌کند. در این مفهوم، حس به معنای احساس مرحله قبل از ادراک نیست بلکه به معنای عاطفه یعنی مرحله پس از شناخت است. به این ترتیب مکان‌ها در افراد مختلف حس‌های متفاوتی ایجاد می‌کند و نقش شخصیت و تجارب گذشته انسان‌ها در دریافت این حس مؤثر است. فضایی که در فرد حس مکان و تعلق ایجاد می‌کند دیگر برای او فضا نیست و تبدیل به یک مکان می‌شود. در این صورت مکان کلیتی می‌شود که مردم تمام فعالیت‌ها و اتفاقات را با آن می‌شناسند. مثلاً مردم وقتی که به مسجدی وارد می‌شوند، با مکان مسجد مواجه می‌شوند نه با اشکال مجرد، مردم، نماز و فضا و همین توانمندی مکان است که در ورای اجزا و فعالیت‌ها موجب احساس تعلق به مکان مسجد می‌شود. تعلق به اجتماع نیز از عوامل مؤثر در ایجاد حس مکان است چنان‌که هیومن حس مکان را شامل تعلق به اجتماع و حس محلی تعریف کرده است از نظر او حس مکان ادراک فردی مردم از محیط خود و احساسات کم‌وزیاد آگاهانه آن‌ها از آن محیط است. حس مکان شخص را به گونه‌ای با محیط پیوند می‌دهد که فهم و احساس انسان با زمینه معنایی محیط به یکپارچگی می‌رسد (هیومن^۱، ۱۹۹۲).

برخی از فضاها روح مکان قوی دارند که بر انسان‌های مختلف تأثیرات مشابه می‌گذارند؛ بنابراین انسان به مکانی که در آن زندگی می‌کند، از پیش، مجموعه‌ای از مفاهیم فرهنگی می‌دهد و این پیش مفهوم‌ها راهی که انسان با مکان مواجه می‌شود را شکل می‌دهد. همچنین قرارگاه‌های رفتاری بر انسان تأثیر می‌گذارند و برای این تأثیرات الگوهای وجود دارد و مردم نیز با کیفیت طراحی کالبدی و مراقبت مکان‌ها بر قرارگاه‌های رفتاری تأثیر می‌گذارند. این تأثیرات می‌تواند کوتاه یا بلندمدت، مثبت یا منفی باشد.

ب- عوامل کالبدی: از نظر فریتز استیل مهم‌ترین عوامل کالبدی مؤثر در ادراک و حس مکان، اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است (استیل^۲، ۱۹۹۱) او همچنین خصوصیتی نظیر هویت، تاریخ، تخیل و توهّم، راز و رمز، لذت، شگفتی، امنیت، سرزندگی، شور و خاطره را موجب برقراری رابطه متمرکز با مکان می‌داند. از نظر سالوآن حس مکان از تعامل سه عنصر موقعیت، منظر و درهم تنیدگی فردی به وجود می‌آید که هرکدام از آن‌ها به‌تنهایی برای خلق حس مکان کافی نیست عوامل مختلفی چون بی‌حوصلگی، یکنواختی ساختمان‌ها و ظهور عصر دیجیتالی

1 Hummon
2 Steele

تهدیدی برای حس مکان به حساب می‌آیند. از نظر او شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، ساکنین و وسایل رفاهی، طبیعت مانند آب، گیاهان، آسمان، خورشید و فضاها، خصوصی و جمعی؛ اجزای تشکیل‌دهنده مکان هستند که در خلق حس مکان مؤثرند. از نظر نوربرگ شولتز حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و شخصیت محیطی از چیزهای ملموس شناخته‌شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است. همچنین از نظر لینچ نیز حس مکان عواملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار کرده و وحدت به وجود می‌آورد و فضا باید هویت قابل ادراکی داشته باشد و قابل شناسایی و به یادماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد کند. این نوع حس مکان می‌تواند احساس تعلق نیز به همراه داشته باشد. جنیفر کراس نیز عوامل مؤثر بر حس مکان را چگونگی رابطه با مکان و حس اجتماع می‌داند و رابطه با مکان را صورت‌های زندگی‌نامه‌ای، معنوی، عقیدتی، روایتی، مادی و وابستگی اجباری دسته‌بندی می‌کند که با عاملی مانند هویت، درونی و رضایت‌مندی پنج تراز مختلف از حس مکان را ایجاد می‌کند (کراس، ۲۰۰۱). بنابراین بررسی‌ها نشان می‌دهد ویژگی‌های کالبدی با ایجاد معانی و تأمین فعالیت‌های خاص، در ایجاد حس مکان مؤثر است. تأمین فعالیت‌ها از فضا با رضایت‌مندی از ویژگی‌های متغیر محیط مانند دما، صدا و امکان انجام فعالیت‌های فردی و تعاملات اجتماعی توسط عناصر ایستای محیط مانند ابعاد، تناسب و فرم‌ها به وجود می‌آید. شناخت و عاطفه نسبت به فضا با درک معانی، نمادها، زیبایی‌شناختی فرمی و معنای فضا و هویت‌مندی با آن حاصل می‌شود.

۴-۳- حس مکان از دیدگاه پدیدار شناختی

پدیدارشناسی از ریشه یونانی (phainein) گرفته‌شده که به معنای نمایش و نشان دادن است، واژه پدیده در فرهنگ لغت و بستر به معنای یک شیء یا یک جنبه و نمودی است که به جای تفکر از طریق حواس نه از طریق حسی شناخته می‌شود. مکان معمولاً در مقابل امر معقول قرار دارد که از ریشه (nous) به معنای آن چیزی است که به وسیله عقل و تفکر دریافت می‌شود. پدیده چیزی است که بر کسی ظاهر شده یا خود را نشان می‌دهد ولی خود پدیدارشناسی بیش از توصیف آن چیزی است که بر شخص ظاهر می‌شود، همان گونه که مرلوپونتی می‌گوید، پدیده‌شناسی مطالعه ماهیت‌ها است با این تعریف و به تبعیت از آن برای همه مسائل می‌توان تعاریفی ماهوی ارائه نمود. برای تعریف ماهیت یک چیز باید به دنبال یافتن نوعی ارتباط یا ساختار بود که در بیان تعدادی از موقعیت‌های مرتبط، ثابت باقی می‌ماند. هدف اصلی پدیدارشناسی، بررسی تحقیق و شناخت مستقیم و بی‌واسطه پدیده‌ها است. در این شیوه شناخت هر پدیده بدون توجه به فرضیات قبلی و ادراکات ناآزموده آگاهانه و صریح بررسی و ادراک می‌شود، از آنجاکه هدف شناسایی ماهیت پدیده‌ها است، از این روش تلاش می‌شود که با پدیده‌ها برخوردی خالص، دست‌اول و رها از نظریات قبلی صورت پذیرد و پدیده‌ها آن‌چنان که هستند شناخته و بیان شوند (پرتوی، ۱۳۸۲).

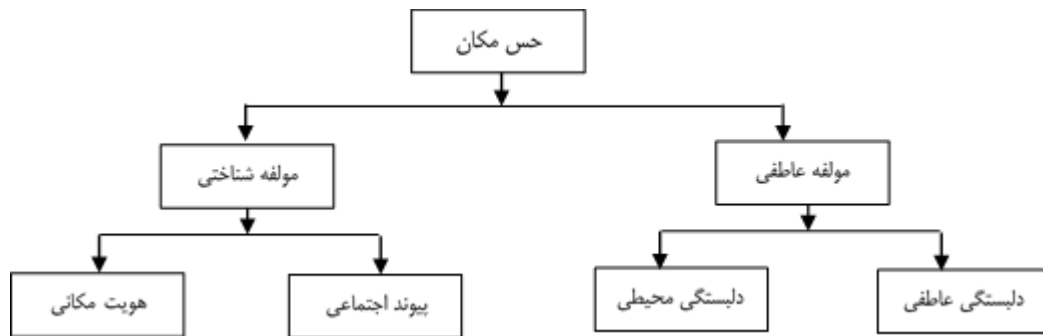
به این ترتیب پدیدارشناسی با متفک ندانستن انسان و جهان، دیدگاه‌های انگار گرایی و واقع‌گرایی را به چالش طلبیده و کلیتی یگانه مبتنی بر توصیف روابط صمیمانه انسان و جهان مطرح می‌سازد، کلیتی که از هر نوع دوگانه انگاری سوژه (فاعل شناسایی) و ابژه (موضوع شناسایی) مبراست. مکان از دیدگاه پدیدار شناختی کانونی است که در آن انسان با حوادث و رویدادهای معنادار، هستی خود را تجربه می‌کند و در عین حال نقطه‌ای است که انسان از طریق آن در محیط جهت‌یابی و در آن دخل و تصرف می‌کند. معمولاً مکان که دربرگیرنده جهات گوناگون و تعدادی گشودگی است، با یک عرصه درونی در تعامل با عرصه‌های بیرونی تجربه می‌شود. این واقعیت نشان می‌دهد که مکان خود در یک زمینه وسیع‌تر قرار گرفته و نمی‌توان آن را در شرایط منفک و ایزوله فهمید (نوربرگ شولتز، ۱۹۷۵). بنابراین مکان پدیده‌ای کلی و کیفی است که نمی‌توان آن را به هیچ‌یک از ویژگی‌هایی چون ارتباط فضایی، تقلیل داد. در این صورت چنین تقلیلی ماهیت مکان دگرگون خواهد شد.

مکان، محل و شرط لازم برای بودن را به وجود می‌آورد. گوهر اصلی مکان از چیزهایی همچون بناها و سازه‌ها به دست می‌آید. هایدگر همچنین انسان را برحسب مکان تعریف می‌کند و انسان بودن را به معنای داشتن دانش مکان می‌داند. نوربرگ شولتز نیز مانند هایدگر معتقد است که مکان اساساً همان چیزی است که هست و این به دلیل کیفیات ذاتی موجود در مکان است. از این رو مداخله انسانی در مکان زمانی موفق خواهد بود که بتواند، شخصیت اصلی مکان را بشناسد و پیرو آن محیط‌هایی انسانی ایجاد نماید که باشخصیت مکان هماهنگ بوده و در آن ناسازگاری، تحمیل و تحکم وجود نداشته باشد (سایمون، ۱۹۸۲). از نظر او مکان بخشی از هستی و وجود انسان است که واجد مفاهیمی به گستردگی تجارب و مقاصد بشری است که انسان‌ها در آن حوادث معنی‌دار هستی خود را تجربه می‌کنند. مکان از اشیاء و چیزهای واقعی ساخته‌شده و دارای مصالح، ماده، شکل، بافت و رنگ است و واجد دو جنبه اساسی فضا و شخصیت است. دیگر مباحث پدیدارشناسی مکان توسط جغرافی‌دانان مطرح‌شده است. رلف جغرافیا را تداعی چیزهایی می‌داند که به مکان شخصیت می‌دهند از نظر او واقعیت جغرافیا، واقعیت مکان است و مؤلفه‌های اصلی مکان را این گونه بیان می‌کند (رلف، ۱۹۷۶).

^۱ Steele

^۲ Norberg-Schulz

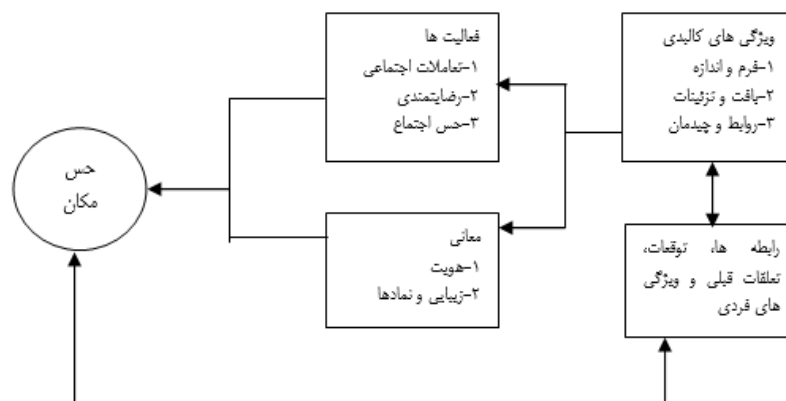
^۳ Seamon



شکل ۱: مؤلفه‌های حس مکان (رلف، ۱۹۷۶)

۵- چارچوب نظری تحقیق

برداشت کلی حاصل از تعاریف حس مکان نشان می‌دهد که حس مکان حاصل ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی او و ویژگی‌های محیطی است. این مفهوم از یک سو ریشه در تجربه‌های ذهنی همچون خاطره، سنت، تاریخ، فرهنگ، اجتماع و غیره دارد و از سوی دیگر متأثر از زمینه‌هایی عینی و بیرونی در محیط مانند طرح، منظره، بو و صدا است که نشان می‌دهد حس مکان مفهومی پیچیده از احساسات و دلبستگی انسان نسبت به محیط است که در اثر انطباق و استفاده انسان از مکان به وجود می‌آید، انسان با مکان زندگی روزمره ایجاد می‌شود، به این ترتیب فرد به مکانی که در آن زندگی می‌کند مجموعه‌ای از پیش تصورات دریافت شده قبلی را می‌دهد، این پیش تصورات چگونگی پاسخ او به محیط را شکل می‌دهند. در بعضی مواقع فرد به مکانی که با این پیش تصورات شکل گرفته، در طول زمان شکل جدیدی می‌دهد. هرچند آشنایی مداوم و زیاد یکی از عواملی است که موجب حس مکان می‌شود، ولی به تنهایی کافی نیست. ویژگی‌های کالبدی با تسهیل فعالیت‌ها و ایجاد هویت، حس مکان را تقویت می‌کنند. طبق مدل کانتور عوامل کالبدی به واسطه کیفیت طراحی، معانی و فعالیت‌ها را بهبود می‌بخشند و با مرتفع ساختن نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی انسان باعث سلسله‌ای از ادراکات، رضایتمندی و در نهایت ایجاد حس مکان می‌شوند مدل پیشنهادی در شکل (۲) عوامل مؤثر بر حس مکان و چگونگی شکل‌گیری آن را توضیح می‌دهد.



شکل ۲: حس مکان و مؤلفه‌های آن (نگارنده بر اساس مبانی نظری)

۶- یافته‌های تحقیق

در این بخش به معرفی نمونه موردی تحقیق و تحلیل آن براساس مؤلفه‌های حس مکان می‌پردازیم:

۶-۱- محله آخوند قزوین

محله آخوند یکی از محلات قدیمی شهر قزوین است که در بافت تاریخی آن قرار گرفته است. شکل‌گیری محله آخوند در قزوین به دوره صفویه و شروع گسترش منطقه قزوین به عنوان یک شهر و پایتخت صفویان قبل از اصفهان بازمی‌گردد و بیش‌تر توسعه و ساخت اماکن تاریخی آن در دوره قاجار انجام شده است. از جمله اماکن برجسته و آثار تاریخی این محله می‌توان از مدرسه سردار، آب‌انبار سردار کوچک، حمام بلور، خانه امام جمعه شهیدی، خانه محمص (محل بنیاد ایران‌شناسی)، مقبره آخوند، خانه زرنگار و مسجد سبز نام برد. در راسته احیای هویت تاریخی شهر و محلات قدیمی، طرح بهسازی و مرمت این محله توسط شهرداری

قزوین در سال ۱۱۳۱ به انجام رسید. سازمان میراث فرهنگی در حال آماده‌سازی پرونده‌ای برای ثبت جهانی هسته تاریخی شهر قزوین می‌باشد. موقعیت محله آخوند قزوین در شهر قزوین در شکل (۳)، مشخص شده است:



شکل ۳: موقعیت محله آخوند در شهر قزوین (نگارنده)

با توجه به مقدمات و پیشینه‌ی تاریخی محله شناخت و وضعیت بناها در یک مقاله امکان‌پذیر نیست. جدول (۲) لیستی از مهم‌ترین بناهای موجود در محله را در بر می‌گیرد.

جدول ۲: ویژگی‌های بناهای تاریخی موجود در محله‌ی آخوند (نگارنده)

نام بنا	کاربری تاریخی	کاربری معاصر	ویژگی‌ها
آبانبار حاج کاظم	آبانبار	موزه‌ای - بازدید عموم	سر در کاشی‌کاری شده، طاق رسمی بندی، کتیبه سنگی، وجود دو بادگیر به ارتفاع هشت متر با تزئینات کاشی‌کاری
آبانبار سردار کوچک	آبانبار	موزه‌ای - بازدید عموم	سر در کاشی‌کاری شده، ورودی دارای رسمی بندی با کتیبه‌ای از سنگ مرمر به خط نستعلیق
مسجد و مدرسه سردار	مسجد مدرسه	مسجد مدرسه	مدرسه‌ای دارای حیاط مرکزی در دوطبقه که طبقه بالا دارای دو میان‌سرای کوچک و مسجدی با سه فضای گنبد دار و سر دری زیبا و کاشی‌کاری شده در ضلع جنوبی
خانه امام‌جمعه شهیدی	خانه مسکونی	مرکز هنرهای شهری شهرداری قزوین	خانه‌ای تاریخی که قسمت بیرونی‌اش در دوطبقه باقی‌مانده، مهمانخانه با خنجر پوش، قاب‌های چوبی، گچ‌بری و نقاشی روی چوب و دیوار تزئین شده با نقاشی
حسینیه امینی‌ها	خانه مسکونی و حسینیه	حسینیه	دارای چهار حیاط و فضاهای مختلف در دوطبقه همکف و زیرزمین، سه تالار که در موازات یکدیگر قرار گرفته و به‌وسیله ارسی‌های زیبایی به یکدیگر مرتبط هستند و دارای تزئیناتی چون نقاشی، آئینه‌کاری، رف‌های کاسه‌ای مزین گچ‌بری و گره بندی چوبی
گرمابه بلور	حمام	موزه سنگ	وجود نقاشی‌های منحصر به فرد زوی آهک و همچنین تزئینات یزدی بندی با آهک در سربینه، فضاهای معماری سالم و برجای‌مانده

اگر به‌صورت موردی و تاریخی به وضعیت محله آخوند دقت کنیم متوجه طیف تاریخی گسترده آن از صفویه، قاجار، پهلوی خواهیم بود. نکته قابل‌توجه این‌که تقریباً ارزشمندترین بناهای قزوین در این بافت واقع شده‌اند. مجموعه‌ای از کاربری‌های معماری ایرانی از خانه گرفته تا آبانبارهای بزرگ. این شکل از موجودیت کالبدی ما را به بررسی زمان و مکان و هویت در آن وامی‌دارد. بررسی مفاهیمی چون روح زمانه، زمان و مکان بهترین گزینه برای دست یافتن به هدف غیر عینی ما در محله می‌باشد.

۲-۶- بررسی حس مکان در آبانبار و مدرسه سردار

در چگونگی بنا نهادن مدرسه و آبانبار سردار کوچک در محله آخوند روایت‌های فراوانی ست که صحیح‌ترین آن بدین شرح است. مسجد و مدرسه سردار یکی از زیباترین مدارس علمیه شهر قزوین است که در انتهای خیابان تبریز قرار دارد. بانی این بنا دو برادر به نام‌های حسین‌خان و حسن‌خان از سرداران فتحعلی‌شاه قاجار می‌باشند که در سال ۱۲۳۱ هجری قمری آن را در دوطبقه احداث نمودند. در ورودی این بنا در سمت شمال واقع است که به هشتی وسیعی وارد می‌شود و در دو طرف آن به دو شبستان راه

پیدا می‌کند. سردر زیبا و باشکوه مدرسه با کاشی‌کاری‌های مینایی و نقوش گل‌وبوته، پرندگان و خطوط اسلیمی زینت یافته و دارای کنیبه‌ای از سنگ مرمر و به خط نستعلیق ممتاز می‌باشد که به قلم شیخ محمدعلی بن شیخ عبدالرحیم بوده و در آن تاریخ و بانی بنا مشخص شده است. اشکال (۴)، (۵) و (۶) معماری زیبایی بخش های مختلف مدرسه سردار را نشان می‌دهد:



شکل ۴: دید از حیاط مرکزی مدرسه سردار
(<https://fa.wikipedia.org/wiki/>)



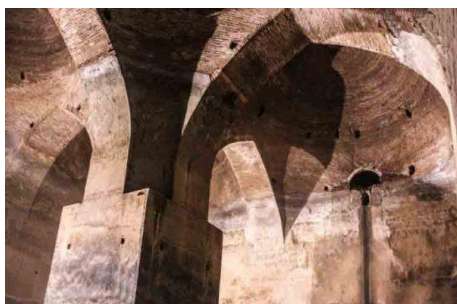
شکل ۵: سقف هشتی مدرسه سردار
(<https://fa.wikipedia.org/wiki/>)



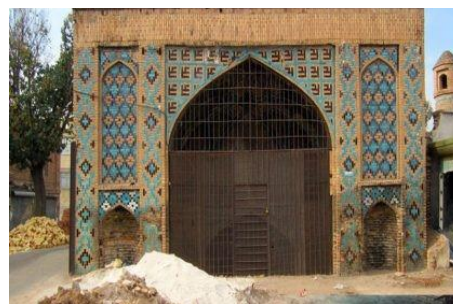
شکل ۶: سردر ورودی مدرسه
(<https://fa.wikipedia.org/wiki/>)

صحن مدرسه به شکل مستطیل با ۱۴۴۰ مترمربع مساحت دارای یک ساختمان دوطبقه می‌باشد که ازاره آن با سنگ و بقیه با آجرتراش و کاشی‌های رنگارنگ تزئین شده است. گرداگرد حیاط مدرسه از چهار طرف در قسمت گلوبی با خط زیبای نستعلیق به رنگ سفیدروی کاشی بنفش، اشعار محتشم کاشانی درج شده است. در وسط حیاط مدرسه حوضی سرپوشیده و در جنوب مدرسه مهتابی بزرگی است که به اندازه یک متر از کف حیاط بلندتر است و از جانب شرق و غرب هم‌اندازه مدرسه می‌باشد که در تابستان برای استراحت و یا انجام مراسم تعزیه احداث شده است.

باب حجره در بخش شرقی و غربی دو گوشواره که متصل به ایوان‌های کوچکی است، بنا شده به‌طوری که در وسط یک مدرس (محل درس) یا حجره بزرگ است و در دو طرف آن دو گوشواره باریک قرار دارد که راهروی طبقه دوم می‌باشد. مسجد سردار در قسمت جنوبی حیاط مدرسه و متصل به مهتابی بزرگ آن واقع است و سه طاق آجری دارد. در بالای طاق میانی که بزرگ‌تر از دو طاق دیگر است، گنبد مخروطی کوچکی با کاشی فیروزه‌ای برپاشده و در بالای گنبد، سرقبه‌ای با طول بیش از ۲۰،۱ و عرض ۴۰ سانتی‌متر قرار داشته است. اشکال (۷)، (۸) و (۹) معماری زیبایی بخش های مختلف آب انبار سردار را نشان می‌دهد:



شکل ۸: طاق و ستون های داخل آب انبار
(<https://fa.wikipedia.org/wiki/>)



شکل ۷: نمای ورودی آب انبار سردار
(<https://fa.wikipedia.org/wiki/>)



شکل ۹: پله های اب انبار (https://fa.wikipedia.org/wiki)

آبانبار سردار کوچک بر خلاف نام آن از آبانبارهای بزرگ و مهم شهر قزوین به شمار می‌رود. این آبانبار سی و هفت پله دارد با چهار شیر و انبار آن به چهار گنبد و چهار بادگیر یا بخارکش مسقف است. نمای آن با آجرهای کاشی تزیین یافته و دارای کتیبه‌ای از سنگ مرمر است. بانی این آبانبار محمد حسن خان و محمد حسین خان سردار، دو برادر از امرا و سرداران فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار بوده‌اند که در سال ۱۲۹۹ هجری قمری اقدام به ساخت این بنا کرده‌اند. چون این آبانبار منتسب به برادر کوچک تر می‌باشد به آبانبار سردار کوچک معروف شده‌است در حالی که که از لحاظ اندازه وسیع تر است از آبانبار سردار بزرگ. این آب انبار سی و هفت پله دارد با چهار شیر و انبار آن به چهار گنبد و چهار بادگیر یا بخارکش مسقف است. نمای آن با آجرهای کاشی تزیین یافته و دارای کتیبه‌ای از سنگ مرمر است. مؤلفه های حس مکان در مدرسه و آب انبار سردار در جدول (۳) به تفکیک آورده شده است:

جدول ۳: بررسی مؤلفه های حس مکان در مدرسه و آب انبار سردار (نگارنده)

مؤلفه های حس مکان		مدرسه سردار	آب انبار سردار
ویژگی های کالبدی	فرم	دارای فرم مستطیلی با حیاط مرکزی می باشد.	دارای فرم مربع می باشد
	بافت و تزئینات	سر در کاشی کاری شده، ورودی دارای رسمی بندی با کتیبه‌ای از سنگ مرمر به خط نستعلیق	سه فضای گنبد دار و سر دری زیبا و کاشی کاری شده
معانی	روابط و چیدمان	دارای حیاط مرکزی در دو طبقه که دارای دو میان سرای کوچک و سه فضای شبستان گنبددار	یک طبقه و زیرزمین که فضای اصلی آب انبار در آن قرار گرفته است.
	هویت	مکانی هویتمند در سطح محله و شهر می باشد که مکان مورد نظر گاهی با نام مدرسه سردار شناخته می شود.	مکانی هویتمند در سطح محله و شهر می باشد که مکان مورد نظر گاهی با نام آب انبار سردار شناخته می شود.
فعالیت ها	زیبایی و نمادها	نماد معماری اسلامی دوره قاجار و تزئینات منحصر به فرد آن دوره	نماد فرهنگی و اجتماعی در سطح محله و سبک زندگی دوره قاجار
	تعاملات اجتماعی	این مدرسه در حال حاضر دارای کاربری مسجد-مدرسه می باشد و شاهد تعاملات اجتماعی مردم در این فضا می باشیم.	این آب انبار در حال حاضر دارای کاربری موزه می باشد و بیشتر از قبل در آن تعاملات اجتماعی دیده می شود.
	رضایتمندی	رضایتمندی از فضا وجود دارد.	رضایتمندی از فضا وجود دارد.
حس اجتماع پذیری		این مکان دارای حس اجتماع پذیری بالایی است و به دلیل قدمت و کاربری آن مردم تمایل به حضور در این فضا دارند.	به دلیل کاربری فعلی آب انبار که تبدیل به موزه شده است، تمایل به حضور در این مکان توسط مردم مشاهده می گردد.

۷- نتیجه گیری

توجه به مؤلفه‌های مؤثر بر طراحی فضاهای با ایجاد حس مکان در حوزه‌های علمی و اجرایی شرایط اتخاذ تصمیمات بهینه را برای مدیران اجرایی و طراحان فراهم می‌آورد. حس مکان با میزان تمایل حضور کاربران در محیط در ارتباط بوده و تعاملات اجتماعی متقابل میان فرد و محیط را تعریف می‌کند و محرک فرد جهت بازگشت مجدد به مکان می‌باشد که این امر به جهت ایجاد ارتباط مناسب میان فرد و محیط پیامدهای بسیاری را در پی خواهد داشت. در پژوهش حاضر معیارهای مؤثر بر ایجاد حس مکان در قالب مؤلفه‌هایی طبقه‌بندی و تحلیل شد. تحلیل نتایج بیانگر آن است که عواملی مانند عوامل ادراکی، شناختی، عوامل اجتماعی و عوامل محیطی -کالبدی در جهت بازتاب حس مکان از عوامل بسیار تأثیرگذار در این خصوص می‌باشند که هر کدام

شامل زیرمؤلفه‌های متعدد می‌باشد. از این نتایج می‌توان جهت شناخت و تقویت عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان استفاده کرد، این مؤلفه‌های در مدرسه و آبنبار محله آخوند قزوین که از شاهکارهای معماری دوره قاجار می‌باشند، موردبررسی قرار گرفت و بررسی‌ها نشان داد که حس و مکان و مؤلفه‌های آن در این دو اثر تاریخی به‌وضوح دیده می‌شود.

منابع

۱. پرتوی، پروین، (۱۳۸۲)، مکان و بی‌مکانی، رویکردی پدیدارشناسانه، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۴
۲. دانشپور، عبدالهادی؛ سپهری مقدم، منصور و چرخچیان، مریم، (۱۳۸۸)، تبیین مدل دل‌بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۸.
۳. رلف، ادوارد، (۱۳۸۹)، مکان و بی‌مکانی، ترجمه نقاصان، محمدرضا، ماندگاری، کاظم و متکی، زهیر، انتشارات آرمان‌شهر، چاپ اول، تهران.
۴. فلاحت، محمدصادق، (۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
۵. گیدئون، زیگفرد، (۱۳۹۲)، فضا، زمان و معماری: رشد یک سنت جدید، منوچهر مزینی، علمی و فرهنگی.
۶. نادری، کامران، (۱۳۷۸)، از کاربری تا مکان، مجله معمار، شماره ۶.
۷. نکویی، نسیم السادات؛ مؤمنی، کورش؛ عطاریان، کورش، (۱۳۹۶)، بررسی حس تعلق به مکان در بناهای مذهبی-تاریخی در راستای افزایش تعامل ساکنین محله با بنا (نمونه موردی: مسجد جامع اصفهان)، نشریه علمی - پژوهشی معماری و شهرسازی ایران.
8. Cross, Jennifer E. (2001), "What is Sense of Place", Research on Place & Space Website, 20 Feb. 2003; 12 Mar. 2003; <http://www.western.edu/headwtrsr/Archives/headwaters12_papers/cross_paper.html
9. Hummon, David (1992), "Community Attachment: Local Sentiment & Sense of Place", Plenum, New York
10. Norberg-Schulz, Christian (1975), "Meaning in Western Architecture", Praeger Publishers, New York
11. Power, K., & Wirfs-Brock, R. (2019, March). Sense Of Place Within The Virtuous Circle Of Architecture Decision-Making. In 2019 IEEE International Conference On Software Architecture Companion (Icsa-C) (Pp. 1-2). Ieee
12. Quinn, T., Bousquet, F., & Guerbois, C. (2019). Changing places: The role of sense of place in perceptions of social, environmental and overdevelopment risks. Global Environmental Change, 57, 101930.
13. Rapoport, A. (1990), "The meaning of the built environment: a nonverbal communication approach", the University of Arizona Press, Tucson
14. Raymond, C. M., Kyttä, M., & Stedman, R. (2017). Sense of place, fast and slow: the potential contributions of affordance theory to sense of place. Frontiers in psychology, 8, 1674.
15. Relph, E. (1976), "Place and Placelessness", Pion, London
16. Ryfield, F., Cabana, D., Brannigan, J., & Crowe, T. (2019). Conceptualizing 'sense of place' in cultural ecosystem services: A framework for interdisciplinary research. Ecosystem Services, 36, 100907.
17. Seamon, David (1982), "The Phenomenological Contribution to Environmental Psychology", Journal of environmental psychology, no. 2, pp. 119-140.
18. Steele, Fritz (1981), "The Sense of Place", CBI Publishing Company, Boston
19. Wartmann, F. M., & Purves, R. S. (2018). Investigating sense of place as a cultural ecosystem service in different landscapes through the lens of language. Landscape and Urban Planning, 175, 169-183.
20. Zanganeh, M. (2019). Sensing of Sense of Place in Small, Medium and Large Cities (Case Study: Cities: Khaf, Sabzevar and Mashhad). Geographical Planning of Space, 9(32), 199-212.
21. Žlender, V., & Gemin, S. (2020). Testing urban dwellers' sense of place towards leisure and recreational peri-urban green open spaces in two European cities. Cities, 98, 102579.

واکاوی و بررسی طراحی مجموعه های تفریحی و اقامتگاهی با رویکرد تقویت حس سرزندگی اجتماعی؛ مورد مطالعه: روستای بند ارومیه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

کد مقاله: ۸۸۱۵۱

شفق عیاررضایی*

چکیده

استراحتگاه، مجموعه اقامتگاهی، مجموعه رفاهی تفریحی و مانند آن عناوینی است که برای تأسیسات تفریحی- اقامتگاهی به کار می رود، که تلاش می کنند که بیشترین خدمات و امکانات لازم را برای مردم در طول اقامتشان ارائه کنند، اطلاق می شوند. امروزه ضرورت شناخت مولفه های تاثیر گذار بر کیفیت فضاهای شهری به منظور پاسخگویی به نیازهای شهروندان در راستای ارتقای حضور، سرزندگی و سطح تعاملات اجتماعی آنها، بیش از پیش مهم جلوه می نماید. ایجاد مراکز تفریحی و اقامتگاهی و جذب گردشگر و گردشگری در نواحی روستایی، محرکی برای افزایش تولیدات روستایی است و سبب ایجاد فرصت های شغلی جدید برای روستائیان به ویژه جوانان می شود. روش تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی و از نوع مطالعات عملی و کاربردی است. تفرجگاه بند، یکی از مناطق گردشگری شهر ارومیه، به دلیل نزدیکی به شهر و طبیعت زیبایش، نظر گردشگران زیادی را به خود جلب کرده است، ولی به دلیل نبود برنامه ریزی و مدیریت گردشگری، سود اقتصادی چندانی برای ساکنان محلی به همراه نداشته است. لذا با در نظر گرفتن مولفه ها، شاخص های سرزندگی اجتماعی و یافته های پژوهش و طراحی مجموعه های تفریحی و اقامتگاهی با رویکرد تقویت حس سرزندگی اجتماعی می توان در این راستا گام های مهمی برداشت.

واژگان کلیدی: طراحی مجموعه های تفریحی و اقامتگاهی، حس سرزندگی اجتماعی، حس مکان، روستای بند ارومیه

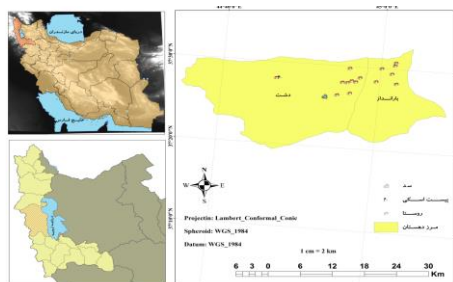
۱- مقدمه

گسترش رشد و ساخت مجموعه‌های تفریحی اقامتگاهی در زمینه‌های مستعد این ساختارها جزو مسایل مهم رشد و ترقی فرهنگی اقتصادی و اجتماعی است. طراحی معماری فضایی منطبق بر جغرافیای ناحیه مورد مطالعه در قالب یک مجموعه تفریحی و اقامتگاهی متناسب با عملکرد فرهنگی، تجاری، تفریحی و پیوسته با فضای سبز در درجه اول با بهره‌گیری از مفاهیم طبیعت و اصل احترام به طبیعت توجه به اصول معماری پایدار و هماهنگ با ارزش‌های فرهنگی آن منطقه است که می‌توان محیطی مناسب به وجود آورد. در وحله دوم موجب ارتقاء سرزندگی اجتماعی بین محیط با انسان و انسان با انسان منجر می‌شود. ثالثاً مکانی برای تعاملات تجاری و اقتصادی فعالان این عرصه را نیز می‌تواند در خود جای دهد. استان آذربایجان غربی با دارا بودن اماکن تاریخی و جاذبه‌های گردشگری و طبیعی یکی از زیباترین استان‌های کشور به شمار می‌آید (سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی، ۱۴۰۰). روستای گردشگاهی بند از توابع بخش مرکزی شهرستان ارومیه، با مختصات جغرافیایی ۴۵ درجه ی طول شرقی و ۳۷ درجه و ۲۹ دقیقه ی عرض شمالی، در ۳ کیلومتری جنوب غربی ارومیه یکی از تفرجگاههای اصلی مردم ارومیه می‌باشد. ارتفاع این روستا از ۴۰۰۰ نفر جمعیت، سطح دریا ۱۴۰۰ متر می‌باشد. آب و هوای این روستا در بهار و تابستان معتدل و در پاییز و زمستان سرد است. این روستا از دیر باز محل مبادله کالاها و بازار روستایی منطقه ی ارومیه بوده است و در کنار بستر رودخانه ی شهرچای به صورت خطی استقرار و امتداد یافته است. درآمد بیشتر مردم روستای بند، از فعالیت‌های زراعی و باغی از جمله گندم، جو، باغات سیب و انگور و محصولات دامی از جمله گوشت، فرآورده‌های لبنی و پشم و هم چنین، تولید صنایع دستی روستایی از قبیل گلیم، قالی و فرش تأمین می‌شود (راحتی، خاوردیزاده و نجفی علمدارلو، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۳). مهم‌ترین جاذبه‌های طبیعی و گردشگری روستای بند، تفرجگاههای حاشیه ی رودخانه ی شهرچای، باغات پیرامون روستا، چشم‌انداز کوهستان و تفرجگاه زمستانی بند، دریاچه پشت سد شهرچای با قابلیت‌های ورزش‌های آبی و تفرجگاه پیرامونی سد شهرچای می‌باشند. تفرجگاه بند، یکی از مناطق گردشگری شهر ارومیه، به دلیل نزدیکی به شهر و طبیعت زیبایش، نظر گردشگران زیادی را به خود جلب کرده است، ولی به دلیل نبود برنامه ریزی و مدیریت گردشگری، سود اقتصادی چندانی برای ساکنان محلی به همراه نداشته است. لذا با طراحی مجموعه‌های تفریحی و اقامتگاهی با رویکرد تقویت حس سرزندگی اجتماعی می‌توان در این راستا گام‌های مهمی برداشت.

۲- بیان مسئله

کمرنگ شدن فضاهای اجتماع پذیر به فقدان هویت جمعی در مکان، رفتارها، کم رنگ شدن گفتگوهای رو در رو کاهش نشاط اجتماعی، تبدیل مفهوم پیاده راه‌ها به مسیرهای عبور و مرور و کاهش امنیت و کیفیات اجتماعی در قرارگاه‌های رفتاری منجر شده است (رحیمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۵). فضاهای عمومی یک عامل اصلی برای سلامت روحی و روانی یک جامعه پایدار هستند (مدنی پور، ۱۳۸۹: ۲۴۷). از نظر جیکوبز وجود تنوع در کاربری‌های یک مرکز شهری (خیابان) بار فرهنگی- اجتماعی آن را افزایش داده و مراکز شهری پرمعنا را به همراه دارد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۱۱۰-۱۰۹). گردش و تفریح بخش مهمی از گذران فراغت را تشکیل می‌دهد که به طور خاص با فعالیت‌های فراغتی در فضاهای باز طبیعی ارتباط دارد، با توجه به مسائل و مشکلات روز افزون شهرنشینی معاصر از یک سو و نقش و جایگاه گردشگری در نظام اقتصادی ملی و منطقه ای کشور از سوی دیگر، برنامه ریزی و ساماندهی گردشگری به یکی از عرصه‌های مهم و ضروری برای گسترش فرهنگ فراغت، اعتلاء کیفیت زندگی شهری، کاهش تعارضات محیطی و اجتماعی و ایجاد منابع جدید اقتصادی بدل شده است، به ویژه ماهیت گردشگری از نظر کاهش تنش‌های شهری و نزدیکی به طبیعت و آشنایی با فرهنگ‌ها و موارث تاریخی و اجتماعی ملل کارکردی تعیین کننده دارد که ضرورت برنامه ریزی و توسعه آن را تقویت می‌کند، بنابراین گردشگری چه از نظر برنامه ریزی و توسعه و تجهیز، چه به لحاظ سهم سرمایه گذاری و نیز از نظر ساماندهی رفتارهای تفرجی و تقویت فرهنگ فراغت واجد اهمیت و نقش روزافزونی است (مغفرت خواه، ۱۳۹۶: ۲). توسعه گردشگری روستایی می‌تواند نقش مهمی در رفع فقر، اشتغال زایی و افزایش درآمد برای مردم مناطق روستایی قلمداد شود (sebele, 2010, p.143) ایجاد مراکز تفریحی و اقامتگاهی و جذب گردشگر و گردشگری در نواحی روستایی، محرکی برای افزایش تولیدات روستایی است و سبب ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای روستائیان به ویژه جوانان می‌شود، همچنین موجب پیشگیری از مهاجرت بی رویه روستائیان به شهرها و حفظ توان تولیدی روستا می‌شود (قدیری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۷). تفرجگاه بند از توابع بخش مرکزی شهرستان ارومیه با مختصات جغرافیایی ۴۵ درجه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی، در ۴ کیلومتری جنوب غربی ارومیه واقع شده است. ارتفاع مرکز منطقه مورد مطالعه از سطح دریا ۱۴۰۰ متر است (زننده دل، سلیمی و نوروزی، ۱۳۸۶: ۱۱۶؛ مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲۶).

از آنجاکه این تفرجگاه در منطقه کوهستانی واقع شده است، در بهار و تابستان آب و هوای مطبوع و خنکی دارد و در پاییز و زمستان سرد است. این منطقه یکی از مناطق گردشگری شهر ارومیه است که با توجه به موقعیت ممتاز جغرافیایی و بهره‌مندی از توان‌های زیاد در حوزه طبیعت گردی و گردشگری روستایی و نزدیکی به شهر ارومیه (۴ کیلومتری)، همواره پذیرای گردشگران زیادی بوده است. وجود باغ‌های میوه و کوه‌های بلند در اطراف منطقه، رودخانه و سد شهرچای در بالادست روستای بند و کوه سیر و پیست اسکی خوشاکوه، کلیسای سیر و آداب و رسوم محلی و... از جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی این منطقه است.



شکل ۱- نقشه موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه،
مأخذ: طرح هادی روستای بند، ۱۳۸۹



شکل ۳- وادی بند ارومیه و دره های سرسبز که جزو
جاذبه های اکوتوریستی این منطقه محسوب می شوند
(مأخذ: <http://www.citypedia.ir>)

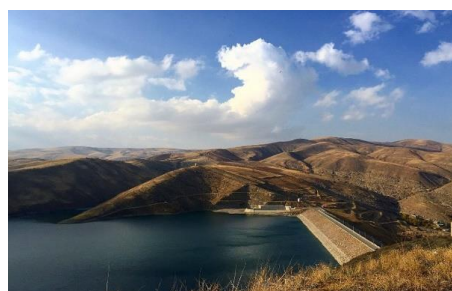


شکل ۵- وادی بند ارومیه و دره های سرسبز که جزو
جاذبه های اکوتوریستی این منطقه محسوب می شوند
(مأخذ: نگارنده، ۱۴۰۰)

مردم روستای بند اغلب کرد زبان هستند و شغل اصلی آن ها زراعت و دامداری است اما در طی سال های اخیر به دلیل افزایش گردشگران و مسافران در این منطقه، تعداد زیادی از این روستایان برای ارائه ای خدمات به این گردشگران تغییر شغل داده و همین امر سبب شده که رستوران ها و غذا خوری های و مراکز رفاهی مختلف در تفرجگاه بند ساخته شوند. پیشرفت ساخت وساز در جنوب شهر ارومیه باعث شده که فاصله شهر ارومیه از تفرجگاه بند بسیار کم شود و همین امر سبب شده که مردم به این مکان تفریحی گرایش بیشتری داشته باشند.



شکل ۲- عکس هوایی، منطقه روستای بند ارومیه (مأخذ:
نگارنده، ۱۴۰۰)



شکل ۴- سد شهر چایی ارومیه که بر روی رودخانه شهر
چایی در امتداد روستای بند جریان دارد (مأخذ: نگارنده،
۱۴۰۰)

۳- روش تحقیق

این تحقیق به شیوه توصیفی و تحلیلی و از نوع مطالعات عملی و کاربردی است که مبتنی بر مطالعه، کارهای انجام شده، تحقیق ها و پایان نامه های به روز و تجزیه و تحلیل آن ها می باشد و با پرداخت مرحله به مرحله با رویکرد استدلالی (مقایسه دیدگاه ها) مخاطب را به آستانه شناخت حضوری می رساند و در نهایت تلاش شده تا در انتهای کار ماحصل یافته ها با نگاهی نوین و در قالب یک طرح کاربردی بر اساس رویکرد حس سرزندگی اجتماعی در طبیعت بکر و زیبای روستای بند ارومیه ارائه گردد.

۴- پیشینه پژوهش

بهرامی و حیدرپور (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت عنوان طراحی مجموعه توریستی تفریحی بارویکرد معماری پایدار در راستای توسعه گردشگری (نمونه موردی میاندوآب) پرداخته اند. اهداف آن مبتنی بر خلق فضایی با عملکردهای تفریحی- توریستی در کنار رودخانه می باشد. با توجه به بررسی انجام شده در اسناد طرح های بالا دست در زمینه گردشگری، طراحی و احداث هتل (تسهیلات گردشگری) یکی از ضروریات این منطقه می باشد. اختر کاروان و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله طراحی مجموعه اقامتی توریستی تفریحی با رویکرد معماری سبز (نمونه موردی اصفهان)، نشان دادند که بیشتر اصولی که در معماری پایدار نوین در قرن بیستم مطرح شده در معماری قدیمی این شهر بخوبی رعایت گردیده است. پورحیدر شیرازی (۱۳۹۴)، در پژوهشی به ارتقاء سرزندگی و حس تعلق به مکان در فضاهای شهری (مطالعه موردی: منطقه ۵ شهر اصفهان)، پرداخته اند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که حوزه

های فعالیت و معنا از نظر کاربران واجد اهمیت بیشتری از عناصر کالبدی بوده و همین امر، اهمیت برنامه ریزی در جهت ارتقای فعالیت های تفریحی و اجتماعی را دوچندان می کند. در واقع، برنامه ریزی برای بهبود عامل کالبدی نیز بایستی در جهت افزایش امکان شکل گیری فعالیت های متنوع و نیز بهبود تصویر و سیمای محیط در ذهن کاربران فضا باشد تا موجب ارتقای میراث هویت و خاطرات جمعی و تجمع میراث ناشی از زندگی هر روزه شهروندان در محیط های شهری گردد. عباس زاده، غفاری آذر و آیشم (۱۳۹۲)، به بررسی مفهوم حس تعلق به مکان در فضاهای شهر دیروز و امروز (مطالعه موردی: شهر ارومیه)، پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان می دهد در اکثر فضاهای جدید شهرها این حس تعلق و هویت نادیده گرفته شده و نیازمند توجه و بررسی بیشتر و اصولی تر می باشند. مطیعی لنگرودی و رضائیه آزادی (۱۳۹۲)، در ارزیابی اثرات اقتصاد گردشگری از دیدگاه جامعه میزبان در تفرجگاه بند ارومیه، نتایج پژوهش نشان می دهد، که گردشگری اثرات مثبتی همچون ایجاد اشتغال برای جوانان و افزایش درآمد برای ساکنین محلی و اثرات منفی مانند افزایش قیمت زمین برای ساکنین محلی به دنبال داشته است. طاهر طلوع دل و اشرف السادات (۱۳۹۶)، در بررسی مؤلفه های عامل ایجاد سرزندگی ساکنین فضاهای زیستی، براساس تحلیل نظرات ۱۲ متخصصین مربوطه، سه مؤلفه کالبدی، مؤلفه اجتماعی و نیز مؤلفه زیست محیطی مؤثرترین مؤلفه ها محسوب می شوند. نتایج کمی این تحقیق نشان داده است که مؤلفه کالبدی ۷۴/۴۲٪، مؤلفه اجتماعی ۱۸/۱۶٪ و مؤلفه زیست محیطی نزدیک به ۷/۰۰٪ در تحقق حس سرزندگی مؤثر بوده اند. دستاورد نهایی این تحقیق تبیین مدل ارتباطی میان مؤلفه های عامل تحقق سرزندگی برای ساکنین فضاهای زیستی است.

۵- مبانی نظری تحقیق

۵-۱- مجموعه های تفریحی و اقامتگاهی

استراحتگاه، مجموعه اقامتگاهی، مجموعه رفاهی تفریحی و مانند آن عناوینی است که برای تأسیسات تفریحی - اقامتگاهی به کار می رود، که تلاش می کنند که بیشترین خدمات و امکانات لازم را برای مردم در طول اقامتشان ارائه کنند، اطلاق می شوند. چنین خدماتی شامل خوراک، آشامیدنی ها، محل اقامت (مهمانخانه)، امکانات ورزشی، سرگرمی و خرید می شوند (دلخواه، ۱۳۹۸: ۱۴). صنعت هتلداری و فضاهای اقامتی زیر مجموعه ای از صنعت توریست و گردشگری بین المللی به شمار می رود و بین درآمد آنها در مناطق مختلف دنیا، ارتباط مستقیم وجود دارد (Bucci F, et al, 2002). صنعت گردشگری به لحاظ درآمدزایی و تاثیر در رشد اقتصادی کشورها با ایجاد زمینه ها و زیر ساخت های مناسب درصد بهره برداری از مزایای این صنعت هستند. برای اغلب این کشورها گردشگر منبع مهمی برای فعالیت های تجاری، کسب درآمد، اشتغال زایی و مبادلات خارجی محسوب می شود (Haber, Lerner, 1998, p.198). بسیاری از این کشورها سالانه در آمد سرشاری از این صنعت گردشگری به دست می آورند برای مثال در طی دو دهه گذشته استرالیا از این بخش ۵۰ میلیون دلار در آمد به دست آورده است (Foster.1997, p.27).

۵-۲- تعریف فضای باز شهری

منظور از فضای باز شهری هر آن چیزی است که در میان توده ها قرار گرفته است و شامل خیابان ها، میدان ها، فضای تفریح و گردهمایی خارج از توده ها، فضای پیاده و... می شود. فضای باز شهری را می توان سیستمی از روابط بین اشیاء (توده ها) در نظر گرفت. فضایی که بین اشیاء قرار گرفته (فضای مابین) تنها یک فضای تهی نیست. فضای مابین برای شناخت اشیاء ضروری هستند. بدون این فضاها بازشناسی مستقل اشیاء عملی نیست و گذشته از آن، فضاهای مابین، نقش بسیار مهمی در رابطه تک تک عناصر با یکدیگر ایفا می کنند (کشتکاران، ۱۳۸۹).

شاخص های سرزندگی انتخابی، جهت بررسی در فضای باز شهری را می توان چنین بیان نمود:

خوانایی: میزان درک و فهم یک مکان توسط مردم؛ (احمدی نژاد و فخارزاده، ۱۳۷۹).

حس مکان: به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه ی آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباط درونی با محیط قرار می دهد (پرتوی، ۱۳۸۲: ۵۰-۴۰).

تمایز معمارانه: بهره مندی از خلاقیت معمارانه در عین هماهنگی با سایر عناصر شهری؛

اتصال و ارتباط: ترکیب منطقی با سایر کاربری ها و بدنه های کالبدی؛

محیط های شهری دوستانه: احساس امنیت عاطفی و لذت از مکان؛ (پرتوی، ۱۳۸۲: ۵۰-۴۰).

امنیت: کیفیتی از محیط که آرامش و آسودگی را چه در بعد فیزیولوژیک و چه در بعد روانی به همراه دارد.

از لحاظ روانشناسی: نزدیک شدن، پیش بینی سلسله مراتبی از خلوت تا تعامل اجتماعی؛

۵-۳- حس مکان

حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه از محیط خود است که شخص در ارتباط درونی با محیط برقرار می کند و این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می گردد (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۷). از دیدگاه روانشناسی محیطی انسان ها به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص

نسبت به محیط زندگی نیاز دارند. این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی هم ذات‌پنداری یا مکانی که در آن سکونت دارد قابل تحقق است. این تعامل صمیمی و هم ذات‌پنداری، روح یا حس مکان نامیده می‌شود. از نظر روانی حس مکان کاتالیزوری است که باعث تبدیل شدن یک محیط به یک مکان می‌شود، روند تجربه عمیق مکان نه به عنوان یک شی بلکه به عنوان یک ارگانیسم زنده است که بعد از انطباق‌های متقابل پی در پی محقق می‌شود، از این رو روابط بین افراد و مکان‌ها نیازمند ثباتی خاص است (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۸). فریز استیل نیز حس مکان را این گونه شرح می‌دهد: رابطه انسان و مکان تعاملی است یعنی مردم چیزهای مثبت یا منفی را به محیط می‌دهند و سپس از آن می‌گیرند بنابراین چگونگی فعالیت‌های مردم در کیفیت تأثیر محیط بر آنها اثر گذار است (Steel, 1981). در واقع دلبستگی به مکان رابطه نمادین ایجاد شده توسط افراد به مکان است که معانی احساسی، عاطفی و فرهنگی مشترکی به یک فضای خاص می‌دهد. دلبستگی به مکان مبنایی برای درک فرد و گروه نسبت به محیط است و معمولاً در محیط فرهنگی به وجود می‌آید (لینچ، ۱۳۷۶). آلتمن حس تعلق در محیط را بیش از تجربه شناختی دانسته و اعتقاد دارد که این حس، عقاید فرهنگی مرتبط کننده افراد با محیط را شامل می‌شود و خصوصیات این محیط را در سه عامل مقیاس، اختصاصی بودن و قابل دسترس بودن بیان می‌نماید (تولایی، ۱۳۸۰: ۴۱). راپاپورت با تأکید بر نقش مولفه‌های اجتماعی فرهنگی در شکل‌گیری محیط کالبدی، با ارائه نظریه ارتباط غیر کلامی، محیط را مجموعه‌ای از عناصر کالبدی ثابت، نیمه ثابت و متحرک تقسیم می‌کند که فرد بر اساس کدها و انگاره‌های فرهنگی خود، معنا و مفهوم خاص خود را از محیط و عناصر آن استنباط می‌کند (راپاپورت، ۱۳۸۸).

۵-۳-۱- ابعاد مختلف حس تعلق به مکان

- الف - تعلق کالبدی به مکان:** کیفیت‌های کالبدی و عملکردی مکان، به عنوان قرارگاهی برای فعالیت‌ها و داد و ستدهای اجتماعی، درجه‌ای از وابستگی و تعلق به مکان را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Ujang, 2009).
- ب- تعلق احساسی به مکان:** این بعد از تعلق، بر عواطف و احساسات انسانی نسبت به مکان و محیط اطراف او تأکید دارد و حس تعلق را ناشی از تعاملی بین شخص و محرک‌های کالبدی، اجتماعی و فعالیت‌ها می‌داند. احساس اصلی‌ترین دلیل شکل‌گیری و ایجاد ارتباط با محیط پیرامون است. احساس از طریق ادراک و شناخت محیط، عامل پیوند بین شخص و مکان و دیگران است (سیاوش پور، ۱۳۹۳).
- ج- تعلق اجتماعی به مکان:** برخی حس تعلق را ناشی از روابط و تعاملات اجتماعی جاری در مکان دانسته و آن را عامل اصلی در شکل‌گیری این حس می‌دانند از نگاه این رویکرد، حس تعلق به محیط برآیند عواملی از تعاملات اجتماعی می‌باشد که در محیط صورت می‌پذیرد. بر اساس این رویکرد محیط حاوی اطلاعات و نشانه‌های مشترک اجتماعی است که انسان‌ها با درک و رمزگشایی آن‌ها با محیط خود به تعامل می‌رسند (جوان فروزنده، ۱۳۹۰).

۵-۳-۲- سطوح مختلف حس تعلق به مکان

جدول ۱- سطوح مختلف حس تعلق به مکان، مأخذ: پورحیدر شیرازی، ۱۳۹۴: ۱۰.

سطوح مختلف حس تعلق به مکان	
بی تفاوتی نسبت به مکان	این سطح معمولاً در ادبیات حس تعلق به مکان مورد توجه واقع نمی‌شود ولی می‌تواند در سنجش حس تعلق به مکان مورد استفاده قرار گیرد.
آگاهی از قرارگیری در یک مکان	این سطح هنگامی است که فرد می‌داند که در یک مکان متمایز زندگی می‌کند و نمادهای آن مکان را تشخیص می‌دهد ولی هیچ احساسی که او را به مکان متصل کند، وجود ندارد. در این حالت فرد ممکن است بداند که در یک مکان مستقر است ولی نمی‌داند که بخشی از آن مکان است.
تعلق به مکان	در این سطح فرد نه تنها از نام و نمادهای مکان آگاه است بلکه با مکان احساس بودن و تقدیر مشترک داشتن نیز دارد، در این حالت نمادهای مکان محترم و آنچه برای مکان رخ می‌دهد، برای فرد مهم است.
دلبستگی به مکان	در این سطح فرد ارتباط عاطفی پیچیده با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها با مکان شخصیت می‌دهد. در این حالت بر منحصر به فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکان‌ها تأکید می‌کند.
یکی شدن با اهداف مکان	این سطح نشانه در آمیختگی و پیوستگی فرد با نیازهای مکان است. در این حالت فرد اهداف مکان را تشخیص داده، با آنها منطبق شده و از آنها پیروی می‌کند. در فرد شور، عشق، حمایت و از خود گذشتگی نسبت به مکان وجود دارد.
حضور در مکان	این سطح به نقش فعال فرد در اجتماع که علت آن تعهد به مکان است، توجه دارد. در مقابل تمامی سطوح قبل که مبنای نظری داشتند، این سطح از رفتارهای واقعی افراد برداشت می‌شود.
فداکاری برای مکان	این سطح بالاترین سطح حس مکان است و فرد عمیق‌ترین تعهد را نسبت به مکان دارد و فداکاری زیادی برای گرایش‌ها، ارزش‌ها، آزادی‌ها و رفاه در موقعیت‌های مختلف از خودشان نشان می‌دهد. در این سطح آمادگی برای رها کردن علایق فردی و جمعی به دلیل علایق بزرگتر نسبت به مکان وجود دارد.

۵-۴- حس سرزندگی اجتماعی

فرهنگ لغت معین، واژه ی «سرزندگی» را مسرور، معروف، مشهور و مهم تر تعریف می کند (لینچ، ۱۳۸۷: ۹۲-۹۰). سرزندگی یکی از مؤلفه های سازنده ی کیفیت کلی طراحی شهری یک محیط است (گلکار، ۱۳۸۷). سرزندگی، حالتی از نشاط و پویایی و برقراری ارتباط با محیط اطراف است که در این ارتباط تأثیرگذار و تأثیرپذیر است. اما آنچه در ادبیات تخصصی طراحی شهری در این خصوص از سال ۱۹۸۱ با انتشار آثار کلاسیک «داندل ایلارد» مطرح گردیده است (خیابان های سرزنده)، بیش تر حول مفهوم واژه «Livability» و «Liveliness» است که معنی آن به زبان فارسی سرزندگی است. سرزندگی به مفهوم این است که شکل شهر از عملکرد های حیاتی، نیاز های بیولوژیک و توانایی های انسان حمایت کرده و بقای همه موجودات زنده را تضمین کند (البر، ۱۳۸۵؛ مولایی هاشجین و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۴). در لغت نامه شهرسازی، سرزندگی یا لیواییلیتی^۱ را مناسب برای زندگی می داند و فراهم آوردن کیفیت زندگی مطلوب تعریف می کند (ذاکر حقیقی، ۱۳۹۸). در این رابطه می توان شاخص های سرزندگی، انواع سرزندگی را از دیدگاه لاندی چنین برشمرد:

۱. سرزندگی اقتصادی: توسط سطوح اشتغال، درآمد خالص و استانداردهای زندگی مردم در یک منطقه تحت بررسی، شمار سالیانه گردشگران، عملکرد خرده فروشی ها، ارزش زمین و دارای مورد ارزیابی قرار می گیرد.
۲. سرزندگی اجتماعی: به وسیله سطوح فعالیت ها و تعاملات اجتماعی به علاوه ماهیت ارتباطات اجتماعی سنجیده می شود. یک شهر سرزنده و زیست پذیر به لحاظ اجتماعی می تواند به واسطه سطوح پایین محرومیت، پیوستگی اجتماعی قوی، ارتباطات خوب و پویای میان لایه های اجتماعی، روحیه جمعی و غرور مدنی، دامنه وسیعی از شیوه های زندگی، روابط موزون و یک جامعه با طراوت توصیف کرد.
۳. سرزندگی محیطی: دو جنبه را در بر می گیرد: جنبه اول پایداری اکولوژیکی که در رابطه با متغیر هایی، نظیر آلودگی هوا و صوت، دفع مواد زائد و فاضلاب، انبوهی ترافیک و فضای سبز قرار دارد. جنبه دوم طراحی است که متغیر هایی، مانند خوانایی، حس مکان، تمایز معمارانه، اتصال و ارتباط بخش های مختلف شهر، کیفیت روشنایی و این را که محیط شهری تا چه حد دوستانه، امن و به لحاظ روانشناسی نزدیک شدنی است، در بر می گیرد.
۴. سرزندگی فرهنگی: در برگرفته بقا، احترام و تجلیل از شهر و مردمانش، هویت، خاطرات، سنت، جشن های اجتماعی، تولید، توزیع و مصرف محصولات دست بشر و نشانه هایی که بیانگر ماهیت متمایز شهر می باشد، است.

۵-۵- سرزندگی از دیدگاه معماری و شهرسازی

جین جیکوبز^۲ سرزندگی خیابان را امکان برقراری برخوردها و تعاملات مفید بین افراد و تماشا کردن دیگران می داند. وی پویایی و احساس زنده بودن شهر را در گرو مراکز شهری پیچیده، متراکم و پرازدحام می داند و به آثار مثبت اقتصادی اجتماعی و روانی عاطفی اینگونه مراکز اشاره می کند (جیکوبز، ۱۹۶۱). جیکوبز و دونالد ایلارد^۳ در مقاله به سوی یک مانیفست طراحی شهری، که در ژورنال انجمن شهرسازان آمریکا انتشار یافته است، کیفیت های لازم برای طراحی شهری را چنین برشمردند: ۱. سرزندگی؛ ۲. هویت و کنترل؛ ۳. دسترسی به فرصت ها، تخیل و شادی؛ ۴. اصالت و معنا؛ ۵. زندگی اجتماعی و همگانی؛ ۶. خود اتکایی شهری و محیطی برای همه (ذاکر حقیقی، ۱۳۹۸). می توان تنوع و فعالیت پذیری را به عنوان دو مولفه تأثیرگذار در سرزندگی فضاهای شهری دانست. یکی از راه های رسیدن به تنوع به کارگرفتن نمادهای شهری اند که برگرفته از کالبد موجود و ارزش های بافت تعریف می گردند که به خوانایی مکان افزوده و آن را به نماد تبدیل می کند. از دیگر عوامل سرزندگی، ایجاد کاربری های متنوع و متناسب با هر سکانس، استقرار کاربری های خدماتی که تداوم حضور شهروند را در پی دارد و همچنین استقرار کاربری های اوقات فراغت، تنوع میلمان و هماهنگی روشنایی مسیر بدنه ها و تأکید روشنایی روی عناصر و بناهای شاخص می باشد (پاکزاد، ۱۳۸۶). از آنجایی که فعالیت ها و کنش های متفاوت به راحتی براساس نیاز، زمان و... تغییر می کنند، در طراحی بایستی از انعطاف مناسب برخوردار باشند. گوناگونی (تنوع) تجربه ی فضا دلالت بر ویژگی های محیطی مکان هایی می کند که واجد فرم ها، استفاده ها و معانی گوناگون باشد. کاربری های متنوع جاذب با تأمین و تولید جریان هایی از جمعیت در فضاهای شهری این کیفیت را فراهم می آورد، که در این میان هفت کیفیت کلیدی در سرزندگی از دیدگاه بنتلی به شرح زیر است (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲).

1 . Livability
2 . Jane Jacobs
3 . Donald Appleyard

جدول ۲- هفت کیفیت کلیدی در سرزندگی از دیدگاه بنتلی، مأخذ: پورحیدر شیرازی، ۱۳۹۴: ۱۰.

عوامل مختلف تشکیل دهنده سرزندگی	
نفوذ پذیری	تعداد راه های بالقوه به یک محیط، اثر بر امکان رفتن مردم به مکانی (طراحی نقشه کلی راه ها و بلوک های ساختمانی)؛
گونگونگی	سمت و سو دادن به حق انتخاب و جریان اعمال تجربه ها، اثر بر تنوع قابلیت های که به مردم عرضه می گردد (استقرار انواع کاربری ها)؛
خوانایی	القاء تصویر ذهنی و سیمایی مردم در فرایند طراحی " طراحی تزیینات فضایی و ساختمانی واجد اثنیه و مکان های بیرونی " اثر بر چگونگی درک مردم از فرصت ها و موقعیت های یک محیط بر آنان می دهد.
انعطاف پذیری	ترکیب توانمند مکان ها برای منطقه های مختلف " تمرکز بر روی جزئیات تک بناهای بیرونی "، اثر بر توانمندی محیط برای پاسخگویی به استفاده های مختلف سازگار با اهداف متنوع مردم؛
تناسبات بصری	جزئیات ظاهری یک مکان که مردم را از گزینه های قابل عرضه به خودشان آگاه کند (طراحی سیای بیرونی)؛
غنا ی حسی	اثر بر قوام گزینه های مربوط به تجربیات حسی مردم کیفیتی که باعث افزایش تجربیات حسی مردم به طوری که موجب لذت آنان را فراهم آورد.
رنگ تعلق	امکان مهر و نشان خویش بر مکان را فراهم می آورد، زمینه سازی برای این که مردم به زدن نشان خویش بر مکان کار و زندگی خود تشویق شوند، آخرین تصمیمات مربوط به جزئیات فرم ها و مصالح؛

۵-۶- تعاملات اجتماعی

بین موجودات زنده رابطه ای اجتماعی وجود دارد که متعالی ترین شکل آن ویژه انسان است. انسان موجودی اجتماعی است و بسیاری از نیازهای او در جامعه و در تعامل با دیگران تأمین می شود. فضاهای جمعی مناسب با جذب افراد و گروه های مختلف و ایجاد شرایط مناسب برای شکل گیری تعاملات اجتماعی می تواند نگرش افراد با پیشینه های ذهنی و ویژگی های متفاوت را به یکدیگر نزدیک کنند و انسان ها را در تکمیل رشد روانی و اجتماعی شان یاری دهند (تیموری و یزدانی، ۱۳۹۲: ۹۲-۸۳). دانشور و چرخچیان (۱۳۸۶) بعد اجتماع پذیری فضا و ابعاد مختلف کالبدی و فعالیت های فضاهای عمومی مبتنی بر مراحل زیر بدانییم: پذیرا بودن فضا برای افراد و گروه های اجتماعی مختلف، تأمین آسایش روانی و فیزیکی و لذت بردن افراد و گروه های اجتماعی از حضور در فضا (دانشور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۹-۱۸). بر اساس تعاملات اجتماعی و کلیه مباحث مطرح شده در رابطه با حس تعلق به مکان و حس سرزندگی اجتماعی می توان الگویی کلی از مؤلفه های مؤثر برای تأمین سرزندگی در فضای زیستی ترسیم نمود.



شکل ۶- الگویی کلی از مؤلفه های مؤثر برای تأمین سرزندگی در فضای زیستی، مأخذ: طاهر طلوع دل و اشرف السادات، ۱۳۹۶: ۵۸.

۶- بحث و یافته های تحقیق

در خصوص تفرجگاه روستای بند و یافته های تحقیق می توان چنین برداشت نمود که بررسی موانع و مشکلات بر سر راه گردشگران در منطقه نشان می دهد که ۳۴ درصد گردشگران مشکلات مالی را مهمترین مانع سفر می دانند، نبود وسیله نقلیه با ۲۱/۷ درصد و مشکلات کاری با ۱۸/۵ درصد مهمترین موانع سفر گردشگران عنوان شده؛ کمبود وقت، امنیت جاده ها، مشکلات خانوادگی و جسمی از موارد دیگری هستند که بر مسافرت گردشگران تاثیر گذاشته اند. ۴/۲ درصد گردشگران توسعه توریسم در

افزایش درآمد محلی را بسیار نامناسب، ۶/۴ درصد آن را نامناسب، ۲۴/۵ درصد متوسط، ۳۱/۲ مناسب و ۳۳/۷ آن را بسیار مناسب دانسته اند. در این مرحله از پژوهش نقاط قوت، ضعف داخلی، فرصت و تحدید خارجی موجود در منطقه مورد مطالعه با یک ماتریس جداگانه مورد ارزیابی قرار گرفته تا زمینه جهت بهره برداری بهینه از توان اکولوژیکی و پتانسیل های اکوتوریسمی فراهم شود و منجر به توسعه گردشگری روستای بند ارومیه گردد.

جدول ۳- عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر توسعه گردشگری تفرجگاه بند ارومیه، مأخذ: نگارنده، ۱۴۰۰

نقاط قوت	نقاط ضعف
- حاشیه تفرجگاهی رودخانه بند، - نزدیکی به شهر ارومیه و دسترسی آسان گردشگران به این منطقه، - وجود جاذبه های گردشگری در مناطق همجوار با تفرجگاه بند و ایجاد زوج گردشگری، مانند پیست اسکی و... - وجود جاده ارتباطی ارومیه - بند، - کلیسای سیر و کوه سیر، - وجود شهر چای، - سرمایه گذاری افراد بومی در بخش گردشگری، - مشارکت ساکنان محلی در توسعه فعالیت های گردشگری،	- نامناسب بودن تسهیلات و تجهیزات اقامتی و رفاهی، - نامناسب بودن تسهیلات بهداشتی و خدماتی و نامناسب بودن تجهیزات تفریحی و ورزشی و... - عدم تمایل بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در بخش گردشگری و گسترش بیکاری فصلی در روستا، - عدم ایجاد تنوع شغلی در منطقه و همچنین عدم ایجاد اشتغال برای زنان، - افزایش قیمت زمین و گرایش به استفاده شخصی از فضاهای گردشگری در منطقه برای ویلاسازی و...
فرصت ها	تهدیدها
- افزایش انگیزه بیشتر برای مسافرت و تفریح در بین مردم، - افزایش توجه دولت به برنامه ریزی و سرمایه گذاری در بخش گردشگری، - وجود مسیرهای کوهنوردی و پیاده روی برای ارتقای گردشگری سلامت، - افزایش انگیزه در بخش خصوصی به سرمایه گذاری در این منطقه، - تهیه طرح های توسعه گردشگری برای منطقه، مانند انتخاب سد شهرچای برای منطقه نمونه گردشگری، - احداث تله کابین در ۳۲ کیلومتری منطقه، - سرمایه گذاری افراد غیر بومی در بخش گردشگری و همچنین وجود نهادها و سازمان های غیر دولتی در منطقه،	- مدیریت ناهماهنگ و نامنجم گردشگری در منطقه و ازدیاد تخلفات اجتماعی با ورود گردشگران در منطقه، - تغییر در کاربری اراضی و تک سوبه شدن کاربری ها در بخش گردشگری، - افزایش تمایل و انگیزه گردشگران برای مسافرت به سایر مناطق تفریحی در صورت عدم برنامه ریزی و نبود امکانات رفاهی و اقامتگاهی لازم در منطقه، - از بین رفتن منابع طبیعی و آلودگی زیست محیطی در اثر بی توجهی گردشگران، - بالارفتن هزینه زندگی ساکنان محلی و توزیع نامناسب گردشگران در فصول مختلف سال،

تحلیل حاصل از یافته های پژوهش و جدول سوات نشان دهنده این مطلب است می باشد که محیطی آرام و بدون سروصدا به همراه آب و هوای مطلوب برای تمدد اعصاب مهمترین نقطه قوت داخلی و بعد از آن مستعد بودن منطقه، و جو تعاون و همکاری، وجود کوه ها و تپه های برآفتاب، دسترسی مناسب به لحاظ جغرافیایی و... از دیگر نقاط قوت مهم این منطقه است. همچنین از نظر گردشگران مولفه هایی نظیر عدم برنامه ریزی منسجم و کلان، کمبود سرمایه گذاری دولتی و بخش خصوصی، عدم وجود تسهیلات بهداشتی خدماتی، اقامتی رفاهی، عدم وجود سطل زباله و پراکنده شدن زباله ها در طبیعت استفاده کردن روستاییان از مکان های اکوتوریستی جهت چرای دام، نبود پارکینگ و... از مهمترین نقاط ضعف در بند ارومیه بوده است. در مورد عوامل بیرونی می توان به این نتیجه رسید که امنیت پایدار، افزایش سطح درآمد و رفاه، افزایش انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه گذاری، توجه دولت به برنامه ریزی و سرمایه گذاری، و... مهمترین فرصت و افزایش قیمت زمین برای احداث مکان های خدمات دهی به توریسم، افزایش هزینه ها و اثرات بر روی تجهیزات و تسهیلات و مقرون به صرفه نبودن آن ها، افزایش هزینه خدمات، افزایش هنجار شکنی و... از مهمترین تهدید های بیرونی در منطقه مورد مطالعه می باشد.

۷- نتیجه گیری

تفرجگاه بند در شهر ارومیه، از پتانسیل های زیادی در زمینه طبیعت گردی و گردشگری روستایی برخوردار است، اما به دلیل عدم شناخت دقیق و علمی از توان ها، تنگناها و قابلیت های موجود، تاکنون از این توان ها در راستای هدایت روندهای و فرایندهای طبیعی و اقتصادی برای توسعه پایدار اقتصاد گردشگری در منطقه مورد مطالعه بهره گیری نشده است. با استفاده از مدل سوات و تحلیل وضع موجود، راهبردهایی برای توسعه گردشگری تفرجگاه بند بیان شد که به کارگیری این راهبردها، شامل ایجاد و تقویت زیرساخت ها و تسهیلات، جلب سرمایه گذاری بخش خصوصی، حمایت دولت از پروژه های گردشگری در منطقه و...، توسعه گردشگری و بهبود شرایط اقتصادی روستاها را در پی خواهد داشت. در واقع ساماندهی گردشگری (مجموعه تفریحی-)

اقامتگاهی روستای بند) و ایجاد تعامل میان گردشگران، مردم محلی و محیط زیست، روند توسعه گردشگری در منطقه را توسعه می دهد و رضایتمندی گردشگران و مردم محلی را به دنبال خواهد داشت.

منابع

۱. اختر کاروان، مهدی؛ دیوان دری، جواد؛ نصیری، نسرين. ۱۳۹۵، طراحی مجموعه اقامتی توریستی تفریحی با رویکرد معماری سبز (نمونه موردی اصفهان)، همایش بین المللی افق های نوین در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی و مدیریت فرهنگی شهرها، تهران، انجمن افق نوین علم و فناوری.
۲. بهرامی و حیدر پور؛ (۱۳۹۵)، طراحی مجموعه توریستی تفریحی با رویکرد معماری پایدار در راستای توسعه گردشگری (نمونه موردی میانداوب)، اولین کنفرانس بین المللی و سومین کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار، مشهد، موسسه بین المللی معماری، شهرسازی مهرآز شهر.
۳. بنتلی، ای ی؛ (۱۳۸۲)، محیط های پاسخده، ترجمه: مصطفی بهزادفر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۴. پورحیدر شیرازی، فرزانه؛ (۱۳۹۴)، ارتقاء سرزندگی و حس تعلق به مکان در فضاهای شهری (مطالعه موردی: منطقه ۵ شهر اصفهان)، اولین کنفرانس سالانه پژوهشهای معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، تهران: سفیران راه مهرا.
۵. پاکزاد، جهانشاه؛ (۱۳۸۶)، راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.
۶. پاپلی یزدی، حسین؛ (۱۳۸۲)، نظریه های شهر و پیرامون، تهران: انتشارات سمت.
۷. تولایی، نوین؛ (۱۳۸۰)، زمینه گرایی در شهرسازی، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱.
۸. جوان فروزنده، علی؛ مطلبی، قاسم؛ (۱۳۹۰)، مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، هویت شهر، شماره ۸.
۹. جیکوبز، جین؛ (۱۹۶۱)، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه: حمیدرضا پارسى و آرزو افلاطونی (۱۳۹۶)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. دلخواه، پیمان؛ (۱۳۹۸)، طراحی مجموعه اقامتی تفریحی شهر سلماس با رویکرد معماری پایدار، پایان نامه کارشناسی ارشد، مهندسی معماری، استاد رهنما: داود سعادت، دانشکده فنی و مهندسی ارومیه، واحد علوم و تحقیقات آذربایجان غربی.
۱۱. ذاکر حقیقی، کیانوش؛ (۱۳۹۸)، سنجش میزان سرزندگی در چهارراه ولیعصر شهر تهران بر مبنای تحلیل الگوهای فعالیتی موجود در آن، باغ نظر، سال ۱۶، شماره ۷۱، صص ۱۸-۵.
۱۲. رایپورت، ایماس؛ (۱۳۸۸)، انسان شناسی مسکن، ترجمه: خسرو افضلیان، تهران: انتشارات حرفه هنرمند.
۱۳. راحلی، حسین؛ خداوردیزاده، محمد و نجفی علمدارلو، حامد؛ (۱۳۸۹)، برآورد ارزش تفریحی روستای بند ارومیه به روش ارزش گذاری مشروط، مجله اقتصاد تحقیقات کشاورزی، جلد ۲، شماره ۴، صص ۶۲-۴۹.
۱۴. رحیمی نژاد، فرزاد؛ تیموریان، محمد و پیرمحمدی، محمد؛ (۱۳۹۵)، بررسی نقش عناصر تجمع پذیر در تعاملات اجتماعی محله ای سنتی، مطالعات هنر و معماری، شماره ۴ و ۵، صص ۲۰۱-۱۹۵.
۱۵. سیاوش پور و دیگران؛ (۱۳۹۳)، ابعاد تشکیل دهنده حس تعلق به مکان، با تأکید بر عوامل کالبدی، اجتماعی و احساسی) ادراک و شناخت، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه های شهر اسلامی، محل برگزاری: شورای اسلامی شهر مشهد، مشهد.
۱۶. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی، ۱۴۰۰.
۱۷. ضرابی، اصغر؛ عزیززاده اصل، جبار و بهاری، عیسی؛ (۱۳۹۳)، تحلیلی بر زیرساخت های گردشگری در مقصد اکوتوریستی بند ارومیه با استفاده از روش سوات، نشریه علمی- پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی، سال ۱۸، شماره ۴۸، صص ۲۱۰-۱۷۷.
۱۸. طاهر طلوع دل؛ محمدصادق و اشرف السادات، سیده؛ (۱۳۹۶)، مؤلفه های عامل ایجاد سرزندگی ساکنین فضاهای زیستی، مجله معماری شهری پایدار، سال پنجم، شماره اول، صص ۶۰-۴۷.
۱۹. عباس زاده، مظفر؛ غفاری آذر، زهرا و آیشم، معصومه؛ (۱۳۹۲)، بررسی مفهوم حس تعلق به مکان در فضاهای شهر دیروز و امروز (مطالعه موردی: شهر ارومیه)، اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان.
۲۰. فلاحت، م؛ (۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
۲۱. قدیری معصوم، مجتبی و همکاران؛ (۱۳۸۹)، گردشگری پایدار روستایی و عشایر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. لینچ، کوین؛ (۱۳۷۶)، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه: سید حسین بحرینی، چاپ اول، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. مولایی هاشجین، مهسا؛ کریمی آذری، امیررضا؛ کریمی، باقر و مهدوی نژاد، جمالالدین؛ (۱۴۰۰)، تحلیل سرزندگی در فضاهای مجموعه های مسکونی (مفهوم، مؤلفه ها و شاخص های تأثیرگذار)، مجله دانش شهرسازی، دانشگاه گیلان، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۲۹-۱۱۳.
۲۴. مغفرت خواه، جواد؛ (۱۳۹۶)، طراحی مجتمع تفریحی توریستی در کوه سیر ارومیه با رویکرد پایداری محیط زیست، پایان نامه کارشناسی ارشد، مهندسی معماری، استاد رهنما: جواد صمدی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه.

۲۵. مطیعی لنگرودی، سیدحسن و رضائیه آزادی، مریم؛ (۱۳۹۲)، ارزیابی اثرات اقتصاد گردشگری از دیدگاه جامعه میزبان در تفرجگاه بند ارومیه، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۲، شماره پیاپی ۴، صص ۷۵-۹۱.
۲۶. مطیعی لنگرودی، سیدحسن؛ دادور خانی، فضیله؛ رضائیه آزادی، مریم و شریفی، انور؛ (۱۳۹۲)، برنامه ریزی راهبردی توسعه گردشگری (مطالعه موردی: تفرجگاه بند ارومیه)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، شماره ۳، صص ۵۲۳-۵۴۰.
۲۷. مدنی پور، علی؛ (۱۳۸۹)، فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه: فرشاد نوریان، تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۲۸. نوربرگ شولتز، کریستین؛ (۱۳۸۸)، روح مکان، به سوی پدیدار شناسی معماری، چاپ دوم، ترجمه: محمد رضا شیرازی، تهران، انتشارات رخداد نو.
29. Foster David (1997). Measuring Customer Satisfaction in the Tourism Industry, Third International & Sixth National Research Conference on Quality Management, The Centre for Management Quality Research at RMIT University, Melbourne, Victoria, Australia.
30. Bucci F, Mulazzani M. Luigi Moretti: Works and Writings, Princeton Architectural Press, New York, 2002.
31. Haber Sigal, Lerner Miri (1998), Correlates of Tourist Satisfaction, Annals of Tourism Research, Vol. 25, No. 4, pp. 197-201.
32. Steel, Fritz (1981), "The sense of place" CBI publishing company, Boston.
33. Sebele, I.s. 2010. Community-based tourism ventures, benefits and challenges: Khama Rhino Sanctuary Trust, Central District, Botswana. Journal of Tourism Management, 31, 136.
34. Ujang, N. (2012), "Place Attachment and Continuity of Urban Place Identity", Social and Behavioral Sciences, 49 (2012), pp 156 – 167.
35. Landry, Charles. (2000) Urban vitality, A new source of urban competitiveness. Prince Claus fund journal, Arch is Issue urban vitality/urban heroes.
36. Daneshpour, Abdolhadi; Charkhchian, Maryam (2007) Public spaces and factors affecting collective life. Journal of Gardening, No. 7, p. 19-28. (in Persian)
37. Golkar, Kourosh, (2008). The concept of quality of vitality in urban design. Sufeh Journal, No. 44, pp. 7-16 (in Persian)
38. Teimouri, Siavash, Yazdani, Samira (2013) The Impact of Open spaces of residential complexes on increasing social interactions of inhabitants. Journal of City Identity, No. 15, p. 92-83. (in Persian)
39. Zendejdel, H., Nourozi, M., Salimi, Z., 2007, Iran Tourism Guide Books of Western Azerbaijan Province, the Publication of Iran Tourism and the World Tourism Organization, Tehran. (in Persian)

نقش نما و جداره ها در منظر شهری با تأکید بر زیبایی شناسی محیط

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

کد مقاله: ۸۶۵۱۳

محمد مسعود غیابی^۱

چکیده

رشد سریع پدیده شهرنشینی در دهه های اخیر به ویژه در کشورهای در حال توسعه مناظر شهری را به شدت تحت تأثیر قرار داده است و منظر شهری را در معرض تهدید قرار داده است. شهرهایی که امروزه به دلیل گستردگی و پیچیدگی نیازها و بکارگیری راه حل های نامانوس به فرمی نازیبا آراسته گشته و نابسامانی و آشفتگی حاکم شده بر منظر شهرها را به مرز آزار دهنده ای رسانده است. تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته به این ترتیب در ابتدا به تعریف منظر شهری و نظریات آن پرداخته و سپس به مسئله نما و جداری شهری و زیبایی شناسی شهری پرداخته است. بررسی ها نشان داد منظر شهری تا حدود زیادی تحت تأثیر نما و جداره شهری می باشد، در واقع نمای ساختمان و جداره های شهری را می توان نقطه تلاقی معماری و طراحی شهری دانست. نما و جداره شهری در صورتی که دارای ارزش های بصری هماهنگ با محیط و بستر باشد و واجد ارزش های زیبایی شناسانه باشد باعث ارتقای منظر شهری خواهد شد. شاخص های زیبایی شناسی در جداره ها شامل دو دسته عینی (خط آسمان، خط زمین، خط ساختمان، زمینه جداره، کنترل ارتفاع، کنسول و ...) و ذهنی (همجواری، تداوم، تناسب، سادگی و تقارن، رنگ، فرم، نظم و ...) بود.

واژگان کلیدی: نما، جداره شهری، منظر شهری، زیبایی شناسی.

۱- کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب (mohamadmasoudghiabi@gmail.com)

۱- مقدمه

امروزه سکونت‌گاه‌های شهری اصلی‌ترین زیست‌گاه بشر تلقی می‌شوند که به تدریج جایگاه برجسته‌ای در نظام فعالیت و سکونت یافته‌اند. در این میان محیط شهری عرصه‌ای عینی و ملموس محسوب می‌شود که تجلی دهنده کنش‌ها و باورهای نسل ساکن در شهرها است، ارزش‌هایی که به مرور هویت می‌یابد، دگرگون می‌شوند و در تغییرات خود ساکنان را هم تحت تأثیر قرار می‌دهند (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). دیدگاه منظرشهری در ارتباط انسان و محیط در استفاده از فضاهای بیرونی، ناشی از پایگاه فلسفی و دگرترین حاصل از شکستن نگاه کلاسیک علمی به انسان و هستی است. از سوی دیگر، برای ارتقای کیفیت شهر، تخصص‌های مختلفی در این حوزه، دخیل هستند و تصور بیشتر آنها بر پایه جهان دو قطبی دکارت بنا شده است. این امر سبب می‌شود که برای دخالت در شهر تنها ابعاد کالبدی آن در نظر گرفته شود و از جنبه‌های اجتماعی و معنایی آن غفلت شود. نظریه منظرشهری که این جهان دو قطبی را در هم می‌شکند، از دریچه‌ای دیگر به شهر می‌نگرد و آن را موجودی مستقل از زمان و مکان نمی‌پندارد که تنها در ابعاد مورفولوژیک معنا شود؛ بلکه شهر را موجودی پویا و در حال حرکت می‌بیند که تغییر می‌کند و با خود، دامنه فرهنگ، جامعه و نگاه انسان را نیز تغییر می‌دهد. شهر در نگاه امروز، تنها در کالبد خلاصه نمی‌شود؛ بلکه روحی را درون خود در جریان دارد که همزمان و توأمان حاصل تعاملات اجتماعی و حیات مدنی در فیزیک و کالبد شهر است. به طور کلی منظر شهری تلفیق سه گانه‌ای از منظر عینی شهر، منظر ذهنی شهر و منظر عاطفی شهر است که مبنای رفتار قرار می‌گیرد (گلکار، ۱۳۸۵: ۳۸).

در طراحی و توسعه شهری، بعد کالبدی-زیبایی شناختی فضای شهرها جزو مهمترین کیفیت‌ها به حساب می‌آید، که هدف از مطرح کردن آن ایجاد حس خوشایندی و لذت بخش بودن در محیط شهری است. در این میان، کالبد و جداره خیابانها و میدانهای شهری از مهمترین ابعاد طراحی مؤثر بر زیبایی شناسی سیما و منظر شهری هستند که به دلیل تأثیرگذاری مستقیم بر ادراک و ذهنیت شهروندان، همواره کانون توجه توسعه دهندگان شهرها بوده‌اند. یکی از مهمترین مسائلی که امروزه نظر معماران، برنامه‌ریزان و طراحان شهری را به خود جلب کرده، مسئله لزوم ارتقای کیفیت بدنه‌های شهری در چهارچوب مولفه‌های بصری - زیبایی شناختی است (پورجعفر، تقوایی و صدقی، ۱۳۸۸: ۶۶). زیبایی به عنوان یک واژه فراگیر هم برای درک آثار هنری به کار می‌رود و هم برای درک محیط. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد طراحان، معماران، شهرسازان علاوه بر آن که می‌باید از مباحث زیبا شناسی اشیاء و آثار آگاه باشند باید بدانند که زیباشناسی محیطی یعنی زیبایی آنچه ایشان مشغول خلق و ساخت آن‌اند (شاهچراغی، ۱۳۹۴: ۲۲۵-۲۲۶). جداره‌ها و نماهای شهری از مهمترین عناصر منظر شهری محسوب شده و توجه به این موضوع می‌تواند از بسیاری جهات به مانند افزایش کیفیت دیداری شهر، مثر ثمر واقع شود موضوع نمای شهری، از موضوعات مهم و اساسی مورد توجه طراحان شهری، معماران و حرفه‌مندان از یک سو و از سوی دیگر نهادهای اجرایی درگیر با مسائل شهری است، چراکه نماد هویت بصری و ویتترین شهری است که در وهله اول به دید ناظران فضا می‌آید، بنابراین به نظر می‌رسد باید تدابیری در ساماندهی نما و منظر شهری صورت پذیرد (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۱).

عدم هماهنگی نماها و جداره‌های شهری، پس از سال‌ها بی‌توجهی به معضلی بزرگ تبدیل شده است. شهروندان همانند فرد ساکن در کنار بزرگراه که به مرور زمان نسبت به فرکانس صدای بزرگ راه کر می‌شوند، نسبت به نازیبایی‌های فضای اطراف بی تفاوت شده و دیگر از فضای محیط اطراف خود لذت نمی‌برند، بنابراین به منظور ارتقای کیفیت محیط شهری باید به زیبایی شناسی جداره‌های شهری پرداخت. روند تغییر شکل شهرها به صورت مداوم و پیوسته است، لذا به یک مدیریت دائمی و پویا نیازمند است که بتواند همگام با تغییرات مختلف شهرها را با کیفیت نگه دارد. در این میان **منظر شهری** از کلیدی ترین موضوعات تأثیرگذار بر خوشایندی و احساس رضایت از مکان و شهر برای شهروندان است به نحوی که سرمایه گذاری برای اجرایی نمودن ضابطه‌های آن تأثیر عمیقی بر رضایتمندی مردم علی‌رغم وجود تفاوت‌های فردی بین آن‌ها و وجود سلاقی مختلف و همچنین در ارتقا کیفی فضاهای شهری خواهد داشت. منظرشهری از مولفه‌ها و متغیرهای زیادی متأثر می‌باشد. یکی از مهم‌ترین این عوامل زیبایی نماها و جداره‌های شهری می‌باشد. بنابراین استفاده از عناصر زیبایی شناسانه در طراحی جداره‌های شهری این امکان را فراهم می‌کند که محیط و منظر شهری منطبق بر نیاز و فرهنگ استفاده کنندگان، طراحی شود و منجر به ارتقاء کیفیت محیط شهری شود. بنابراین این پژوهش با هدف بررسی نقش نما و جداره‌ها در منظر شهری با تأکید بر زیبایی شناسی انجام گرفته است.

۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

اگرچه کیفیت‌های بصری - زیبایی شناختی همواره از موضوعات مهم برای معماران، شهرسازان، معماران منظر و توسعه دهندگان شهرها بوده است، در دهه‌های اخیر، رشد سریع پدیده شهرنشینی، به ویژه در کشورهای درحال توسعه، عدم دخالت شهروندان در امر طراحی و نادیده انگاشتن انسان و تمایلات وی در امر طراحی و رواج فرهنگ بساز- بفروشی، چشم اندازهای شهری را به شدت توسعه و تغییر داده است. در این راستا، انسان در ساختار چشم انداز بصری شهر، نه تنها از طریق فعالیت‌های خود بر منظر شهری تأثیر می‌گذارد، بلکه رفتار و درک ذهنی وی نیز از طریق تماس با منظر شهری، از آن تأثیر می‌پذیرد (قره بگلو

و همکاران، ۱۳۹۵). این در حالی است که، با روند روبه رشد شهرنشینی و سرعت تغییرات، آنچه امروز در ساختار شهرها بیش از هر چیز در معرض تهدید قرار دارد منظر شهری است که باعث تنزل کیفیت محیط شهری می شود.

موضوع نمای شهری، از موضوعات مهم و اساسی مورد توجه طراحان شهری، معماران و حرفه مندان از یک سو و از سوی دیگر نهادهای اجرایی درگیر با مسائل شهری است، چراکه نماد هویت بصری و ویرتین شهری است که در وهله اول به دید ناظران فضا می آید، بنابراین به نظر می رسد باید تدابیری در ساماندهی نما و منظر شهری صورت پذیرد. بررسی ها نشان می دهد، در فرایند ادراک محیط از میان حواس، بینایی بیشترین تأثیر را در ادراک محیطی ایفا می کند (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۱). در ایران نیز به دنبال افزایش شهرنشینی و سرعت بالای تغییرات در بافت های شهری به دلایل مختلف، کیفیت محیط در نواحی شهری به شدت تنزل یافته است. با توجه به این که شهرهای کوچک دارای ویژگی ها و جداره های شهری خاص خود هستند ارزیابی و سنجش وضعیت کیفی این محیط ها که در میزان رضایتمندی از آنها تجلی می یابد، دارای ضرورت و اهمیت بالایی می باشد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد و مطالعات کتابخانه ای صورت گرفته است. به این ترتیب که با مطالعه متون و منابع به بررسی ادبیات تحقیق پرداختیم و نظریات مربوط به منظر شهری، زیبایی شناسی و نماها و جداره های شهری جمع آوری شد. در نهایت با تأکید بر زیبایی شناسی از میان مولفه های کالبدی منظر شهری، جداره شهری تحلیل گردید.

۳- ادبیات تحقیق

۳-۱- منظر شهری

منظر شهری، هنر یکپارچه کردن بصری و ساختاری مجموعه ساختمان ها، خیابان ها و مکان هایی است که محیط شهری را می سازند (کالن، ۱۳۷۷: ۱۵). به بیان دیگر، منظر فضای شهری همه اطلاعات موجود از فضا است که توسط حواس قابل دریافت است و در فرایند ادراک پردازش می گردد. این اطلاعات شامل فرم، عملکرد و معنای فضا و بخشی از کل شهر است که ناظر آن را دریافت می کند (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۶۲). منظر شهری، فهم شهروندان از شهر است که به واسطه ادراک نماهای آن و تداعی معانی مرتبط با آنها (ابعاد ذهنی و خاطره ای) صورت می گیرد. اهداف سه گانه منظر شهری عبارتند از: زیبایی شناختی، فرهنگی هویتی و عملکردی (منصوری، ۱۳۸۴).

لینچ در سال ۱۹۶۱، مفهوم تصور ذهنی شهر را با انتشار کتابی با عنوان سیمای ذهنی شهر ارائه نمود. لینچ در این کتاب ابعاد ذهنی منظر شهری را مطرح کرد، بدین ترتیب اگر کالن بیشتر بر ابعاد عینی منظر تأکید داشت، لینچ ابعاد ذهنی را مورد بررسی قرار داد (لینچ، ۱۳۷۳). لینچ سه عامل ادراکی، فیزیکی و عملکردی را در منظر شهری با اهمیت می داند (رضازاده، ۱۳۸۶: ۲۳).



نمودار ۱. عوامل و مولفه های تشکیل دهنده منظر شهری (فیضی، ۱۳۸۹).

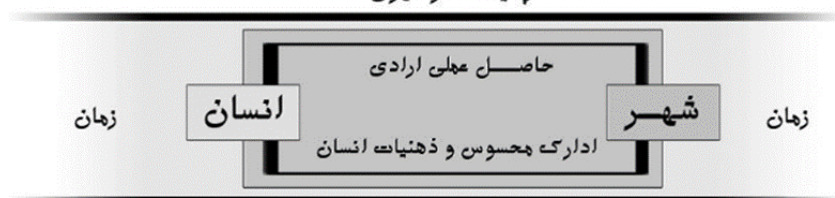
وی برای مطالعه تصویر ذهنی شهر هر محیط شهری را شامل سه جزء می داند: هویت، ساختار و معنی. منظر عمومی شهر (خیابان ها، پارک ها، میادین، حاشیه رودخانه ها و ...) شامل دو دسته عوامل عینی و ذهنی هستند. عوامل عینی دربردارنده مجموعه عوامل طبیعی و مصنوع مانند فرم ابنیه، جداره های شهری و طبیعی، تجهیزات شهری، فضاهای باز و پوشش های طبیعی هستند. عوامل ذهنی نیز شامل رویدادهای فرهنگی، حوادث تاریخی، خاطرات، روابط، تعاملات انسانی و رویدادهای فردی - جمعی هستند (فیضی، ۱۳۸۹: ۱۵). منظر عمومی شهر را می توان حاصل کش متقابل سه مولفه مهم یعنی محیط ساخته شده، محیط طبیعی و محیط انسانی دانست که در دو دسته عوامل عینی و ذهنی شکل می گیرند (فیضی، ۱۳۸۹: ۶).

طبق تعاریف محققان و اندیشمندان این حوزه می توان ابعاد منظر شهری را طبق جدول ۱ زیر دسته بندی کرد. منظر شهری، ماهیتی است که به واسطه فعالیت های انسانی و همراه شدن آن با کالبد در طول تاریخ پدید می آید و در ذهن شهروندان تفسیر می شود؛ این ابعاد ذهنی ممکن است فردی و یا جمعی باشند. منظر شهری در آغاز امری عینی است که به واسطه کیفیت ظهور عوامل فیزیکی شهر موجودیت می یابد و به سبب گذشت زمان و تکرار شدن، به عنصر مشترک پیوند دهنده افراد جامعه بدل می گردد. از آنجا که منظر شهری، کالبد و کیفیت شهر را توأمان در بر می گیرد، می توان ادعا نمود که ادراک شهر همان تفسیر منظر شهری است. اگر چه منظر شهری در ابتدا از طریق کالبد و احساسات درک می شود، اما آنچه بدان معنا می بخشد، ذهنیت شهروند است. منظر شهری نه خاطرات صرف است (غیرمحسوس_ذهنی) و نه کالبد صرف (محسوس_عینی). پدیده ای است که از تعامل این دو در شهر حاصل می شود، پدیده ای عینی ذهنی.

جدول ۱- ابعاد مفهومی منظر شهری از دیدگاه نظریه پردازان مختلف

اندیشمندان	ابعاد منظر شهری مطرح شده
لینچ، ۱۹۶۰	ادراکی، فیزیکی، عملکردی
کالن، ۱۹۶۱	بصری و ساختاری
شریفیان ثانی، ۲۰۰۱	عوامل طبیعی، عوامل مصنوعی
پاکزاد، ۲۰۰۵	فرم، عملکرد، معنا
گلکار، ۲۰۰۶	عوامل عینی، عوامل ذهنی و عوامل عاطفی
محمودی، ۲۰۰۶	پایداری، هویت، زیبایی، وحدت
عبدالله خان، ۲۰۰۶	بصری، کالبدی، فضایی، فعالیتی، هویتی، محیطی
رضازاده، ۲۰۰۷	بصری، عملکردی، معنایی
بهزادفر، ۲۰۰۸	عوامل کالبدی، عوامل غیرکالبدی، عوامل انسانی
منصوری، ۲۰۰۹	زیبایی شناختی، فرهنگی، عملکردی، هویتی
فرهودی و تیموری، ۲۰۱۰	عوامل طبیعی و عوامل مصنوعی
کیانی و سرداری، ۲۰۱۱	کالبدی، بصری، فرهنگی
فیضی و اسدپور، ۲۰۱۳	عینی (عوامل طبیعی و مصنوع)، ذهنی (رویدادهای فرهنگی، حوادث، تعاملات انسانی)

پدیده منظر شهری



پدیده عینی - ذهنی

نمودار ۲. منظر شهری پدیدهای عینی-ذهنی (Atashinbar, 2009)

جدول ۲- مؤلفه‌ها، معیارهای زیبایی‌شناسی منظر شهر (وحدت و همکاران، ۱۳۹۴)

مؤلفه‌ها	معیارها	شاخص‌ها
بصری - زیبایی‌شناسی	عینی	هنرهای خیابانی و تجسمی نظیر گرافیک، دیوارنگاری‌ها و تبلیغات شهری، مصالح، فرم، رنگ، محصوریت و تناسب اجزای نما، تعادل و تقارن در بنا، خط آسمان و خط نما، وحدت و یکپارچگی فضایی
	کالبدی	میلان و تجهیزات خیابانی نظیر سرپناه ایستگاه اتوبوس، نیمکت، سطل آشغال، کف سازی، نورپردازی
	عناصر طبیعی	پوشش گیاهی و فضاهای سبز، درختکاری، استفاده از عنصر آب
	ذهنی	آرامش، انبساط خاطر، خلاقیت، معنی داری، جذابیت

۲-۳- نما و جداره شهری

نما یا جداره شهری یکی از وجوه مورد توجه در بررسی منظر شهری است. نما در لغت نامه دهخدا به معنای صورت ظاهری هر چیزی است و آنچه در معرض دید و برابر چشم است یا آنچه از بیرون سوی دیده می‌شود (دهخدا، ۱۳۸۹). موضوع نمای شهری، از موضوعات مهم و اساسی مورد توجه طراحان شهری، معماران و حرفه‌مندان از یک سو و از سوی دیگر نهادهای اجرایی درگیر با مسائل شهری است، چراکه نماد هویت بصری و ویتترین شهری است که در وهله اول به دید ناظران فضا می‌آید، بنابراین به نظر می‌رسد باید تدابیری در ساماندهی نما و منظر شهری صورت پذیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، در فرایند ادراک محیط از میان حواس، بینایی بیشترین تأثیر را در ادراک محیطی ایفا می‌کند (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۱). نمای شهری که بتواند تصویر مناسبی از خود به جای بگذارد، می‌تواند نقش اجتماعی هم داشته باشد، چرا که به مردم کمک می‌کند، بدانند در کجا هستند و در نتیجه محیط را خوانده، به نحو مطلوب تری فعالیت‌هایشان را تنظیم کنند و حتی می‌تواند خاطرات جمعی و ارتباطات گروهی را افزایش دهد (حبیب، ۱۳۸۵: ۵۳).

جدول ۳- شناسایی عناصر نما در دیدگاه نظریه پردازان مختلف (محمدی، مریم، ۱۳۹۵: ۲۲).

نظریه پرداز	عناصر نما	اصول طراحی نما
-------------	-----------	----------------

کریر (۱۹۹۲)	پنجره ها، در، سایه بان و سطح مسقف، وزن های عمودی و افقی، مصالح، رنگ و عناصر تزئینی	تناسبات، هماهنگی، پیوستگی شکل‌های نما
لینچ (۱۳۷۳)	عناصر مرتبط با فرم	تهیه، تنوع، قابلیت شناسایی، خاطره انگیزی، سرزندگی، هویت، تصویرپذیری، خوانایی، انعطاف پذیری، سادگی، وضوح، چیرگی بخشی از فرم، تطابق با محیط، معناداری، آموزندگی
هدمن و یازوسکی (۱۹۸۴)	اندازه قطعات، ارتفاع بنا، نوع مصالح، عناصر معماری، خط افقی، شکل سقف، عقب نشستگی جداره، پیش آمدگی پنجره ها و عقب نشستگی ورودی، بازشوها، زده، تزئینات	پیچیدگی و تنوع، ایجاد هویت ترکیبی، هماهنگی هندسی، ایجاد وزن و تکرارهای بصری، تناسبات، ریتم، ایجاد هماهنگی، یکپارچگی با زمینه کالبدی و طبیعی، استفاده مناسب از اشکال نمادین، حظ بصری و لذت روحی روانی
پاکزاد (۱۳۸۲)	فرم، مصالح و رنگ، الحاقات، خط بام، خطوط نما، بازشوها، جلو نشستگی و عقب نشستگی خط بام و...	شاخص نمودن، تنوع، هماهنگی، ایجاد ضرب آهنگ، تداوم بدنه
توسلی (۱۳۷۶)	عناصر مرتبط با فرم	نظم، وحدت و ترکیب، مقیاس، تناسب و هماهنگی، سادگی، وجود عنصر نشانه، تعادل، مجاورت، هماهنگی، تقارن، تداوم و پیوستگی فضایی، محصوریت، تباین و قلمرو
صفامنش (۱۳۷۳)	تعداد طبقات، جز، قاب، پنجره، کتیبه، بالکن، پیشانی و سقف	تقارن، ریتم، نظم، سلسل همراست، تنوع و پیچیدگی

۳-۳- زیبایی شناسی در محیط شهری

تا پیش از قرن هفدهم میلادی، موضوعی به نام زیبایی به طور مستقل وجود نداشت. آنچه در جست و جوی آن بودند، کمال، حقیقت و رسیدن به حداکثر توان و کارایی هرچیز بوده است. به عبارت دیگر وقتی سعی می کردند شئی یا پدیده ای را به بهترین نحو به وجود آورند، خود به خود زیبا هم بوده است (طاهباز، ۱۳۸۳: ۷۵). افلاطون زیبایی را بر دو نوع می‌داند: طبیعی و هندسی. زیبایی طبیعی نسبی و زیبایی هندسی مطلق است. وی معتقد است که هر آنچه را که ما زیبا می بینیم، سایه‌ای است از زیبایی‌های بالا (گروتز، ۱۳۸۶). کانت بیان می دارد این تنها سلیقه است که زیبا را از نازیبا مشخص می‌کند. زیبا به طور کلی آن چیزی است که محسوسات ما را در جمع به صورتی هماهنگ دریاورد. بر این اساس باید درک زیبایی بدون تفکر انجام شود. آن چیزی زیباست که از نظر همه زیبا باشد (همان).

زیبایی به عنوان یک واژه فراگیر هم برای درک آثار هنری به کار می رود و هم برای درک محیط به بیان دیگر، به نظر می رسد طراحان، معماران، شهرسازان علاوه بر آن که می باید از مباحث زیبا شناسی اشیاء و آثار آگاه باشند باید بدانند که زیباشناسی محیطی یعنی زیبایی آنچه ایشان مشغول خلق و ساخت آن اند، در عین این که با زیبا شناسی هنر های انتزاعی ارتباط دارد اما متفاوت و متمایز از آن است (شاهچراغی، ۱۳۹۴: ۲۲۵). از اواخر دهه ۷۰ میلادی، با مطرح شدن نقش معماران، طراحان شهری و معماران منظر در حل معضلات و مشکلات زیبایی شناسی شهری، مسئله زیبایی شناسی معماری و منظر شهری به یکی از اساسی ترین مسائل تبدیل شد.

واژه "زیباشناسی" (استتیک) ریشه یونانی داشته و به معنای دریافت است. هدف زیباشناسی این است که چگونه محیط اطراف و جایگاه شخص در محیط اطراف را به معنای واقعی درک کند (گروتز، ۱۳۸۶: ۳۵). زیبایی شناسی به طور عام اصطلاحی مربوط به شناخت و درک مفاهیم زیبایی است (نقی زاده، ۱۳۸۹: ۱۴۲). گرایش به زیبایی نشان می دهد که همزمان با شکوفایی فرهنگ، نظم و قاعده ای به وجود آمد که هدف آن ایجاد تفاوت میان انتظارات شخصی و عمومی بود (همان: ۱۹).

در طراحی و توسعه شهری، بعد کالبدی-زیبایی شناختی فضای شهرها جزو مهمترین کیفیت‌ها به حساب می‌آید، که هدف از مطرح کردن آن ایجاد حس خوشایندی و لذت بخش بودن در محیط شهری است. در این میان، کالبد و جداره خیابانها و میدان‌های شهری از مهمترین ابعاد طراحی مؤثر بر زیبایی شناسی سیما و منظر شهری هستند که به دلیل تأثیرگذاری مستقیم بر ادراک و ذهنیت شهروندان، همواره کانون توجه توسعه دهندگان شهرها بوده اند. شکل معماری و ویژگی‌های کالبدی-بصری یک ساختمان، به آن هویتی منحصر به فرد می‌بخشد و آن را از سایر عناصر شهر جدا می سازد (عسکری و دولا، ۲۰۰۹). به اعتقاد لینچ کیفیت-های کالبدی-بصری در یک محدوده مشخص از جمله مهمترین عوامل شک لگیری تصویر ذهنی شهروندان هستند. این کیفیت‌ها دربرگیرنده جنبه‌هایی از تصویرپذیری شهر هستند که ارتباط تنگاتنگی با چشم اندازهای بصری یک منطقه مشخص دارند و از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر کیفیت های زیبایی شناختی یک شهر به شمار می‌روند (کارنیوان و واردهانی، ۲۰۱۷).

بنا بر تعبیر سانتینا، محیط و بالأخص محیط مصنوع زمانی لذت بخش خواهد بود که زیبا باشد. وی پیش نیازهای این زیبایی را به انواع فرمی، نمادین و حسی تقسیم کرده است که به ترتیب مناسبات بصری، معانی دریاف تشده از محیط و مطلوبیت‌های حسی حواس پنجگانه را به عنوان عامل زیبایی محیط معرفی می‌کنند (گیبسون، ۲۰۱۵). زیبایی شناسی نمادین به معنی تداعی

- 1 Askari & Dola
- 2 Kurniawan, Putri & Wardhani
- 3 Gibson

کردن و لذت بخش بودن محیط است و متوجهی مفاهیم تداعی شده به واسطه‌ی محیط است. که به محیط معنی بخشیده و برای مردم خوشایند است. پاسخ‌های انسان به محتوای فرمی محیط، زیبایی‌شناسی نمادین است. در واقع محیط نظامی از نمادهاست که به مفاهیم ارزش‌ها، معانی و چیزهای شبیه به آن بیان واقعی می‌بخشد. از این دیدگاه نمادگرایی عامل اصلی دوست داشتن یا دوست نداشتن محیط است (شاهچراغی، ۱۳۹۴: ۲۳۲).

زیبایی‌شناسی حسی حاصل حس‌های لذت بخشی چون لمس کردن، بوییدن، چشیدن، شنیدن و دیدن است. برخی محققان تجربه‌گرا عقیده دارند که لذت حسی در عین این که بخشی از زیبایی است، انگاره‌های تداعی‌کننده آنها نیز، جزئی از ماهیت اشیاء هستند. زیبایی حسی متوجه خوشایند بودن دریافت حسی است که از محیط به دست می‌آید. در نتیجه متوجه رنگها، بوها، صداها و بافت‌هایی است که در محیط وجود دارد. (لنگ، ۱۹۸۷). البته این دیدگاه تجربه‌گرا تأکید می‌کند که تجربه‌ی حس‌های پایین‌تر از فواصل نزدیک‌تر یعنی لامسه، بویایی و چشایی، به اندازه‌ی تجربه‌ی حس‌های بالاتر فواصل دورتر یعنی بینایی و شنوایی، مقاصد شناخت انسان از محیط را تأمین نمی‌کند و بنابراین حس‌های بینایی و شنوایی در شناخت ارزش‌های زیبایی‌شناختی اهمیت بیشتری دارند (شاهچراغی، ۱۳۹۴: ۲۲۸).

زیبایی‌شناسی فرمی-بصری به ارائه‌ی اصول و الگوهایی می‌پردازد که براساس آنها می‌توان اجزای بصری محیط را سازمان داد و در واقع به ارائه‌ی اصول ترکیب اجزا می‌پردازد؛ این نوع زیبای‌شناسی به وضوح نشان نمی‌دهد که چه فرم، شکل یا صورتی حامل کیفیت زیبایی‌شناختی خواهد بود. زیربنای این نوع زیبای‌شناسی، به ویژه آنها که در قرن بیستم مطرح شده‌اند، بر پایه‌ی تئوری گشتالت استوار است که در آن شیوه‌ی ادراک افراد مختلف از محیط تا حد قابل توجهی مشترک انگاشته می‌شود (پازوکی^۱، ۲۰۱۱).

بررسی دیدگاه‌های نظریه‌پردازان داخلی و خارجی در مورد مولفه‌های موضوع زیبای‌شناسی به صورت نقد سیستماتیک در مقوله‌نما می‌تواند نقش مهمی ایفا کرده و به ناسامانی موجود در جداره‌های شهری سر و سامان دهد.

بررسی رویکردهای موجود در رابطه با ماهیت زیبای‌شناسی نشان می‌دهد، دو رویکرد کلی وجود دارد: ذهنی و عینی. در مورد ذهنی و یا عینی بودن زیبای‌شناسی نظرات زیادی ارائه شده و در اینکه قضاوت زیباشناسانه مربوط به فرستنده یا تعبیری توسط گیرنده است، نظرهای مختلفی وجود دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در رابطه با این دو رویکرد در منظر شهری، در ابتدا رویکرد عینی و پس از آن رویکرد ذهنی مورد توجه بوده است.

رویکرد صوری (عینی) زیبای‌شناسی را در ذات منظر می‌داند. این رویکرد عمدتاً توسط متخصصان معمار و شهرساز بر اساس قواعد خاص و تعیین‌شده‌ی مورد استفاده قرار می‌گیرد و اعتقاد بر این است که مناظری که بر اساس قواعد عمومی زیبای‌شناسی خلق می‌شوند، از نظر مردم نیز به عنوان مناظری زیبا ادراک خواهند شد. پایه و اساس این دسته از نظریات را می‌توان در افکار فیلسوفان یونان باستان مانند افلاطون و ارسطو جستجو کرد (اسکراتن و هاسپرس، ۱۳۸۹: ۷۹). طراحان بسیاری تلاش کرده‌اند تا مناظر شهری را بر اساس این قواعد بیافرینند که برخی از این قواعد شامل: تعادل، وضوح، تضاد، هماهنگی، یکپارچگی، تناسب، تنوع و یا پیچیدگی و وحدت (بردسلی^۲، ۱۹۵۸: ۴۶۲).

رویکرد دوم، بر پایه‌ی ذهنیت ناظر استوار است و ادراک زیبای‌شناسی یک منظر را به ذهن فرد و عوامل وابسته به فرد نسبت می‌دهد (اسکراتن و هاسپرس، ۱۳۸۹: ۷۸). عواملی مانند شخصیت بیننده، محل مشاهده، خصوصیات اجتماعی _ اقتصادی بیننده، ترکیب بندی و پیچیدگی منظره (چن^۳ و همکاران، ۲۰۰۹: ۷۶). و ... در ارزیابی دخیل می‌شوند و به دلیل ذهنیت فرد است که منظر زیبا یا نازیبا تلقی می‌شود. پایه‌های این نظریه را می‌توان در آرای افرادی چون کانت مشاهده کرد که معتقد بود زیبای‌شناسی یک شیء یا یک موضوع به ذهنی که آن را درک و داوری می‌کند بستگی دارد، و نه به خود شیء یا موضوع (گالدینو و هیدالگو^۴، ۲۰۰۵: ۱۹). بنابر آنچه از تعاریف حاصل شد، در تعریف و ارزیابی زیبای‌شناسی جداره‌های شهری در محدوده‌ی مورد بررسی پژوهش حاضر، با تکیه بر معیارهای مطرح شده در زیبای‌شناسی بصری، چهار معیار کلی نظم، وحدت، تعادل و مقیاس، و چهار معیار خرد ریت، هماهنگی، تابین و تداوم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جدول ۴- معیارهای زیبای‌شناسی بصری از دیدگاه صاحب‌نظران (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۸)

صاحب نظر	کتاب	معیارهای ارزیابی زیبای‌شناسی بصری
جان لنگ	آفرینش نظریه معماری	نظم، تناسب، کلیت
کاملو زیت	ساخت شهر براساس مبانی هنری	کلیت، هماهنگی، تنوع (زیت ۱۳۹۵)
یان بنتلی	محیط‌های پاسخ ده	پیچیدگی بصری، تضاد (بنتلی، ۱۳۹۴)
یوستین گروت	زیبایی‌شناسی در معماری	هماهنگی، تضاد، وحدت، تناسب
گوردون کالن	منظر شهری	وحدت در کثرت، پیوستگی، تضاد
محمود توسلی	فضای شهری	نظم، وحدت، هماهنگی و تناسب جزء یا کل، تابین (توسلی و بنیادی، ۱۳۸۶)

1 Pazooki
2 Beardsley
3 chen
4 Galindo and Hidalgo

متیو کارمونا	مکان های عمومی، فضاهای شهری	نظم، ریتم، تعادل، ارتباطات هماهنگ
--------------	-----------------------------	-----------------------------------

شاخص های عینی و ذهنی زیبایی شناسی در جداره های شهری:
با توجه به بررسی های انجام شده در نهایت می توان شاخص های زیبایی در نماها و جداره های شهری را به شکل زیر دسته بندی کرد.

شاخص های عینی زیبایی شناسی در جداره ها		شاخص های ذهنی زیبایی شناسی در جداره ها	
خط آسمان	انتهای جداره، جایی که از لحاظ بصری جداره به آسمان می رسد	همردیفی در جداره	امتداد یافتن خطوط افقی نماها در جداره
خط زمین	محل برخورد نما با کف مسیر است	همجواری	عنصر یا نمایی از بدنه با تناسب مطلوب کا با قرار گرفتن در بدنه ارزش خود را از دست می دهد
خط ساختمان	میزان پیش آمدگی یا عقب نشینی از جداره	تداوم	شکلگیری فضای خیابان به عنوان یک کریدور
زمینه جداره	بستر اولیه ای که اشکال بر روی آن ظاهر می شوند	تناسبات	وجود نوعی نسبت میان اجزاء و نسبت آن به تمام بدنه
تقسیمات و خطوط غالب	پایه یا سکوی ساختمان، بخش میانی، تاج ساختمان یا بخش بالایی	مقیاس انسانی	در نظر گرفتن نسبت و تناسب اجزاء و کل جداره نسبت به انسان
عرض قطعات یا دانه بندی	ترکیب چندین نمای مستقل و یا نمای قطعات تفکیکی متفاوت	سادگی و پیچیدگی تقارن	ترتیب عناصر در دو سوی خط یا محور
کنترل ارتفاع	از طریق محدودیت های ارتفاعی	اصل تشابه در رنگ، فرم و...	اصل تشابه همراه با اصل ریتم و تکرار است
کنترل حجم توده در جداره	با تعیین حداکثر ابعاد افقی یا سطح زیربنا	ریتم یا تکرار	عناصر افقی و عمودی جداره که در زاویه دید پرسپکتیو تشدید می شوند
کنسول	حجمی بیرون زده در ارتفاعی از سطح بدنه که تمامی آن بسته باشد	تعادل	برابری یا همبستگی وزن های بصری در ثو طرف جداره
روزنه ها	فضاهای ارتباطی درون و بیرون جداره مانند در و پنجره	هماهنگی	ترتیب و ارتباط میان عناصر برای رسیدن به هدفی خاص
رنگ و بافت مصالح	جزییاتی که هنگام ساخت جهت تزئین ساختمان استفاده می شوند	نظم	سازمان دهی اجزا جداره با کل جداره
الحاقات، علائم و تابلوها	بخشی از جداره که در تقاطع دو معبر یا یکدیگر و یا اتصال با میدان ایجاد می شود		
تفکیک سطوح	سطوح مقابل یک تقاطع، یا وجوهی که مانع بصری هستند		
پیچ در جداره	پیچ در خیابان ها که سبب برجسته شدن ارزش کالبدی و سیمای جداره می شود.		

۴- نتیجه گیری

منظر شهری ابعاد مختلفی دارد و از جنبه های مختلف قابل بررسی می باشد. این موضوع به دلیل ابعاد مختلفی که دارد، همواره مورد توجه صاحب نظران حوزه های مرتبط با منظر شهری بوده است. در این پژوهش نماها و جداره های شهری در منظر شهری مورد بررسی قرار گرفت. نماها و جداره های شهری از مهم ترین عناصر در خیابان که در خوانایی آن نقش بسزایی دارد. اهمیت اثرگذاری نماها و جداره های شهری در محیط شهری، لزوم توجه به زیبایی و منظر شهری را به عنوان عوامل اصلی طراحی شهری ضروری می سازد. جداره و نما به عنوان حد فاصل درون و بیرون ساختمان ها، موضوع اصلی ارزیابی عابری و ساکنین فضای عمومی شهرها بوده و تأثیر بسیاری بر تصویر ذهنی شهروندان داشته است. بررسی های صورت گرفته در چارچوب زیبایی شناسی جداره های شهری نشان داد که بحث زیبایی شناسی همواره از جنبه های اصلی تأثیرگذار بر کیفیات محیط و منظر است. کیفیت های صوری جداره های شهری بخش جدایی ناپذیر منظر شهری هستند که به طور مستقیم و غیرمستقیم از کانال ادراک بصری، کیفیت زندگی شهروندان را تحت تأثیر قرار می دهند؛ بنابراین لازم است که تمامی جوانب زیبایی شناسی کالبدی فضای عمومی شهرها، مورد توجه و بازبینی بیشتری قرار بگیرند تا از این طریق بتوان هویت و منظر شهری را تقویت و آن را به عنوان فضاهایی حضورپذیر و سرزنده تعریف نمود. بنابراین طراحی آگاهانه و حفاظت از محوره های دید به سوی ارزش های شاخص بصری در نمای ساختمان ها و جداره های شهری، توجه به زیبایی شناسی در دو بعد عینی و ذهنی و بکارگیری عناصر زیبایی در نماها و جداره های شهری تأثیر بسزایی در ارتقای کیفیت منظر شهری دارد. مطالعات و بررسی نظریات مختلف نشان داد

کلیه ابعاد و جنبه‌های مختلف نما و منظر شهری در دو بعد ذهنی (شامل ابعاد فرهنگی، خاطره‌ای، هویتی، ویژگی‌های فردی، تاریخی و عواملی از این قبیل) و عینی (شامل ابعاد بصری و قابل مشاهده) جای می‌گیرد. این دو بعد از یکدیگر قابل تفکیک نیستند و با یکدیگر مناظر شهری را به وجود می‌آورند؛ بدین ترتیب منظر شهری وابسته به دو بعد اصلی عینی و ذهنی می‌باشد. بر این اساس منظر شهری در ایران یک پدیده‌ی عینی و ذهنی است که ساختار اجتماعی و فضایی دارد. توجه به این ابعاد و مینا قرار دادن این دو بعد در طراحی نماهای ساختمان و جداره‌های شهری باعث ایجاد مناظر عینی و ذهنی مطلوب با کیفیت بالا می‌شود.

۴-۱- پیشنهادها و راهکارهای اجرایی

در بخش پایانی، پیشنهادهایی به منظور شاخص‌سازی ابعاد مناظر شهری با توجه به زیبایی‌شناسی جداره‌های شهری بیان می‌شود، البته قطعاً راهکارهای بسیار زیادی را می‌توان در این خصوص ارائه نمود اما به تعدادی از مهم‌ترین موارد اشاره می‌شود. این راهکارها شامل هر دو بعد منظر عینی و ذهنی می‌شوند:

- حفظ و ارتقاء کریدورهای بصری در بخش‌های شاخص شهر به خصوص بخش‌های مرکزی شهری
- ارتقاء کیفیت‌های زیبایی‌شناختی در بدنه‌های شهری
- تأکید بر شاخص‌سازی بخش‌های ورودی شهر
- تأکید بر نورپردازی بخش‌های حائز اهمیت نماها و جداره‌های شهر در ساعات تاریکی هوا
- ارتقاء کیفیت‌های بصری در جداره‌های شهری بخش‌های پر تردد شهری (بخش‌های گردشگری، تجاری و تاریخی و...)
- فراهم‌سازی بسترها و فرصت‌های مناسب برای مشارکت اجتماعی اقشار مختلف مردم در خصوص نماها و جداره‌های شهری
- مناسب‌سازی جداره‌های شهری در بخش‌های مختلف به خصوص قسمت‌های پر تردد شهر
- تدوین ضوابط و چارچوبی برای کنترل کیفی ساخت‌وسازهای جدید و تدوین قوانینی التزام‌آور برای ساماندهی نماهای پیرامون با توجه به ابعاد کالبدی و هویتی خیابان‌ها
- ساماندهی تأسیسات شهری الحاق شده به جداره‌ها با ارائه ضوابط مشخص در خصوص چگونگی استقرار آنها
- توجه به هنر عمومی و عناصر گرافیکی محیطی برای ارتقای ارزش‌های بصری-هنری جداره‌های شهری
- دستیابی به محصوریت مطلوب در جداره‌های فاقد محصوریت مناسب طی ساخت‌وسازهای جاری و با ارائه ضوابط تعدیل ارتفاع
- ایجاد نظم در جداره با حذف نقطه دید به الحاقات نامناسب
- طراحی در ارتباط با اقلیم، عملکرد؛ ایجاد عقب‌نشینی یا پیش‌آمدگی خط ساختمان در جداره‌ها با رعایت تناسب با تعداد طبقات و عرض دانه‌ها.
- همبستگی بین اجزاء جداره با غالب شدن شکل روزنه‌ها بر زمینه
- استفاده از رنگ‌های متنوع در جهت ایجاد شادابی در جداره‌ها
- استفاده از مصالح متنوع با بافت‌های مختلف جهت تنوع و غنای جداره

منابع

۱. اسکراتن، راجر و جان هاسپرس (۱۳۸۹)، فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات دانشگاه.
۲. اسماعیلی، فاطمه، چاره جو، فرزین، حوريجانی، نسیم (۱۳۹۸)، تحلیل و ارزیابی جداره‌های شهری با تأکید بر زیبایی‌شناسی بصری، با استفاده از روش شبکه‌بندی، نشریه علمی باغ نظر، ۱۷(۸۲)، ۶۵-۷۸.
۳. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵)، پدیدارشناسی نماهای مسکونی و سیر تکوین توقعات از آن، هنرهای زیبا، شماره ۱۴.
۴. پورجعفر، محمدرضا؛ تقوایی، علی اکبر و صادقی، علیرضا (۱۳۸۸)، خوانش تأثیر ساماندهی محورهای شهری بر ارتقای کیفیت محیط فضاهای عمومی شهری، دو فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۴.
۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۹)، لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم، ج ۱۴.
۶. حبیب، فرح (۱۳۸۵)، طراحی منظر شهر در گذر تاریخ، مجله آبادی، شماره ۵۳.
۷. شاهچراغی، آزاده، بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۴)، روانشناسی محاط در محیط، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، چاپ دوم.
۸. رضازاده، راضیه (۱۳۸۶)، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر کیفیت معماری شهری و سیمای شهر، نشریه آبادی، تهران.
۹. رفیعیان، مجتبی و احمدی، حسن و اورنگ ملاح (۱۳۹۳)، درآمدی بر بازسازی پس از سانحه و الزامات ارتقای کیفیت محیط سکونت، ارئه شده در سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت جامع بحران در حوادث مترقبه.
۱۰. طاهباز، منصوره (۱۳۸۳)، زیبایی در معماری، نشریه صفا، دوره ۱۳، شماره ۳۷.

۱۱. کالن، گوردون (۱۳۷۷)، گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طبیبیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. گروتر، یورگن (۱۳۸۶)، زیبایی شناسی در معماری، جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. گلکار، کوروش (۱۳۸۵)، مفهوم منظر شهری. مجله آبادی، شماره ۵۳.
۱۴. لینچ، کوین، (۱۳۷۳)، تئوری شکل شهر، (بحرینی، حسین)، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران
۱۵. فیضی، محسن (۱۳۸۹)، فرآیند بازآفرینی منظر میدانی شخر تهران با هدف ارتقای تعاملات اجتماعی شهروندان، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۷، صص ۳-۱۴.
۱۶. قره‌بگلو، مینو؛ نژادابراهیمی، احد و جاویدمهر، ملیحه (۱۳۹۵)، شناسایی معیارهای طراحی منظر شهری با رویکرد پاسخدهی محیطی، (نمونه موردی: سرای محله جمالزاده)، نشریه هفت شهر (۵۵)، ۴، ۱۰۳-۱۱۷.
۱۷. منصوری، سیدامیر (۱۳۸۴)، درآمدی بر زیبایی شناسی باغ ایرانی، فصلنامه باغ نظر، شماره ۳، صص ۵۸-۶۳.
۱۸. نقی زاده، محمد (۱۳۸۱)، زیبایی شناسی، فرم و فضای معماری و شهر، مجموعه مقالات گردهمایی زیبایی شناسی کاربردی، مرکز مطالعات و تحقیقات هنر وزارت ارشاد اسلامی، تهران
۱۹. وحدت، سلمان؛ سجاذاده، حسن و کریمی مشاور، مهرداد (۱۳۹۴)، تبیین ابعاد مؤثر بر منظر خیابان به منظور ارتقای خوانش منظر فضاهای شهری؛ مطالعه موردی: خیابان‌های بافت مرکزی شهر همدان،، مطالعات شهری، ۴(۱۵)، ۱۷-۳۶.
20. Askari, A. H. & Dola, K. B. (2009). Influence of building façade visual elements on its historical image: case of Kuala Lumpur City, Malaysia. *Journal of Design and Built Environment*, 5(1), 49-59.
21. Beardsley, Monroe (1958). *Aesthetics*. New York: Harcourt.
22. Chen, Bo. Ochieng A. Adimo, Zhiyi Bao (2009) Assessment of aesthetic quality and multiple functions of urban green space from the users' perspective: The case of Hangzhou Flower Garden, China. *Landscape and Urban Planning*. Vol. 93. Pp. 76-82.
23. Da Luz Reis, A. T. & Dias Lay, M. C. (2009). Internal and external aesthetics of housing estates. *Environment and Behavior*, 42(2), 271-294. Doi: 10.1177/0013916509334134
24. Galindo, Ma Paz and Ma Carmen Hidalgo (2005). "Aesthetic preferences and the attribution of meaning:
25. Environmental categorization processes in the evaluation of urban scenes", *International Journal of Psychology*, vol. 40, issue 1, pp. 19-27.
26. Gibson, J. J. (2015). *The ecological approach to visual perception* (First edition). Hove: Psychology Press (Reviewed in the United States on May 12, 2019).
27. Long, J. (1987). Formal aesthetics and visual perception: questions architects ask. *Visual Arts Research*, 10(1), 66-73
28. Kurniawan, E. B., Putri, R. Y. A. & Wardhani, D. K. (2017). Building conservation base on assessment of facade quality on Basuki Rachmat Street, Malang. *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science*, 70(1), 12054. Doi: 10.1088/1755-1315/70/1/012054
29. Pazooki, S. (2011). *The Application of Formal Aesthetics by Architects and Interior Architects According to Their Own*
30. *Ranking Performances* (Unpublished Master Thesis). Eastern Mediterranean University, Gazimağusa, North Cyprus.

**Journal of
Urban Design Studies
and Urban Research**

ISSN: 2645-4424

www.UDSJ.ir

مطالعات طراحی شهری
و پژوهش‌های شهری

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرنده، واحد ۱



۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷



۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹



۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴